نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com
سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۰۰
سه شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ ۲۰ صفحه – ۵۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

پاسداشت بیست و پنجمین سال انتشار «نسیم جنوب»

خوش خبر باشی ای «نسیم جنوب»
که خبرها به ما رسد همه خوب

دکتر جعفر حمیدی

۱۰۰۰

هزار پنجره، هزاران نغمه در نسیم جنوب



با آثاری از: دکتر جعفر حمیدی، رضا نکیسا، دکتر حسین آرامی،
حسین حشمتی، فرخ روزبهی، محمد سیدزاده، علیرضا مشایخ،
خورشید فقیه، شهراد میدری، دکتر رضا آذین،
دکتر حمید اسدپور، سجاد بهزادی، مهدی غضنفری،
دکتر سعید معدنی، فرشید جان احمدیان، محمدحیاتی،
دکتر محمود جمهیری، امید زاهد، راضیه عقیلی مهر،
مرتضی کراماتی، خلیل موحد، علیرضا مظفری‌زاده،
حسن احمدی، محمد لطفی، عبدالخالق ماجدی،
ناصر علیخواه،
منوچهر آتشی،
محمد محبوبی،
مهری کرمی،
حسین شادکامی،
دکتر یداله عبدالهی،
دکتر زهره عالی‌نسب،
مهدی جهانبخشان،
اسکندراحمدنیا،
دکتر محمود دهقانی،
ابراهیم بشکانی،
امید غضنفر،
دکتر حسین اسکندری،
ابراهیم دانش، سحر زنده‌بودی،
مصطفی کشاورز، حسین نوری فیروزی،
شهرام شریف‌پور، محسن شریفیان،
دکتر عابدین عابدی‌زاده،
دکتر محمدجعفرایزدپناه،
ابوالحسن گنخکی، حسین شاکری،
جمیل رزمی، هلنا سعادتمند،
اسماعیل بهبهانی، ناصر بوهندی،
کی‌ناز کوهی، حسن رضوی،
زیبا هوشیار، عالی بازدار، آکا صفوی،
اسماعیل منصورنژاد، علی اسماعیلی،
مرتضی زندپور، فرزان اسدی،
مینا درعلی، قاسم یاحسینی،
دکتر آرش دهداری،
دکتر طالب موذنی، دکتر کیوان آقایانی،
یونس قیصی‌زاده

«نسیم جنوب»؛ نشریه‌ای فراسوی رسالت حرفه‌ای

رضا نکیسا



چراغی که ۲۵ سال از عمر آگاهی بخشی آن می‌گذرد، ربع قرن تلاش برای ارتقا فرهنگ و ایجاد فضای گفتمان اجتماعی، سیاسی و حرکت در مسیر آموزش اجتماعی فراگیر و نقد منصفانه.

با سردبیر «نسیم جنوب» از دوران دانشجویی در دانشگاه شیراز، اوائل دهه ۷۰ خورشیدی آشنایی و دوستی داشتم، پس از فراغت از تحصیل یک روز یونس را دیدم و با شوق و ذوق خبر انتشار یک هفته نامه را داد. آن زمان برایش از صمیم قلب آرزوی موفقیت کردم، چرا که بگمانم در راه سخت و پرفراز و نشیبی قدم گذاشته است.

در این سالها، گاهی «نسیم جنوب» کانون اهل ادب و اندیشه بود و گاهی پناهگاه نویسندگان، روزی نقش مددکار اجتماعی داشت و در ایام گرفتاری تاب آوری را آموزش می‌داد، و روزی مشق سیاسی می‌نوشت. اما در دنیای پیچیده امروز این همه را با تمام تنگناهای سیاسی، اجتماعی، سلیقه‌ای حاکم بر ساختار فکری و فرهنگی و سیاسی پیش بردن همتی بلند می‌طلبد و حوصله ای زیاد.

«نسیم جنوب»، از هفته‌ای که رسالت حرفه‌ایش شروع شد تا اکنون هیچ وقت تحت تاثیر منافع‌اش قلم نزد، و رمز ماندگاری و تاثیر گذاری آن نیز به گمان من همین بود. بی چشمداشت و توقع، پذیرای اهل قلم بود. و آن چه اندوخت از تجربه و اعتبار با همگان شریک بوده، ویژگی‌ای که «نسیم جنوب» را یک خانواده بزرگ کرد، ربع قرن تلاش و دورهمی را جشن می‌گیریم و خرسند از این تولد میمون و خجسته. بیش باد عمر پربار و بابرکت آن.

خوش خبر باشی ای «نسیم جنوب» که خبرها به ما رسد همه خوب

دکتر جعفر حمیدی



تقدیر از دکتر جعفر حمیدی در مراسم دومین سالگرد انتشار نسیم جنوب در سال ۱۳۷۸

چند سالی است که از خواندن نسخه کاغذی «نسیم جنوب» بوشهر محرومم. دلیل آن هم بعد مسافت، چند ماهی است که کرونا همه را از هم دور کرده است، گویا دست بردار هم نیست و این ترس از کرنا بهانه‌ای شده است برای انجام ندادن بسیاری از کارها.

قرار است هزارمین شماره «نسیم جنوب» به صورت ویژه منتشر شود و مسلم است که شماره ویژه‌ها، هوا و برگ و نوای تازه‌ای دارد و هر ستونش حرف‌های تازه، شعرهای تازه و خبرهای تازه دارد. همه می‌دانند که درکشور عزیز ما هیچکس و هیچ نشریه‌ای با نوشتن و قلم زدن، به جایی نرسیده و اگر خوانندگان عزیز «نسیم جنوب» خبر داشته باشند این نشریه از کمک هیچ جا برخوردار نیست و غالباً جز ضرر مالی بهره‌ای نداشته‌اند. اما چیزی که آن‌ها را وادار به نوشتن و انتشار می‌کند فقط عشق است. عشق به دو چیز، نوشتن و بوشهر. والا اگر کسی فکر کند که «نسیم جنوب» کیسه دوخته است برای درآمد، اشتباه محض است. آیا کسی می‌داند که روزنامه نویس چه خون دلی می‌خورد تا این چند صفحه را با هزار زحمت منتشر کند و به دست علاقمندان برساند.

«نسیم جنوب» از بدو انتشار تا امروز همیشه خوشنام و حقیقت نویس بوده است. مطالب خوب، خبرهای خوب، دانستنی های با ارزش و مصاحبه‌های خوب همیشه در «نسیم جنوب» فراوانند.

فکر نکنید که این هزار شماره آسان، راحت و بدون دغدغه انتشار یافته‌اند؟... هزینه ها یک طرف، زحمت‌ها یک طرف، دغدغه‌ها از همه مهم‌تر، دغدغه‌هایی که نمی‌توان گفت اما لذتی که هنگام انتشار، به گردانندگان آن دست می‌دهد وصف ناشدنی است.

«نسیم جنوب» مثل سایر نشریاتی که در بوشهر منتشر می‌شوند از جایگاه ویژه ای برخوردار است، حقیقت را می‌گوید و همیشه به دنبال حقیقت است. به همین دلیل است که تا امروز دوام آورده است و به هزارمین شماره رسیده است. هزار، عدد کمی نیست، حساب کنید تا این شماره به هزار رسیده است گردانندگان آن چه خون دلی خورده اند و چه زحماتی را متحمل شده‌اند و گفتنش آسان است اما از یک تا هزار را فقط بشمارید، ببینید که چه قدر خسته می‌شوید. هزارمین شماره «نسیم جنوب» مبارک باد.

نسیم خرم باد شمالید

دکتر حسین آرامی



هزار شماره یک هفته نامه را در ایران، که همیشه نسبت به کارهای فکری و خبری سوءتفاهم گسترده و عمیق وجود داشته و دارد، منتشر کردن به معجزه می‌ماند. انتشار مستمر و بدون تنزل و تخفیف محتوی، بدون تغییر جهت، بدون تغییر هویت و هدف، به معجزه می‌ماند و معجزه اتفاق افتاده است، براستی عشق به مردم، عشق به وطن، عشق به زادگاه و عشق به اصلاح و تکامل، به تعالی و توسعه، معجزه می کند.

نسیم جنوب پرچمی را که آیینه جنوب برافراشت را بر دوش گرفت و با تلاش صبوری، واستقامت در فراز و فرود شدائد روزگار به سمت قله یک کار رسانه‌ای فاخر و موثر طی مسیر کرد. نسیم جنوب اسم نشریه محلی را یدک می کشد ولی به واقع نشریه‌ای در تراز ملی است. این امر در مرور و مقایسه با سایر نشریات محلی در استان‌های مختلف بیشتر به چشم می‌آید.

نگاه تحلیلی به مسائل و موضوعات روز یا تاریخی، با مشارکت اساتید دانشگاه، متخصصین حرفه‌ای، شخصیت‌های سیاسی، ادبی و فرهنگی دال مرکزی و شاکله اصلی نسیم را تشکیل می دهد.

گشودن پرونده ویژه برای موضوعات و پرداختن به آن از ابعاد و زوایای مختلف، از دیگر فعالیت‌های قابل تقدیر نشریه طی سال‌های متمادی بوده است، و البته یاد سالهایی که ویژه نامه نوروزی را تدوین و منتشر می‌کرد بخیر. نسیم جنوب با منوچهر آتشی، سید جعفر حمیدی، ایرج شمسی زاده، احمد آرام، حبیب احمدزاده، احسان عبدی پور، ایرج صغیری، سیدقاسم یاحسینی، سیدمحمد سیدزاده و بسیاری صاحب نامان دیگر عرصه اندیشه و هنر، فکر و فرهنگ و سیاست و کیاست، سالهاست بر بوشهر و بوشهریها می‌وزد و جانشان را تازه می‌کند و خاطرشان را شاد.

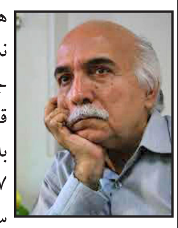
یک خداقوت جانانه به یونس عزیز و همراهانش برای این هزار شماره.

نسیم جنوب دیگر بخشی از خاطره جمعی بوشهریها شده است، و این بدست نمی‌آید مگر با عرق ریزان روح.

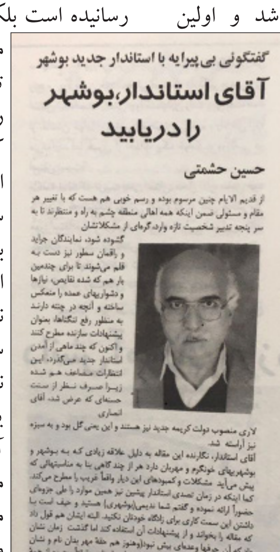
نسیم جنوب، در زمانهایی طوفان به پا کرده است، بسیار فراتر از عنوان نسیم، اگرچه نام از جنوب بر پیشانی دارد اما به واقع نفس خرم باد شمال است.

۲۵سالگی «نسیم جنوب» مبارک باد

حسین حشمتی



همکاری من با نشریه‌ی ««نسیم جنوب»» به ربع قرن برمی‌گردد، به فروردین ماه ۱۳۷۷یعنی همان سالی که نخستین پیش شماره‌های «نسیم جنوب» منتشر می‌شد و اولین مقاله‌ام تحت عنوان «آقای استاندار بوشهر را دریابید» بود که در پنجمین پیش شماره‌اش به چاپ رسید و پس از آن هر از گاهی مقاله‌هایی در زمینه اجتماعی به قلم نگارنده در نشریه به چاپ می‌رسید تا این که به مناسبت دهمین سال انتشار این هفته نامه پیشتاز در عرصه مطبوعات، مقاله «از آئینه تا نسیم جنوب»» را نوشتم و طی آن، ضمن شرح چگونگی آشنائی با سردبیر و مدیرمسئول این نشریه، به خصوصیات اخلاقی و تشخُص او نیز اشاره کردم و نوشتم که یکی از ویژگی های ایشان، میانه روی در امور سیاسی و رویکرد واقع بینانه‌ای است که به دلیل اعمال چنین منشی طی دوران۱۰ساله انتشار خود به ندرت با دستگاههای قضایی و اجرائی درگیری داشته و همین است که علی رغم بعضی از همکاران رویایی و شعار پسند او که در اوائل راه از حرکت بازایستاده اند، وی نه تنها شمارگان نشریه را به ۴۴۴ رسانیده است بلکه به عنوان رئیس خانه مطبوعات خدمات شایان توجهی هم به جامعه روزنامه نگاران محلی کرده است.



گفتگونی بی پیرایه با استاندار جدید بوشهر

آقای استاندار، بوشهر را دریابید

حسین حشمتی

از قدیم الایام چنین مرسوم بوده و رسم خوبی هم هست که با تغییر هر مقام و مسئولی ضمن اینکه همه اهالی منطقه چشم به راه و منتظرند تا به سر پنجه تدبیر شخصیت تازه وارد، گره‌ای از مشکلاتشان گشوده شود، نمایندگان جراید و راقمان سطور نیز دست به قلم می‌شوند تا برای چندمین بار هم که شده نقایص، نیازها و دشواریهای عمده را منعکس ساخته و آنچه در چنته دارند به منظور رفع تنگناها، بعنوان پیشنهادات سازنده مطرح کنند و اکنون که چند ماهی از آمدن استاندار جدید می‌گذرد، این انتظارات مضاعف هم شده زیرا صرف نظر از سنت حسنه‌ای که عرض شد، آقای انصاری لاری منصوب دولت کریمه جدید نیز هستند و این یعنی گل بود و به سبزه نیز آراسته شد.

آقای استاندار، نگارنده این مقاله به دلیل علاقه زیادی که به بوشهر و بوشهریهای خونگرم و مهربان دارد هر از چند گاهی بنا به مناسبتهائی که پیش می‌آید مشکلات و کمبودهای این دیار واقعاً غریب را مطرح می‌کند، کما اینکه در زمان تصدی استاندار پیشین نیز همین موارد را طی جزوه‌ای حضوراً ارائه نموده و گفتم شما ندیمی(بوشهری) هستید و حیف است با داشتن این سمت کاری برای زادگاه خودتان نکنید. البته ایشان هم قول داد که مقاله را بخواند و از پیشنهادات آن استفاده کند اما گذشت زمان نشان داد که آن حرفها و وعده‌ای بیش نبود(وهنوز هم حقة مهر بدان نام و نشان است که بود) و اینک که نوبت استانداری این استان حقیقتاً محروم از همهٔ ... به شما رسیده مایلم باز هم فتح باب ...

اکنون که درخت سروقامت «نسیم جنوب» به ۲۵سالگی رسیده است خوشحالم که نگارنده نیز در پیرانه سری هنوز توان و شوق نوشتن دارد و کماکان یکی از نویسندگان آن هفته نامه محسوب می‌شود. از خداوند قادر متعال در این ماه مبارک می خواهم هفته نامه «نسیم جنوب» همچنان خوشنام و پُر تلاش به خدمات فرهنگی و اجتماعی خویش به اهالی خونگرم ومهربان بوشهر ادامه دهد، انشاءالله.

دیرپا بمان

فرخ روزبهی

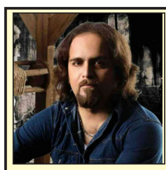


از انتشار اولین روزنامه ایران که نامی نداشت و آن را کاغذ اخبار (همان نیوز پیپر) می شناختند؛ توسط میرزا صالح شیرازی، در هفتاد سال پیش از صدورِ فرمان مشروطه، تا نشریات امروزی، تقریباً همواره فعالیت روزنامه نگاری و مطبوعاتی، جذاب اما مخاطره آمیز و پر ماجرا بوده است. این محدودیت‌ها، مشکلات و فشارها پرشماربوده‌اند. از اقتصاد رسانه و بحث نحوه توزیع آگهی‌ها که اهرم فشاری هستند در دستان مدیران و مقامات استان‌ها و مرکز، تا ظهور رقبای قدرتمند جدید، یعنی رسانه‌های دیجیتالی که بر بستر اینترنت فعالیت می کنند و موجب کاهش مصرف و ریزش مخاطبان نشریات چاپی شده‌اند. البته نبود یک جامعه مدنی قوی درد کمی نیست برای اصحاب مطبوعات و رسانه‌ها. این ها را عرض کردم تا همت‌های والا، در مجموعه هفته نامه وزین نسیم جنوب را قدر بگذارم که به مدت یک چهارم قرن و یا یک سوم متوسط طول عمر یک ایرانی خدمت اجتماعی واقعی را به استانمان ارائه کردند.

نسیم جنوب با آگاهی رسانی، فرهنگ سازی عمومی در موضوعات گوناگون، تقویت اعتماد متقابل اجتماعی، کمک به همبستگی و وحدت ملی، تلاش برای ارتقا امید اجتماعی، توجه به هنر و ورزش ها و... در ایفای رسالت خود موفق بوده است. این همه را با رعایت اصول اخلاقی در مطبوعات از قبیل: دقت، صداقت، امانت، انصاف و شفافیت به دست آورده است. از این روست که نسیم جنوب را در حد قابل قبولی، رسانه ونشریه‌ای مستقل وتأثیر گذار می‌دانم. اولین بار که مطلبی زیر عنوان کاستی‌های مقوله انتقاد در ایران را با اضطرابی ملایم به دفتر نسیم جنوب تقدیم کردم سیزده چهارده سال می گذرد! و اینک هزارمین شماره، چاپ، نگارش...

و دعای من: دیرین نسیم جنوب دیرپا بمان.

* شهراد میدری



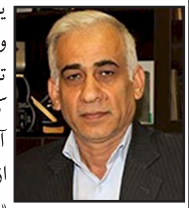
سرمست نسیم بامدادت کردم
مهمان چکاوکان شادت کردم
ای نابترین خاطره ی فصل بهار
هرجا که گلی شکفت یادت کردم

*

گُلبوسه‌ی کندوی عسل تقدیمت
لبخندِ خدا بغل بغل تقدیمت
با عطرِ خوشِ بهار نارنج نسیم
صبحی به طراوتِ غزل تقدیمت

یک ایده نو بنام «نسیم جنوب»

محمد سیدزاده



یک نشست شش نفره، و چندین ساعت بحث و تبادل نظر در هیاهوی کر کننده دوم خرداد!

آری، بیست و پنج سال از آن روز گذشت و حال «نسیم جنوب» با تمام فراز و نشیب‌ها و چالش‌های انبوه در مطبوعات استان، لقب ماندگارترین نشریه استانی را با خود یدک می کشد.

بیست و پنج سال پیش با هدف ترسیم چشم اندازی نو در عرصه ادبیات روزنامه نگاری در استان، نشستی دوستانه با حضور استاد بی بدیل شعر نو منوچهر آتشی، مرد خستگی ناپذیر حوزه تاریخ معاصر استاد سید قاسم حسینی، جوان خوش فکر و خلاق مهندس محمد مهدی بنچاری، مرد نو اندیش عرصه روزنامه نگاری دکتر یونس قیصی زاده، دکتر امیر خلف پور پرتلاش و محجوب و



بنده حقیر شکل گرفت و نسیمی از دیار مردان تنیده در فرهنگ و ادب در جنوب وزیدن گرفت و طرحی نو در عرصه مطبوعات در انداخته شد. در ربع قرن انتشار این نشریه، بی اغراق لحظه‌ای از اصول خود پا پس نکشید و همچنان استوار به راه خود ادامه می‌دهد؛ گرچه در این مسیر طولانی، گهگاهی دور گردون بر مراد نبود و رنج‌های بسیاری بر اعضای نشریه تحمیل شد، اما آتش عشق کار خود می‌کرد و هر بار با درایت و مدیریت مجموعه و اضافه شدن نیروهای خلاق و جوان، حرفه‌ای‌تر و پربارتر به مسیر خود ادامه می‌دهد.

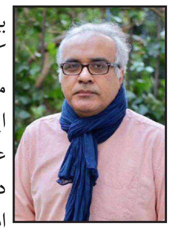
حضور بنده در این نشریه و در کنار مردانی صادق و بی ریا، افتخاری بزرگ و لذتی دو چندان داشت. گرچه مسئولیت بنده در آغاز در بخش ورزشی نشریه بود اما همه این جمع هر آن چه دستش بر می‌آمد بدون چشمدات و حسب علاقه ذاتی انجام می‌داد. شاید زیباترین لحظات کاری‌ام در کنار مرد بزرگ و اندیشمندی چون منوچهر آتشی بود که بی ریا می‌زیست و انسانی به تمام معنا بود. خاطره‌های بسیاری در دل نهفته دارم که اگر عمری باقی باشد، به زودی به رشته تحریر در خواهم آورد.

پیرامون این نشریه و نقش بی بدیل آن در توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی استان، می‌توان ساعت‌ها قلم فرسایی کرد، اما این مهم را به اهلش می‌سپارم و در پایان دوست دارم از تمامی عزیزانی که در این سال‌ها، به هر شکلی به استمرار این نشریه کمک کردند، قدردانی کنم و به احترام دکتر یونس قیصی‌زاده و همسر محترمشان که با عشق و همت بلندشان، این نشریه را پویا و اثرگذار مدیریت کردند، کلاه از سر برمی‌دارم و خالصانه سپاسگذاری می کنم.

امیدوارم که یونس عزیز پنجاه سالگی نشریه را با یارانش جشن بگیرد.

«نسیم جنوب»، در خدمت گسترش و نشر حقیقت

علیرضا مشایخ



بیست و پنج سال از آغاز به کار هفته نامه «نسیم جنوب» می گذرد. اگر چه در جهان ایرانی استمرار برای هدف، عادتی مرسوم نیست، استمرار در جهان مطبوعات ایرانی امری نادرتر است! برای پاسخ به چرایی و چگونگی این استمرار بیست و پنج ساله، به دو مطلب مهم باید توجه کرد: نخستین مطلب در فهم ازمطبوعات نهفته است و دوم شخصیت پدید آورنده یا پدید آورندگان!

(۱)

«ژاک لویی داوید» در نقاشی جاودانه خود، با نام «مرگ سقراط» به بهترین شکل، صحنه را به تصویر کشیده است. شاگردانی که در نقاشی پراکنده و گریان‌اند، همسری که در حال ترک صحنه است و سقراط که با انگشتانی رو به الوهیت، آسمان در حال سخنوری می‌باشد. در پایین پای استاد، افلاطون که نوشته‌هایش را به پایان رسانده و غوطه‌ور در افکارش دیده می شود. بهترین بازیگر صحنه نیز دقیقا هم اوست، زیرا که با نوشته‌هایش این صحنه را ابدی کرده است. برای افلاطون البته مرگ استاد مترادف با مرگ حقیقت است؛ و در اینجا، او نه به عنوان فیلسوف بلکه روایتگر و نه یک روایت ساده بلکه روایتگر حقیقت به صحنه قدم نهاده است. از سال ۳۹۹ قبل از میلاد تاکنون ما این روایت را زیر عنوان دفاعیات سقراط (که در مجموع یک چهار گانه را شکل می‌دهند) می خوانیم، در خیال غرق می شویم و به خودمان می گوییم: «بله درست است؛ فریب جوانان آتنی آخرین گناهی است که سقراط می توانست مرتکب شود»! اما نکته‌ای که فقط نقاش توانسته به ما منتقل نماید، درد و رنجی است که در چهره افلاطون آشکار بوده و ما به خوبی آن را مشاهده می نمائیم. آیا از آن روی نیست که او در حال تبدیل حقیقت به کلمه می‌باشد؟ اگر جواب مثبت باشد، پس این وظیفه‌ای سنگین برای انسان متعهد است.



هیچ کنشی در جهان به اندازه روایت حقیقت اهمیت ندارد و نخواهد داشت، چه بسا فقدان آن نسلی را سرگردان نماید.

(۲)

آلبر کامو، روایت حقیقت یا تلاش برای نشان دادن حقیقت را وظیفه‌ای اصلی برای مطبوعات قلمداد می نماید. کامو، که خود ژورنالیستی حرفه‌ای و پر آوازه است، در مقدمه چاپ نشریه‌اش با نام «عصر جمهوری» که در الجزائر با تنی چند از دوستانش (۱۹۳۹) منتشر می نمود؛ می نویسد: «نشریه‌ای بنا نهاده‌ام برای گسترش و نشر حقیقت»، و بدون این که بخواهد از منظر فلسفی با مخاطبان سخن بگوید ارزش دادن به انسان و آزادی او و آزادی فکر را نشانه‌هایی از حقیقت می داند.

برای کامو مطبوعات، راهی برای رسیدن به قدرت سیاسی نیستند. نگاهی به وضعیت تاریخ مطبوعات خودمان، به سادگی این اشتباه و انحراف را نشان می‌دهد. او می نویسد «مطبوعات پایگاهی برای (رسیدن به) قدرت نیست بلکه پایگاهی است برای دفاع از عدالت! پایگاهی برای سیاست‌ورزی نیست بلکه پایگاهی است برای حفظ ارزش‌های اخلاقی! استمرار کار مطبوعاتی در صورتی امکان دارد که تنها و تنها این اهداف اولویت اولیه و اصلی را داشته باشد»!

اما این همه مسئولیت مطبوعات به زعم کامو نیست، در یادداشتی دیگر (در عصر پاریس هفته نامه معروف پاریسی که در سال ۱۹۴۰ به آن پیوست) این هفته نامه را قلب پاریس می داند با هدفی مشخص و روح امیدی که به جامعه می‌دمد. چگونه نشریه‌ای می‌تواند قلب محلی در جغرافیا قلمداد شود؟ آیا به غیر از آن است که خود نشریه


مرگ سقراط اثر ژاک لویی داوید

عصاره‌ای از جان و روح آن منطقه باشد؟ آیا به غیر از آن است که آن نشریه سرمایه فرهنگی همان منطقه باشد؟ آیا به غیر از آن است که آن نشریه نشانه آمال و آرزوهای فروخفته و غیر عیان و مدنی همان منطقه باشد؟

(۳)

«سرژ ژولی» روزنامه نگار فرانسوی در مزیتهای مطبوعاتی بودن به باز بودن تفکر در پذیرش تحول یا تحولات اشاره می کند. این تحول می‌تواند فردی باشد به شرطی که این فعالیت را آگاهانه انتخاب کرده باشد. در هر انتخابی عنصر تعهد وجود دارد و همین شما را از خود رأیی و مطلق انگاری، رها می سازد.

««نسیم جنوب»» مسیری طولانی را طی کرده و تحولات زیادی را از سر گذرانده است. نزدیک به هزار شماره استمرار داشته است؛ چه بسا که بدون ««نسیم جنوب»» ما تحولات زیر پوستی جماعتی از روشنفکران را نمیدیدیم، چه بسا که بدون «نسیم جنوب» تحول آگاهانه از – ما و آنها– به ما قابل مشاهده نبود، چه بسا ادغام عشق و دانش را با تاخیر به مشاهده می نشستیم، چه بسا نخبگان خیلی دیر تریبونی برای سخن می یافتند، چه بسا در ابراز ارادت به عشق شعر ایمان خللی وارد می گشت، اما خوب «نسیم جنوب» امکان تازه‌ای برای همه فراهم نمود؛ در این میان «نسیم جنوب»ی‌ها، همه خستگی‌ها، دلهره برای کار حرفه‌ای و تلاش خستگی ناپذیر را به جان خریدند تا ما در کنار و بدون خستگی و دلهره از این سفره بی چشمداشت بهره ببریم و هزارمین شماره اش را به جشن بنشینیم.

بدون ««نسیم جنوب»» بوشهر شکلی دیگر داشت زیرا اعتقاد راسخ بنیان گذار نسیم در این سه گانه خلاصه می شود: «نهایت عشق»، «نهایت دانش» و «نهایت ادب». چه کسی می‌تواند مخالف باشد که یونس و نسیم‌ش ترجمان این سه گانه بوده‌اند؟!

برای این هدیه ارزشمند که به ما، به بوشهر و به تاریخ مطبوعات دادید، سپاسگزاریم. پاینده باشید.

پاریس ۱۸ آوریل دوهزار و بیست و دو

«نسیم» روح بخش بر چهره این بندر کهنسال

خورشید فقیه



روزی که جمعی از افراد اندیشمند و همدل و هم رای درصدد برآمدند تا بنیان نشریه دیگری را در این شهر و دیار، پی افکنند، هرگز گمان نمی‌کردیم که عمر و عزت و تاثیرگذاری‌های فرهنگی و اجتماعی چنین پدیده ی نوظهوری، به یک هزارمین بلوغ امروزی‌اش برسد! زیرا درهمان زمان و شاید هم به درستی، برخی این دغدغه را داشتند که با وجود تعداد اندک شماری از قلم بدستان و روزنامه نویسان در بوشهر، نتوان به طور قطع نسبت به ادامه این راه صعب العبور، امیدوار بود.



بالاخره نوزادی نام نامی ««نسیم جنوب»» در صبحگاه روز چهارشنبه ششم اسفند ماه سال ۱۳۷۶ چشم به جهان گشود با قد و قواره یک قطع معمول روزنامه‌ای و در هشت صفحه پر و پیمان از مطالب و موضوعات خواندنی و تامل برانگیز و آموختنی، که توانست در اندک زمانی، جایگاه وسیعی در میان اهل اندیشه و خرد و خبر برای خود پیدا کند و آن شود که اکنون نیز با وجود گستردگی انواع وسائط و وسایل اطلاع رسانی و اطلاع گردانی، به حیات طیبه خویش ادامه می‌دهد.

با برداشته شدن گام‌هایی مصمم و استوار و خلل ناپذیر، و با همت سترگ و ستودنی بزرگانی، «نسیم» روح بخشی بر جسم و جان تفتیده ازهُرم تنوری خورشید، و نموری شور و چسبنده شرجیِ نشسته بر چهره این بندر خسته کهنسال، وزیدنَ گرفت، تا اکنون، به وجود خود بنازیم و ببالیم و سر فراز روزها و زمانه خویشتن باشیم.

همچنین اظهار دستمریزادی صمیمانه و از اعماق دل، خدمت «یونس قیصی‌زاده» همسر و همراه و همکار همیشگی اش «نسیم فقیه» مهربان و گرامی، که توانستند با حوصله و پشتکاری ستودنی و ستایش برانگیز، «نسیم جنوب» را همچنان پویا و موثر، از گرداب‌ها و تنگناهای گوناگونی که می دانم بسیار با آن‌ها مواجه بوده‌اند، به سلامت عبور داده و باعث و بانی بقایش باشند. به امید رسیدن به صدمین سال تولد و بقای «نسیم جنوب».



پای بند به اصول و فرهنگ حرفه‌ای رسانه‌ای

دکتر رضا آذین



«نسیم جنوب» در دوره‌ای به جمع نشریات پیوست که به «بهار مطبوعات» معروف شده است، زمانی که اقبال عمومی به خواندن نشریات زیاد شده بود. این نشریه با درایت و هوشمندی و ظرفیت اجتماعی بالا، تریبون مطالب فرهیختگان بوشهری در تمام نقاط استان، ایران و جهان شد. همچنین، برگزاری کارگاههای مختلف روزنامه نگاری، میزبانی نشست‌های تخصصی فرهنگی، تاریخی، هنری... این نشریه با اقبال گسترده عمومی برگزار می‌گردید.

مدت کوتاهی افتخار همکاری داوطلبانه با این نشریه در تنظیم مطالب صفحه علمی هفته نامه داشتم. تجربه بسیار ارزشمندی در تولید مطالب علمی به زبان عمومی و جذاب برای مخاطب، معرفی ظرفیت‌های علمی و فناوری استان، مصاحبه با اساتید بزرگ، فرهیخته و سرآمدان علمی استان به دست آوردم.

در کنار این صفحه، گهگاه یادداشت‌های اجتماعی در خصوص مسایل استان می‌نوشتم که برای برخی از آنها باید پاسخگوی روسای وقت دانشگاه می‌بودم.



یک بار نیز پس از چاپ چند یادداشت در خصوص مسایل عسلویه در سالهای ۷۸-۷۹ از دفتر استاندار وقت برای یک جلسه با ایشان تماس گرفتند که انصافا جلسه خوب و محترمانه‌ای بود.

به هر روی ۲۵ سال از عمر ما و چاپ هفته نامه وزین «نسیم جنوب» گذشت. در این ربع قرن هزار شماره و دهها ویژه‌نامه از این نشریه به چاپ رسیده است.

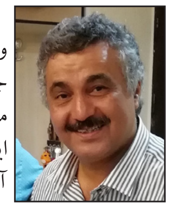
«نسیم جنوب» با عملکرد خود ثابت کرده است که پای بند به اصول و فرهنگ حرفه‌ای رسانه‌ای می‌ماند و در جستجوی حقیقت توام با احترام به مخاطب، احترام به شخصیت افراد و سازمانها، پرهیز از رفتارهای ناصحیح همچون اتهام زنی، ترور شخصیت و قلب واقعیت است.

«نسیم جنوب» می‌تواند از بابت رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای در ایفای وظیفه رسانه‌ای، مشارکت در معرفی ظرفیت های علمی، تاریخی، فرهنگی، ادبی، ... استان و پیوستگی در انتشار نشریه، افتخار کند.



هزار پنجره، هزاران نغمه در نسیم جنوب

دکتر حمید اسدپور



«نسیم حنوب در استان بوشهر وزیدن خواهد گرفت»، با این جمله بود که فصلی نو در تاریخ مطبوعات بوشهر آغاز شد و اینک از آن روزی که این آگهی منتشر شد بیست و پنج سال می گذرد. بیست و پنج بهار و هزار شماره. «نسیم جنوب» حاصل تلاش‌های یونس قیصی‌زاده و همسر گرامی‌اشان نسیم فقیه (گویا نام هفته نامه نیز از ایشان گرفته شده) و البته همکاران محترم و همراهان ایشان در طول این ربع قرن است. نسیم فقیه را از سالهایی که در دانشگاه مشغول به تحصیل بود و حدود شش درس تاریخ با من داشت می‌شناختم. بانویی آرام و متین و مهربان و البته وظیفه شناس و مسئولیت پذیر. ایشان اینک مادر دو پسر مودب و تحصیلکرده هستند که این فرزندان حاصل ازدواج ایشان با یونس قیصی‌زاده هستند.

یونس قیصی‌زاده را برای نخستین بار بیست و هشت سال پیش هنگامی که جوان بود و تازه فارغ التحصیل شده و لیسانس گرفته بود دیدم. در دفتر هفته نامه آینه جنوب واقع در خیابان مطهری بوشهر (باغ زهرا) طبقه دوم یک ساختمان قدیمی با راه پله‌های تنگ نزدیک بانک ملی. قیصی‌زاده اینک دانش آموخته روانشناسی در مقطع دکترا هستند. از آن روزگار، بیست و پنج سال گذشت.

سال هزار و سیصد و هفتاد و شش بود که نخستین شماره «نسیم جنوب» به صاحب امتیازی دکتر امیر خلف پور و مدیرمسئولی و سردبیری یونس قیصی‌زاده منتشر شد. از آن روز تا امروز بیست و پنج سال گذشته و من این بخت را داشتم که «نسیم جنوب» را بخوانم و بهره ببرم. صاحب امتیاز این نشریه پزشک محترمی به نام دکتر امیر خلف پور هستند که من تا این لحظه ایشان را ملاقات نکرده ام ولی کاملا آشکار است که ایشان هم مرارت و سختی‌های فراوانی در این راه به دوش کشیده‌اند ولی بار اصلی زحمت و مشکلات بر دوش دکتر یونس قیصی‌زاده و نسیم فقیه بوده است که به هر شکل ممکن این چراغ را برافروخته نگاه داشته‌اند و از این رهگذر خدمات فراوانی به استان بوشهر و جنوب ایران انجام داده‌اند. سخن گفتن از تاثیرات و عملکرد «نسیم جنوب» در این ربع قرن فرصت خاصی می‌طلبد ولی در این یادداشت مختصر کوشش می کنم به پاره ای از مهمترین آنها اشاره نمایم.

از نظر اینجانب «نسیم جنوب» همانند پنجره‌ای بود که گشوده شد تا صداهای گوناگون مردم و صاحبان سلیقه‌های مختلف از طریق آن سر در سپهر جامعه نموده و صدای خود و سخن خود را به گوش دیگران برسانند. از پنجره «نسیم جنوب» در طول این بیست و پنج سال، هزاران نغمه، هزاران آوا، هزاران سخن، هزاران حرف و هزاران خبر و عکس و شعر و مقاله و گزارش به گوش هزاران انسان و هزاران عضو جامعه رسیده است. «نسیم جنوب» همچون سایر نشریات و رسانه‌ها یک فرصت بی نظیر برای بازتاباندن افکار و آراء مردم و جمهور از یکسو و تریبونی برای گفتگوی مردم و صاحب نظران با یکدیگر از سوی دیگر بوده است.

تاثیرات و کارکردهای «نسیم جنوب» را می‌توان در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ادبی، ورزشی و غیره مورد ارزیابی قرار داد و این مهم بر عهده منتقدین و صاحب نظران است. تحلیل محتوای هفته نامه «نسیم جنوب» در طول این ربع قرن گذشته بهترین معیار برای ارزیابی آن خواهد بود. برای من «آینه جنوب» به سردبیری محمد دادفر و ««نسیم جنوب»» به سردبیری یونس قیصی‌زاده به مثابه تریبونی برای سخن گفتن با جامعه و تبیین نظرات و یافته‌هایم بود. قطعاً برای همه کسانی که در «نسیم جنوب» قلم زده‌اند این برداشت و این احساس وجود دارد، «نسیم جنوب» برای شکوفایی استعدادهای استان در حوزه فرهنگ و ادبیات فرصتی عالی بود، بعد از آینه جنوب و «نسیم جنوب»، زمینه های رشد نشریات و هفته نامه‌های متعدد در استان فراهم شد و «نسیم جنوب» نشان داد که غنای فرهنگی استان به گونه‌ای است که می‌تواند میزبان نشریات و مطبوعات گوناگون و متنوع باشد. بقول معروف قدم «نسیم جنوب» خیر بود.

نسیم حنوب همزمان با ریاست جمهوری خاتمی شروع به کار کرد و با توجه به بینش و روش دست اندر کاران نشریه، ما شاهد همسویی و همزبانی آن با دولت موسوم به اصلاحات هستیم. در این مدت «نسیم جنوب» تریبون اصلاح طلبان بود اما در کنار آن مقالات خوبی درباره تاریخ و فرهنگ و ادبیات استان منتشر می‌نمود.

در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد، «نسیم جنوب» دارای موضع انتقادی شد و تریبون منتقدین دولت مستقر گردید، در این دوره «نسیم جنوب» به انعکاس کمبودها، تنگناها و مشکلات استان پرداخت و در کنار آن کار نشر مقالات تاریخی و فرهنگی و ادبی را ادامه داد. یکی از اقدامات خوب «نسیم جنوب» برگزاری دوشنبه‌های ادبی «نسیم جنوب» بود که نخست توسط شادروان منوچهر آتشی و سپس توسط زنده یاد محمد حسن آرش‌نیا برگزار می‌شد.

در دوره احمدی نژاد دیگر خبری از اصلاح طلبانی که در دوره خاتمی در «نسیم جنوب» مقاله می‌نوشتند نبود و به جای آنها نسل جدیدی در حال ظهور بود. در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی «نسیم جنوب» وارد دوره متفاوتی شد زیرا هم دولت روحانی مورد تایید اصلاح طلبان بود و هم این که سردبیر «نسیم جنوب» عملا وارد کادر مدیریتی استان شده و مشاور استاندار بوشهر بود که از سوی دولت حسن روحانی منصوب شده بود. دراین دوره «نسیم جنوب» تا حدی تریبون استاندار و دولت روحانی شده بود و عمدتاً به انعکاس رویدادها و اخبار استان می‌پرداخت. علیرغم آن «نسیم جنوب» در همین دوره روحانی هم خط مشی خود در حوزه فرهنگ و ادبیات را حفظ کرد و علاوه بر آن به موضوع محیط زیست توجه بیشتری نمود.

در دوره ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی هفته نامه «نسیم جنوب» به موضع انتقادی خویش بازگشت نمود و یادداشت‌های سردبیر تحت عنوان «سلامی و کلامی» پخته‌تر، جدی‌تر و گویاتر از همیشه در راستای ایفای رسالت مسئولیت اجتماعی «نسیم جنوب» تنظیم و منتشر شد. هفته نامه «نسیم جنوب» ابتدا به صورت کاغذی در چاپخانه علوی چاپ شده و توسط روزنامه فروشی‌ها توزیع می‌شد، بعدها نسیم وارد دنیای الکترونیک و مجازی هم شد و در شبکه اینترنت دارای درگاه گردید. اینک در پیام رسان اینستا گرام نیز دارای صفحه اختصاصی می باشد.

«نسیم جنوب» در حال حاضر به صورت الکترونیک و کاغذی منتشر می‌شود. اینجانب نیز افتخار آن را داشته‌ام که گاه گاهی نوشته‌هایی تحت عنوان مقاله در «نسیم جنوب» منتشر نمایم و از این رهگذر خدمتی هر چند ناچیز انجام داده باشم، فلسفه نشریات و رسانه‌ها، رساندن صوت جمهور و دیدگاه مردم است و «نسیم جنوب» در این راستا سربلند بوده است، هرچند که لازم است دایره انعکاس دیدگاه‌ها و اخبار را گسترده‌تر نماید و محدود به شهر بوشهر نباشد بلکه بی تبعیض و بی ملاحظه تمام استان و از جمله دشتستان و گناوه و دیلم و دشتی و تنگستان و عسلویه و جم و دیر و کنگان و خارگ و ریگ را هم بیشتر از پیش مورد توجه قرار دهد.

امید آن که این پنجره هماره گشوده بماند تا صداها، نغمه‌ها و آواهای گوناگون، رنگارنگ، متنوع و متکثر از آن شنیده شود.

ربع قرن نسیم توسعه و روشن گری

سجاد بهزادی



نشریه «نسیم جنوب»، ربع قرن حیات فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و سیاسی خود را پشت سر می‌گذارد و هزارمین شماره خود را نیز منتشر کرده است.

از وقتی که یک دانش آموز دبیرستانی بودم و «نسیم جنوب» نیز نونهال بود با این نشریه همکاری داشتم. با فراز و فرودهایش همراهی کردم، نسخه چاپی آن را در دور دست‌ترین نقطه استان بوشهر به عاشقانش می‌رساندم، با سردبیرش به دادگاه رفته‌ام، طعم شیرین نوشتن و خواندن مطالب و تاثیر آن بر جریان روشن فکری، روشن گری و توسعه استان را با «نسیم جنوب» چشیده‌ام و همچنان با افتخار در این نشریه به عنوان یک روزنامه نگار قلم می‌زنم.

من پایایی، اثربخشی و حتی جریان سازی این نشریه در توسعه استان بوشهر را خیلی کوتاه به دو عامل ارتباط می‌دانم و در یک مورد نیز (مورد سوم) کوتاه وار، به جنبه دیگر این نشریه و فاصله داشتن آن با دوران شکوفایی وانتشار سالهای اصلاحات می‌پردازم.

یک: به باور من «نسیم جنوب» در دوره اصلاحات و حتی بعد از آن، در شکل‌گیری گفتمان اصلاح‌طلبانه و تبدیل آن به گفتمان عمومی جامعه دانشجویی و الیت‌ها در لایه‌های مختلف نقش ایفا کرد. این نشریه به خوبی در جامعه شهری بوشهر مورد استقبال بود و مخاطبان زیادی داشته است.

منش «نسیم جنوب» با اصرار بر سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه به یکی از جدی‌ترین محافل صاحبان گفت وگو تبدیل شده بود و این امر سبب اثربخشی و جریان سازی در مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و توسعه استان بوشهر گردید.

دو: خاستگاه متن ها و نوشته‌های «نسیم جنوب» در ربع قرنی که گذشت گرانیگاه موفقیت این نشریه بوده است. نویسندگان «نسیم جنوب» عموما مشتمل برکنشگرانی فعال بوده است که عاشق فعالیت در حوزه عمومی بودند. افرادی دردمند که بسیاری از آنها هزینه‌های زیادی برای جریان روشنگری استان دادند.

سه: به باور من «نسیم جنوب» طی سالهای گذشته که جریان افول رسانه‌های چپ در کشور فراگیر شد، نتوانست از کادرسازی و حلقه‌های روشنگری عوامل خود در گذشته‌های دور استفاده کند و اجازه ندهد این نشریه دوران خزانی در کارنامه خود تجربه کند. طی چند سال گذشته (که البته مدتی است خوشبختانه وزیدن «نسیم جنوب» جانی دوباره گرفته است) مشکلات شدید مالی و عدم وابستگی مالی این نشریه به عوامل قدرت و دولت سبب گردید «نسیم جنوب» از آن دوران نوزایی و نوگرایی خود اندکی فاصله بگیرد.

ربع قرن نسیم توسعه و روشن‌گری نشریه «نسیم جنوب» بر عاشقانش فرخنده باد و امیدواریم که این تجربه، نقطه عطفی باشد برای رسیدن به تحولی جدید و عبور از همه سختی‌های انتشار برای رسانه‌های مستقل ایران زمین.

نسیم آگاهی با طعمی جنوبی

مهدی غضنفری



۱- هفته نامه ««نسیم جنوب»» کمی بعد از جنبش سراسری دوم خرداد در اسفند ۱۳۷۶ تاسیس شد.

در بوشهر پیش از هفته نامه «نسیم جنوب»، هفته نامه «آینه جنوب» (۱۳۷۳) به سردبیری محمد دادفر هم بود که دلبری‌های خاص خودش را داشت اما «نسیم جنوب» در حال و هوایی دیگر متولد شد. «نسیم جنوب» با طعمی محلی ادامه‌ای بر جنبش آزادی خواهی، جامعه مدنی و پیوند با جامعه جهانی بود، آرزو و مطالبه‌ای که کماکان نیز روی میز است و روزی حتما به سرانجام خواهد رسید. چرا؟ چون راهی به جز این وجود ندارد و همه مقاومت‌های این دوران آب در هاون کوبیدن است.

۲-هفته نامه ««نسیم جنوب»» را دکتر امیرخلف پور (دایی‌ام) و یونس قیصی‌زاده (با همراهی باورنکردنی همسرش نسیم فقیه) این دو رزمنده سابق شروع کردند (دکتر خلف پور جانباز و قیصی‌زاده رزمنده و پسر شهید هم است) که دل در گروه محمد خاتمی و حرکت مدنی‌اش برای نیل به آزادی و فضایی



افتخاری بزرگ برای فرهنگ پر عظمت بوشهر

توفان نسیم جنوب

در جشنواره مطبوعات سراسر کشور

از ۳۰ کاندیدای بخش های مسابقه مطبوعات محلی کشور ۹ نفر از روزنامه نگاران و نویسندگان بوشهری «نسیم جنوب» هستند

محاکمه مسئول هفته‌نامه‌ی «نسیم جنوب» در دادگاه مطبوعات

مدیرمسئول نسیم جنوب با قرار کفالت با وجه التزام ۲۰ میلیون ریالی آزاد شد

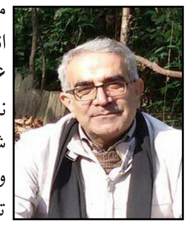
بازتر داشتند. اکنون دکتر خلف پور سالهاست که کنار کشیده است، اما یونس استوار ادامه می‌دهد، چرا؟ چون یونس قیصی‌زاده آدم سیاسی به مفهوم مصطلحش نیست بلکه ذاتا روزنامه نگار است و چون روزنامه نگار است، پیوندی دیرین با آگاهی بخشی، آزادی و جامعه مدنی... دارد.

۳- نگارنده نیز شروع فعالیت مطبوعاتی‌اش با «نسیم جنوب» بود، طبعاً درباره سینما و نقد فیلم می‌نوشتم و این همکاری و همراهی تا سالها بعد و مهاجرت به تهران ادامه پیدا کرد. من حتی به واسطه نوشتن نقد فیلم برای «نسیم جنوب» جایزه دوم نویسنده برتر هنری نشریات محلی سراسری کشور را از طریق انجمن صنفی مطبوعات سراسری در تهران دریافت کردم که بسیار برایم خوشایند بود.

۴- هفته «نسیم جنوب» اکنون بیشتر نشریه‌ای مجازی محسوب می‌شود گرچه هنوز چاپ کاغذی را هم دارد و چه خوب که هنوز منتشر و خوانده می‌شود. نگارنده اطمینان دارد روزی که فضا باز شود و امور در مسیر اصلاح قرار گیرد آن گروه از طرفداران و دلسوزان جمهوری اسلامی که منتقد وضع موجودند دور از توهین‌ها، تهمت‌ها و تخفیف‌ها به جایگاهی که به آن تعلق دارند، باز خواهند گشت و هفته نامه «نسیم جنوب» به عنوان روزنامه (حتی سراسری) منتشر خواهد شد. یونس قیصی‌زاده روزنامه نگاری است که به اضطرار برای آینده‌ای روشن‌تر خودش را با انتشار هفته نامه «نسیم جنوب» گرم نگه داشته است! او رویاهای بزرگتری دارد.

نسیم جنوب؛ یادگار عصر اصلاحات

دکتر سعید معدنی



ماههای آغازین پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ بود که خبر انتشار نشریه «نسیم جنوب» را شنیدم. نشریه‌ای که رنگ و بوی اصلاح طلبانه و ترکیبی از صبغه ملی، منطقه‌ای و بومی داشت.

وقتی اخبار، گزارش‌ها و مقالات در پیشانی اولین شماره‌های آن قرار گرفته بود و سردبیر دانا و اهل قلم چند نسخه را برایم به عنوان سوغاتی با خود به تهران آورده بود، متوجه شدم که مطبوعه‌ای است که قرار است حالا حالاها بماند. زیرا هم مطالب خوبی داشت و هم یونس قیصی‌زاده را خوب می‌شناختم. آدمی با جسارت، صبور، دقیق و در عین حال روحیه صلح جو و اعتدالی داشت. البته این نشریه هم بسان همه نشریات دوم خردادی پیه‌ی امنیت‌چی‌ها هم به تنش مالیده شد اما توانست با همه مشکلات و کاستی‌ها به حیات خود ادامه دهد.

قیصی‌زاده را از قبل - دوره دانشجویی ۱۳۷۰ در دانشگاه شیراز - می‌شناختم علیرغم ظاهر آرام و مودب، ذهنی پر جنب و جوش و خلاّق داشت. در آن دوران دانشجویی یک دم آرام نداشت. یادم هست آن زمان یک برد که جهت نصب اعلامیه و بخشنامه‌ها بود، از مسئولین بخش جامعه‌شناسی قرض کرده بود و یادداشت‌های دانشجویان را که آن موقع غالباً دست‌نوشته - با نام و یا بدون نام- بود بر روی برد می‌چسباند. این ابتکار و این اقدام شور و حالی به دانشگاه شیراز داده بود، هر روز از صبح تا شب دانشجویان و بعضاً استادان جلو این تریبون آزاد می‌ایستادند و یادداشت‌ها، مطالب و اعتراضات به نارسایی‌ها و کمبودهای دانشگاه را می‌خواندند. البته یونس حواسش به همه چیز بود. دانشجویان باید یادداشت را



داخل یک صندوق می‌انداختند. ابتدا باید ملاحظه‌ای صورت می گرفت سپس به اشتراک می گذاشت. این روحیه نشان از آن می‌داد که وی در عین حال که اهل اندیشه است قانون‌مدار هم هست. همین رویه بعدها در مناسبات سیاسی و اجتماعی وی در هفته‌نامه «نسیم جنوب» خود را نشان داد.

سردبیر «نسیم جنوب»، که ظاهراً از نوجوانی اهل کنجکاوی و مطالعه بود، درسش خوب بود و در همان سالهای جوانی و دانشجویی دوره لیسانس مقالات‌اش در مهمترین صفحه روزنامه اطلاعات در صفحه‌ی «اندیشه» که بزرگان اهل قلم آنجا مقاله داشتند، چاپ می‌شد. شخصیت وی ترکیبی از صداقت، نجابت و دانایی بود که بعداً همین ویژگی‌ها در لابه لای هفته نامه «نسیم جنوب» و مطالب‌اش از اولین شماره تا آخرین آن عیان و متبلور شده است. به باور من یکی از دلایل ماندگاری نشریه تا شماره هزارم همین ویژگی‌های در خور تقدیر و توجه است. اجازه دهید در اینجا به یک مطلب حاشیه‌ای اشاره کنم و زمان آشنایی خود را با بوشهر، مردم بوشهر و نشریه‌ی «نسیم جنوب» بیان کنم. نگارنده این سطور اهل کرج و ساکن تهران است و تا اوایل دهه هفتاد، استان بوشهر را از نزدیک ندیده بود و با مردم بوشهر آشنایی نداشت. در سال ۱۳۶۹ که در دانشگاه شیراز در دوره کارشناسی ارشد پذیرفته شدم، اولین بار بود که به شیراز آمدم و با استان فارس و بعداً استان بوشهر از نزدیک آشنا شدم. در آن زمان فارغ التحصیلان دوره کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی بسیار کم بودند، لذا ما که دانشجوی ارشد بودیم به شهرهای اطراف شیراز می‌رفتیم و در دانشگاههای تازه تاسیس آزاد اسلامی، پیام نور و... تدریس می‌کردیم. به پیشنهاد و با معرفی یونس قیصی‌زاده پای ما به بوشهر و دانشگاه پیام نور تازه تاسیس آن باز شد و این آغازی بر آشنایی با مردم نیک‌اندیش و نیک سیرت آن دیار شد. بخصوص این امر باعث شد من با بخشی از نخبگان و اهل قلم بوشهر نیز آشنا شوم و دو سه باری به دیدار منوچهر آتشی که از نوجوانی شعرهایش را خوانده بودم، بروم که یکی از بهترین خاطرات من است.



مراسم سالگرد انتشار نسیم جنوب

اگر ذهنم درست یاری کند اولین مطلب چاپ شده من در «نسیم جنوب» به سال ۱۳۸۴ بر می گردد. هنوز در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ ارسال مطلب از طریق ایمیل چندان باب نبود. روزی سردبیر محترم نشریه میهمان ما در تهران بود و وقتی مقاله‌ای از من در یک کتاب مجموعه مقالات در باره تحلیل آثار احمد رضا درویش را دید، پیشنهاد داد که خلاصه‌ای از این مقاله را در نشریه «نسیم جنوب» چاپ کند. این اولین مطلب چاپ شده از من بود. هرازگاهی مطلبی را به شکل دست‌نوشته برای نشریه می‌فرستادم اما بسیار اندک بود. با گسترش تایپ و ایمیل و بعدها فضای مجازی، امکان بیشتری دست داد تا یادداشت‌های ناقابل من نیز در آن جریده‌ی وزین چاپ شود.

خاطره خوبی که از «نسیم جنوب» در آن دوران، سال ۸۶- ۸۵ - دارم این بود که نشریه «نسیم جنوب» با یک کارگر افغانستانی، که مسئول رسیدگی به فضا و چمن زمین ورزشی باشگاه شاهین بود، مصاحبه‌ای انجام داده بود. این کارگر خارجی آن قدر تحت تاثیر اخلاق خوب و بزرگ‌منشی بوشهری‌ها قرار گرفته بود با این که چند ماهی حقوق دریافت نکرده بود با همه‌ی گله‌مندی همچنان با جان و دل برای باشگاه کار می کرد. این علاقه آن قدر شدت داشت که نام فرزندش را «شاهین» گذاشته بود. مطلبی با عنوان «اخلاق نیک بوشهری‌ها» بر این مصاحبه نوشتم و با پست برای نشریه «نسیم جنوب» ارسال کردم. در آن جا ضمن تقدیر از بوشهری‌ها و اخلاق نیک‌شان که با یک مهاجر این قدر درست و انسانی برخورد می کنند، تقاضای این کارگر افغان از مسئولین باشگاه را که درخواست پرداخت حقوی معوقه‌اش بود اشاره کردم. بعدها شنیدم که حقوق ایشان پرداخت شده است!

در آخر برای «نسیم جنوب»، سردبیر فهیم آن، دست اندر کاران و نویسندگان نشریه موفقیت همیشگی آرزو می کنم و امیدوارم در آینده خوانندگان این هفته نامه شاهد چاپ دوهزارم آن باشند.

افسوس های بیست و پنج سالگی «نسیم جنوب»

فرشید جان احمدیان



چقدر زود ربع قرن گذشت و هزارمین شماره «نسیم جنوب» منتشر شد. برای ما که از اولین سال‌های انتشار این نشریه مطالب‌مان را در آن چاپ می کردیم گذشت بیست‌وپنج سال چیزی جز افسوس از عمر رفته چیزی باقی نمانده است.

افسوس به روزهایی که «نسیم جنوب» و ده‌ها نشریه محلی دیگر با این باور که مطبوعات رکن اساسی دموکراسی‌ست کارشان را شروع کردند، امیدی واهی که در نیمه دوم دهه هشتاد بر باد رفت و پیشخوان کیوسک‌های مطبوعات از آن همه رنگارنگی مجلات و روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها به خصوص نشریات محلی خالی شدند و امروز به ندرت روی پیشخوان کیوسکی نشریه‌ای می‌بینیم که کسی در انتظار چاپ آن باشد، در حالی که روزگاری نه چندان دور، فقط به اندازه عمر «نسیم جنوب» مشتاقان خواندن مطالب تازه در انتظار اول هفته بودند تا چشم‌شان به تیترهای جنجالی نشریات بیفتد. در این بین «نسیم جنوب» یکی از پیشگامان این عرصه در بوشهر بود.

افسوس به صفحه ادبی «نسیم جنوب» که یکی از غول‌های شعر ایران مسئول آن بود و ما می‌دانستیم حضور منوچهر آتشی در این نشریه به این معناست هر مطلبی منتشر نمی‌شود مگر آن‌که حرف تازه‌ای در ادبیات داشته باشد و آرشیو آن دوره به خوبی گواه این ادعاست.

افسوس از همراهانی که بسیار عزیز بودند و دفتر «نسیم جنوب» وعده‌گاه گاه و بی‌گاه‌مان بود و حالا بر سر اتفاق ما هنوز هستیم و آن‌ها جاودانه شدند: از منوچهر آتشی، محسن شریف، محمد حسن آرش‌نیا، حسن زنگنه، ایرج شمسی‌زاده، فرج‌الله کمالی، ماشا رضازاده، ضیاء جمالی، زرتشت دوانی، قاسم مهدی‌زاده، فراز بهزادی... آن قدر عزیز از دست داده داریم که...

افسوس به دوشنبه‌های ادبی «نسیم جنوب» که منوچهر آتشی و بعدتر محمد حسن آرش‌نیا گرداننده آن بودند و مشتاقان شعر را دور هم جمع می کردند و گرمایی خاص به آن محفل می‌دادند. حاصل آن جمع شاعران جوانی بودند که امروز هر کدام صاحب مجموعه شعری می‌باشند.

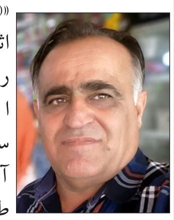
نمی‌دانم افسوس‌ها گفتن در بیست‌پنجمین سال انتشار «نسیم جنوب» درست بود یا نه، نمی‌دانم، اما ورازی بود به حال آن روزها.

و اما یونس عزیز برای مقاومت‌ات در برابر تمام سختی‌های راه زنده نگه داشتن «نسیم جنوب» تبریک می گویم.



ربع قرن انتشار نسیم دل

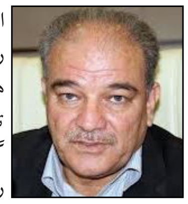
محمدحیاتی



«نسیم جنوب» منشا اثرات ارزنده‌ای در عرصه روزنامه‌نگاری نوین بوده است.
سال‌های آغازین دهه هفتاد آن هم در اوج شکوفایی طلیعه دوم خرداد ۷۶، یونس قیصی‌زاده جوانی خوش‌فکر و خلاق در هفته‌نامه «نسیم جنوب»، مبدأ یک اتفاق زیبا و قشنگ شد. از آن جایی که در آن سال‌ها افتخارداشتم در عرصه خبررسانی در آن نشریه هرچند اندک وقت صرف می‌کردم، توفیق هم صحبتی فراهم بود و به تناسب مناسبت‌ها و رخدادها بعضاً با تفکرات دوم خردادی آن روزها سیر می‌کردیم.
در سال ۷۶ یک چهره سیاسی و فرهنگی جوانی خوش فکر چون یونس قیصی‌زاده توانست نسیم جنوب را به یک بولتن خبری و تحلیلی مهم برای یک استان سیاسی که بیشترین جریانات سیاسی اصلاح طلب را داراست، تبدیل کند.
در این که «نسیم جنوب» نشریه‌ای با گفتمان اصلاح‌طلبی است جای هیچ شکی نیست، اما این جوان رشید و خوشفکر، با نگاهی حرفه‌ای و هنرمندانه، مدیریت نانوشته این نشریه را به دست گرفت.
اکنون در ۲۵ سالگی «نسیم جنوب» با کمی اغماض می‌توان گفت؛ «نسیم جنوب» نه تنها دچار تنگ‌نظری‌های افراطی نشده بلکه منشاء اثرات و برکات ارزنده‌ای در عرصه روزنامه‌نگاری نوین بوده است. گرچه فراز و فرودهایی داشته اما حداقل هیچ‌گاه از چشم مخاطبان خویش نیفتاده است.
اشاره‌ای کوتاه به چند ویژگی هفته نامه «نسیم جنوب» تا هدیه‌ای باشد برای دست‌اندرکارانش در ربع قرن سالگرد انتشار این نشریه:
۱- نگاه حرفه‌ای به عرصه مطبوعات محلی در تولید محتوا با برنامه‌های از قبیل تشکیل پرونده‌های موضوعی، نگاه خاص به مقوله عکس خبری، وجود سرویس‌های مجزا و مستقل، تهیه و تنظیم حرفه‌ای اخبار و مصاحبه‌ها. و ارج نهادن به تلاش‌های خبرنگاران و نویسندگان بعضاً نوپا یکی از ویژگی‌های بارز «نسیم جنوب» است.
۲- صادق بودن با مخاطبان؛ به گونه‌ای که در این وانفسایی که اوضاع اقتصادی نشریات اصلا مناسب نیست، تا به امروز ندیده‌ام مصاحبه‌ای سفارشی و رپرتاژی را در قالب یک کار تولیدی تحریریه به خورد خواننده بدهد. تلاش در جهت جدا کردن حریم مطالب تولیدی و تحریری از آگهی و کار تبلیغاتی که مشتری بابت آن پول می‌پردازد از دیگر ویژگی‌های «نسیم جنوب» است. کاری که خیلی از مطبوعات محلی استان به آن مقید نیستند.
۳-ویژگی دیگر «نسیم جنوب» جذب صاحب‌قلمانی از طیف‌های مختلف فکری است به گونه‌ای که «نسیم جنوب» این ظرفیت را داشته است که اصولگرا را در کنار اصلاح‌طلب با هم داشته باشد و جالب این که هر دو حرف‌های خود را می‌زنند نه حرف‌هایی که احیانا «نسیم جنوب» می‌خواهد. این هم در یادداشت‌ها و مقالات بوده است و هم در میزگردها و گفت وگوها.
۴- انتشار ضمیمه‌های جذاب و پرمخاطبی همچون ویژه نامه نوروزی در دوره‌های مختلف از دیگر ویژگی‌های نسیم بوده که امید است شاهد انتشار دوباره آنها باشیم.
۵- جذابیت بصری و طراحی زیبا و صاحب سبک بودن در این خصوص از دیگر ویژگی‌های بارز «نسیم جنوب» است که آن را همیشه از هم‌قطارانش متمایز کرده است.

برای هزارمین بار در راستای آزادی

دکتر محمود جمهیری



انسان در طول تاریخ برای رهائی از شلاق جهل همواره راهی را پیدا کرده تا از اثرات مخرب آن بر گرده خود بکاهد و در این راستا ای بسا راه جاهلانه و خرافات گرایانه را در پیش گرفته است. در اندیشه من در جنگ و کشمکش بین جهالت و دانش تا کنون برنده قطعی و مشخصی نداشته است. بسیار زمان بوده است که خردمندان می‌اندیشیدند که در مبارزه با جهل برترند و پیروز اما دیر زمانی نمی‌گذشت که این باور نه تنها به خطا رفته است بلکه خود عین جهالت بوده و حتی گاهی همان کسانی که خود بانی این اندیشه بوده اند به خطای خود آشکارا پی برده اند. این امر نه تنها در دنیای علوم اجتماعی و انسانی و سیاست بروز و ظهور یافته بلکه در مباحث علوم دقیقه نیز به وفور پیش آمده است.
این مقدمه کوتاه به منظور بیان سختی و دشواری قدم گذاشتن در عرصه اندیشه است. ظاهر شدن در این راه به مانند نظاره سرابی است که آن قدر شفاف و روشن است که با وجود آن که خود سازنده آن سرابی اما می‌پنداری که سراب نیست. و سعی وافر و جد فراوان در باور کردن آب سراب بر میائی.
فرض کنید در بیابانی گرم و ناخوش ناگزیر بدنبال آب و سایه‌ای، هرچه می نگری نه آبی است و نه سایه ای. اما ذهن شما و تمام وجودتان می‌داند که بدون آب و سایه بی‌دوام خواهی بود. تنها راه رسیدن به آب جستجو و رفتن است به سوئی که شما را به آب برساند. هر شیی‌ای در دور دست شما را امیدوار می‌کند. اما این امیدی است که خود ساخته‌اید، و هیچ گریزی هم ندارید که آن را باور نکنید. تصمیم برای رفتن به سوی آن آن قدر قوی است که با وجود عدم اطمینان اما به سوی آن گام بر می‌دارید. وای اگر مقصد غیر از آن باشد که می‌پنداشتید.
هرگز فراموش نمی کنم چهره مصمم جوانی که در بیست و چهار پنج سال پیش قصد راه اندازی نشریه‌ای را داشت و در جستجوی نیرو و امکانات آن به این سو و آن سو می‌رفت و به نظر من مانند کودکی بیش فعال چنان بی تابی می کرد که گوئی راه را گم کرده اما امیدوار و مصمم در یافتن راه و چاره است.
چاپ اولین نشریه صدای ضربان قلب این جوان را چنان بلند کرد که از فاصله چند متری هم شنیدنی بود. چهره روشن و شفاف که حالا به مقصود خود رسیده است. اولین گام اما استوار. این جوان در آن زمان باور نمی‌کرد که بتواند بیست سال دوام بیاورد. اکنون نه تنها بیست سال بلکه بیست و پنج سال و به عبارتی ربع قرن را پشت سر گذاشته است. با همه تلاطم‌ها و فراز و فرودها، با تمام مشقات و سختی‌ها.
اما هنوز راه طولانی در پیش است، تا در این جنگ نابرابر ناخدای استبداد با خدای آزادی بتوان از موفقیت حرف زد. این که بتوان بیست و پنج سال دوام آورد موفقیت بزرگی است، اما این که بتوان سایه جهل را از سر این مرز و بوم دور کرد آمال و آرزویی است، که دستیابی به آن نه بیست و سی سال که نه سالهای متمادی و طولانی لازم است. کما این که حداقل بیش از صد سال است که برای دست یابی به آزادی توفان به پا کرده‌ایم اما هر بار در این توفان خود بیش از پیش گرفتار شده‌ایم، و باز طوفانی دیگر.
برای رسیدن به آزادی راهی جز اندیشه و تفکر و مراجعه به عقل نیست و این با آگاهی توام با خرد ورزی بدست می‌آید، رسالت بزرگی که افرادی خود ساخته بر دوش می گیرند. سنگینی این بار در دنیای کنونی و در جغرافیای اکنون ایران به اندازه کل شلاق‌هائی است که بشریت از جهل و نادانی و بیشتر از آن را از توهم دانائی خورده است. لازم به یادآوری است که بیش از آن که دیرپائی نشریه اهمیت داشته باشد، رسالت آن اهمیت دارد. عمر طولانی الزام به بهروزی نیست اما قطعا بهروزی عمر طولانی دارد.
تا آن جا که بیاد دارم و به لحاظ شرایط کاری در ارتباط با نشریه و مدیر آن بوده‌ام همواره آگاهی بخشی، رسالت فراموش نشده نسیمی بوده است که گاه گاهی تبدیل به طوفان می‌شده است. هرچند که به رسالت نسیم بودن خود همواره پایبند بوده، و کمتر با گرد و خاک های متداول همراه بوده است. این نسیم وار بودن همان آرزوئی است که بسیاری از آگاهی بخشان برای تغییرات اجتماعی در آرزوی آن بوده‌اند. نسیمی که اگر دیرپا و به همراه خردورزی باشد، قطعا هم طوفانهای سهمگینی برای جاهلان و مستبدین و متوهمین خواهد بود، و اساس و بنیاد جامعه را دچار تغییر خواهد نمود.
برای آزادی و در راستای آزادی نسیم‌وار آگاهی بخش باشید. نیازی به طوفان نیست.

نسیم اعتدال و امید
در آستانه قرن جدید

امید زاهد



در خبر است که هزار بهار از انتشار هفته نامه وزین «نسیم جنوب» گذشته است و نیز هزار بهار بر این آب و خاک پر ارج و سرشار از چشمه‌های جوشان دانش و فرهنگ و هنر با تاریخی کهن که همواره اعتدال و مدارا بر تارک آن می‌درخشد.
انتشار هزارمین طلیعه نسیم اعتدال و امید بوشهر که مصادف و مقارن با قرن جدید شده است را بایست به فال نیک گرفت. در طول هزار شماره فراز و نشیب و خبر تلخ و شیرین در کنار شور و غم و شادی همراه با امیدبخشی و امیدواری و پیشران توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بودن و برگزاری هم اندیشی‌هایی برای اصحاب فرهنگ و هنر، «نسیم جنوب» را همچنان یگانه ساخته و نگاه داشته است. با این وجود این نسیم یگانه در برابر بی‌شمار بادهای محلی ویرانگر و افسونگر، همچنان چراغ پر فروغش، با رنج و سختی اما عشق و دلسوزی تلالوء دارد. تلاشی که واقعا ستودنی و قابل ستایش و احترام است.
در این سالها چه بزرگ مردان و زنانی اهل ادب، فرهنگ و سیاست، که بر دفتر زرین این جریده فریده یادداشت‌ها، مقالات و شعر و دل نوشته‌ها به یادگار نگاشته‌اند و امروز در سایه سار آن کوشش و سعی بلیغ، گنجینه‌ای از دغدغه‌های مردم و مطالبه‌گری‌ها و آرمان و آرزوهای چند نسل از مردم بندر بوشهر گردآوری و بایگانی شده است.
این مشعل فروزان نسیم اعتدال و امید را با عشق نگاه داشتن که منبعی جز عشق و ارادت به مرز و بوم ندارد، در کنار مشعل‌های همیشه سوزان قطب انرژی کشور و در میان سیل و بادهای عصیانگر زمانه و سیاست‌های روزآمد و کارآمد، به سلامت پاس داشتن، کاری سترگ و دهشتناک است که باریک اندیشی و قدرت بالای اعتدال و مدارا را طلب می‌کند که همانا هفته نامه وزین «نسیم جنوب» بر این قله پر افتخار ایستاده و پس از هزار شماره همچنان بیرقش را با شمال نوازشگر بوده و موجبات فخر و مباهات تاریخ مطبوعات بوشهر و ایران را در این کرانه شمالی خلیج فارس فراهم آورده است. نسیمی که موج دریای خروشان و فرح‌بخشی کرانه از اوست. تا باد چنین بادا.

همگام با «نسیم جنوب»، همراه با اندیشه

راضیه عقیلی مهر



هفته نامه «نسیم جنوب» را از ابتدا همگام با شخصیت یونس قیصی زاده شناختم. شخصیتی زنده و پرجنب و جوش. همچون یک روح در دو بدن. یک بدن انسانی و یک بدن اعتباری. این اندازه هارمونی نشات گرفته از جویبار اندیشه است. اندیشه‌ای جاری و تازه که این تازگی همچنان و بعد از گذشت ۲۵ سال و چاپ و نشر ۱۰۰۰ نسخه همچنان برقرار است. برای جاری ماندن این اندیشه به طور حتم هزینه‌های زیادی از سوی «نسیم جنوب» و قیصی‌زاده و بیشتر مطبوعاتی‌ها در این مسیر پرداخت شده است. چه هزینه مادی و چه هزینه معنوی، هر دو قابل ملاحظه اند. و این تنها یک جنون و عشقی مدام است که یک اندیشه را وادار به فعالیت و حضور و پرداخت هزینه‌ها می‌کند.
برای ما مطبوعاتی‌ها که دستی بر آتش داریم درمانی برای این جنون نیست و تنها ادامه و ادامه است در این مسیر خطیر.
نظم فکری «نسیم جنوب»، پرداخت به موضوعات اصلی و مهم جامعه، توجه بسیار به هنر و فرهنگ و البته مهم‌تر از آن توجه به بحث محیط زیست از جمله ویژگی تاثیرگذار این مطبوعه محلی است، که با شخصیت حقیقی یونس قیصی‌زاده مدیرمسئول و صاحب اندیشه «نسیم جنوب» هماهنگ است.
درباره انتخاب نام این نشریه مایلم به این نکته اشاره کنم که این انتخاب بی‌منظور نبوده و این باور را - براساس آنچه دیده‌ام- که نشان از توجه و علاقه ایشان به همسرشان بانو نسیم فقیه تقویت می‌کند. نسیمی همراه و همکار وی در تمام مراحل شکل گیری این رسانه تاکنون. که این همراهی خانوادگی را با توجه به دشواری مسیر، باید ارج نهاد.
البته نباید از حضور نویسنده‌های صاحب قلم و قلم فرسایی آنان که همه از روزنامه نگاران خوش اندیش استان هستند، غافل ماند.
و نگاه سختگیر قیصی‌زاده در انتخاب و همکاری با عزیزان صاحب اندیشه نیز بی تاثیر در این جریان و گردهمایی خوش اندیشان در هفته نامه نیست. فراز و نشیب در این مسیر بسیار است و «نسیم جنوب» هم از این اتفاق مستثنا نیست. اما کفه فراز آن از نگاه من مخاطب، همواره بالا بوده است.
«نسیم جنوب» از جمله مطبوعه اصیل و مطرح در استان بوشهر است که ۲۵ سال از عمر او در راستای فرهنگ سازی و اطلاع رسانی این دیار درخشیده و خواهد درخشید. در این مجال این اتفاق مهم را به همه نویسندگان و صاحب قلمان این هفته نامه وزین از جمله دکتریونس قیصی‌زاده و همسر ایشان بانو نسیم فقیه تبریک و تهنیت می‌گویم و برایشان توفیقات روزافزون خواستارم.

نسیم اندیشیدن

به بهانه انتشار هزارمین شماره «نسیم جنوب» و خدا قوتی به دوست اندیشمند، دلسوز و جانباز و یادگار دفاع مقدس یونس قیصی زاده

مرتضی کراماتی



در تاریخ هر سرزمین روزهایی هست که انگار مثل همه روزها نیست و از جنس دیگری است.

در سرزمین ما هم از این روزهای با شکوه داشته‌ایم که البته بیشترشان در زیر پوشش و حجاب نادیده گرفته شدن‌ها بی‌انعکاس مانده است. بی‌شک بی‌خبر ماندن از برخی رویدادها نبود رسانه‌هایی بود که توان انعکاس این رویدادها را داشته باشند.

در دوم خرداد سال ۱۳۷۶ و انتخاب سید محمد خاتمی بعنوان رئیس جمهور، شوری زیبا و روحی تازه در کالبد این ملت دمیده شد و خیلی‌ها که حرفی برای گفتن داشتند و صداهایی در گلو، در صف اول مطالبه‌گری و نوشتن بودند. یک اراده جمعی و یک عزم عمومی بوجود آمد و در استان با سابقه فرهنگی و مطبوعاتی ما نیز، جمعی کوچک در فکر راه اندازی نشریه‌ای بودند و همین شد که «نسیم جنوب» موثرترین نشریه ی استان بوشهر ۹ ماه بعد از حماسه دوم خرداد، در اسفندماه ۱۳۷۶ با نگاه «سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ورزشی» وزیدن گرفت.

یادم می‌آید خبر انتشارش در تراکتی کوچک و در مراسمی که در سالن شهید حکیمی بندر دیّر، برگزار بود، دیدم.

ظهور این نشریه بارقه امیدی بود تا آنانی که اهل قلم بودند، جایگاه و پایگاهی برای انعکاس دلنوشته‌ها و دغدغه‌های خود بیابند و مردمی که تشنه شنیدن و دیدن و فهمیدن بودند، چشمشان در رهگذار شتاب آلود رویدادها بر خوان دکه‌های بوشهر و دیگر شهرها به نسیمی در خنکای جنوب روشن گردد.

هر چند بوشهر سابقه صد ساله در داشتن مطبوعات دارد، «نسیم جنوب» قدیمی‌ترین نشریه در بوشهر و پس از آئینه جنوب می‌توان آن را دومین نشریه بوشهری در آن زمان دانست. آئینه جنوب اولین هفته نامه بوشهر پس از انقلاب ایران (در سال ۱۳۷۳) توسط محمد دادفر (نماینده اسبق بوشهر در مجلس شورای اسلامی) نشر و توزیع گردید که بر اساس یافته‌های اینترنتی از همان شماره‌های اول، ضمن اطلاع‌رسانی، تاریخ و فرهنگ جنوب و بوشهر را به خوانندگان خود باز می‌شناساند. آئینه جنوب پس از سال‌ها فعالیت در پایان کار خود به صورت یک روزنامه اصلاح‌طلب کشوری (روزنامه آئینه جنوب) درآمد که تنها با چاپ چند نسخه تعطیل گردید.

نسیم چنوب با فراخوانی اهل قلم و اندیشه، حکم مجتمع و پژوهش‌سرائی دارد که از زمان تولد تا کنون برترینهای علمی، ادبی فرهنگی و نویسندگان و شاعران و هنرمندان زیادی را به عنوان اعضای ثابت و فعالی را در خود شناخته است که نام هر کدام بر سنگینی وزن و داشته‌های این نشریه افزوده است. «نسیم جنوب» علاوه بر اطلاع رسانی و خبر رسانی، صفحاتش در برگیرنده رویدادها، اخبار و اطلاعاتی است که هر کدام فرهنگنامه باورهای جنوبی‌های سرشار از عشق و شور و ارادت به میهن و خاک پاک جنوب است که در همسایگی خلیج تا ابد فارس، پاسبان ارزشهای مادی و معنوی ایران عزیز است.

برای یونس قیصی‌زاده و تمامی اعضای این خانه چه آنان که از نزدیک و چه از دور، دستی بر آتش اندیشیدن و نوشتن و خواندن دارند، آرزوی بهترین‌ها دارم.

سرمایه های فکری و فرهنگی پیشرو در نسیم جنوب

خلیل موحد



۱. دوره ی تازه ی جنبش بهبود خواهی و عبور از روزگار ناگوار و دردناک پیشین، در سال های ۷۶-۸۴ را می توان از نظر آفرینش کالای سیاسی و فرهنگی آگاهی دهنده و رهایی بخش، از دوره های کامیاب و پر ارمغان رسانه ها و مطبوعات بدنه ی اجتماعی ایران دانست. آفرینندگان این خیزش سترگ میهنی برای نوشتن کتاب باشکوه آزادی و عدالت اما تاوانی بس گران پرداختند.

۲.جنبش همایون بهبود خواهی بیشتر ایرانیان که در سال ۷۶ سر از پرده برون آورد، ارمغان فرخنده ای در ساحت اجتماعی شهر و استان ما، بوشهر، نیز داشت و به زایش و رویش جامعه ی مدنی و رسانه های نوشتاری انجامید. «نسیم جنوب» نخستین هفته نامه شناسنامه داری بود که با همت بلند دسته ای از جوانان آگاه و پر شوق و دغدغه دار کهن اقلیم ما شالوده گذاری شد و با همکاری بی دریغ دیگر نویسندگان اندیشناک، ملی و مردمی بوشهر و استان بالیدن گرفت و اینک هزاره ی نسیم است. نسیم گرچه در برآمدن در عصر اصلاحات پیشگام بود؛ ولی در دوران پیشا اصلاحات، ابوالقاسم ایرانی با «صدای بوشهر» در سال ۱۳۵۸ با ۹ شماره و سید قاسم یاحسنی «آوای بوشهر» در سال ۱۳۷۲ با یک شماره و محمد دادفر «آیینه ی جنوب» را منتشر کردند. آیینه جنوب که از سال ۱۳۷۳ روی دکه نشریات در بوشهر حاضر شد اما تا چند سال پس از آغاز رسمی جنبش اصلاحات نیز، حرکت سازنده اش ادامه داشت تا این که در اوج شکوفایی، ریشه ظاهری اش را بریدند.

پس از نسیم نشریات دیگری که بیشترشان رویکرد بهبودخواهانه داشتند نیز وارد دنیای خبر رسانی و تحلیل شدند. دستاوردهای فرحبخش دیگر رسانه های اصلاح طلب استان نیز باید در جای خود بررسی و تحلیل شود.

۳. نشریات بهبود خواه بوشهر گرچه هر یک در کادر بینش و روش مدیریتی و داشته های انسانی (نویسندگان) خود در پی آگاهی بخش خبری و تحلیلی خوانندگان بودند و بنابراین، جایگاه شایسته ای داشتند؛ اما درون مایه «نسیم جنوب» در دوران اصلاحات، با توجه به نویسندگانی که در آن درباره تاریخ، سیاست، فرهنگ، پدیده های اجتماعی و گاه اقتصاد قلم می زدند، در نمایی کلان، نسبت به دیگر مطبوعات نوشتاری- کاغذی استان، در ساماندهی نگرش خوانندگان و تکامل بینش و نگاه آنان به ساخت قدرت و ثروت و پاره ای از بخت یاری ها و نابخت یاری های که بر این سرزمین و مردمانش رفته است، کارکرد فزونتری داشت. نسیم آوای جامعه مدنی نوبنیاد بوشهر و اندک سازمان های مردم نهاد نیز بود. برخی دیدگاه های گروهی از ستمدیدگان سیاسی و مبارزان پیشینه دار ملی و مردمی میهن نیز در نسیم بازتاب داشت و در گرامی داشت یاد در گذشتگان آنان، در نسیم سخن می رفت. کامیابی نسیم در عصر اصلاحات، در چهارچوب درون سازمانی؛ اما از یک سو برونداد نگاه و رویکرد نگرشی بهبود خواهانه مدیریت نسیم نسبت به رویدادهای کشور و از دگر سو ارمغان نویسندگانی بود که پدیدارهای نوشتاری و کم و بیش ژرف، خلاقانه، آگاهی دهنده و رهایی بخش آنها در نسیم به چاپ می رسید. زنده یادان: "زرتشت دوانی"، "قاسم مهدی زاده"، "ضیا جمالی"، "منوچهر آتشی "، "محمد حسن آرش نیا"، عبدالباقی دشتی نژاد" که سروده هایش در نسیم چاپ می شد و دیگرانی که شاید چشم از گیتی فروبسته و اینک نام نامی شان در یادم نیست از نویسندگان «نسیم جنوب» بودند. دوران اصلاحات، با وجود جور و جفاهای ریز و درشت و سهمگینی که از سوی ارباب قدرت بر دگراندیشان آوار شد، گاه زایش و رویش توان مندی های خاندان بزرگ فرهنگ و خامه میهن و بوشهر ما بود. سرمابه های فکری و فرهنگی که پیش از خرداد سال ۱۳۷۶در درون ناخودآگاه مان زندانی شده و اینک بسان پرنده ای گریخته از قفس تنگ و تاریک ساختار سیاسی و ایدئولوژیک رسمی، به سوی آزادی پر می کشید. به گفته مولانا: «مرده بدم زنده شدم / گریه بدم خنده شدم».

نسیم اما فقط کارکرد مطبوعاتی نداشت؛ بلکه جای گردهمایی و گفت و شنود دسته هایی از آفرینندگان و دلبستگان به فرهنگ و رهروان راه آزادی و دادگری و از آن میان، دانشجویان بود. بسیاری از کسانی که پیش از این با هم بیگانه و یا به رغم آشنایی پیشین، سال ها چشم به چشم نشده بودند، در نشریات و به ویژه در نسیم با هم آشنا شده و گسست های دلبخواه و یا نادلبخواه به پیوندها انجامید و با سرریز شدن سرمایه های فکری و فرهنگی پیشرو در رسانه ها و به خصوص در نسیم، دانسته شد که چه استعدادهایی پاکیزه ای در بوشهر شاید نزدیک به دو دهه خفته بودند. دوران ویرانگر خفتگی اما به پایان رسیده و رستاخیزی از عشق به آفرینش فرهنگ و مهر به آزادی و عدالت بر پا شد.



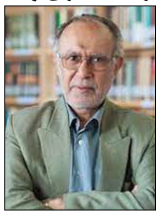
۴. در دوران اصلاحات، خانه مشترک یونس قیصی زاده و نسیم فقیه، فراتر از دفتر ساخت و پرداخت یک نشریه، کارکرد مهمان سرایی نیز داشت و یونس و نسیم از برخی کنشگران سیاسی و فرهنگی ستمدیده ی میهن که برای سخنرانی به بوشهر آمده بودند با اشتیاقی درون زا، پذیرایی می کردند و من خود گواه بودم که این نسیم بانوی کدبانو در پخت کیفی و کمی و گونه گونی غذاها که همه خانگی بود و سفره آرایی سنگ تمام می نهاد. صادق زیبا کلام، محمد مهدی جعفری، حسن یوسفی اشکوری، ماشاالله شمس الواعظین، حمیدرضا جلایی پور، عبدالعلی بازرگان، فضل الله صلواتی، دکتر علیرضا رجایی و مرحومان: اعظم طالقانی، محمد بسته نگار و احسان نراقی از جمله مهمانان غیر بوشهری بودند که از جمله این میهمانان بودند. بانو نسیم در قامت نخستین حروف چین «نسیم جنوب» نیز تا چند سال، خود یک تنه کار تایپ تمام نوشتارهای هفته نامه که ۸ صفحه بود و گاه ۱۲ صفحه نیز می شد، انجام می داد.

۵. نسیم اما در قلمرو نشر کاغذی درجا نزد؛ بلکه وارد فضای مجازی نیز گردید و نخستین نشریه استانی بود که به اینترنت راه یافت و درون مایه اش جهانی شد تا جایی که برخی نوشتارهای آن در برخی سایت های پر خواننده درون مرزی و برون مرزی بازنشر شد.

بخش نظردهی خوانندگان پایگاه اطلاع رسانی نسیم نیز بسیار پرجنب و جوش و چالشی بود.

«نسیم جنوب»
در دادگاه مطبوعات

علیرضا مظفری زاده



انتشار مطبوعات در کشورهای جهان سوم از جمله ایران همواره با سختی‌ها و مشکلاتی همراه بوده و بیشتر نشریات عمری کوتاه داشته‌اند. به همین سبب صدها نشریه‌ای که از دوران مشروطیت تا کنون چاپ و منتشر می‌شده‌اند هیچ کدام جز اندکی که به تعداد انگشتان یک دست نمی‌رسد، باقی نمانده‌اند. به نظرم قدیمی ترین نشریه در ایران که تا کنون فعال است "روزنامه اطلاعات" باشد که در آستانه صد سالگی قرار گرفته است. بوشهر هم که در گذشته از شهرهای پیشرو در زمینه فرهنگی و اقتصادی بوده، چه در زمان قاجار و چه در عصر پهلوی نشریاتی داشته است. معروف‌ترین نشریه دوران قاجار روزنامه "مظفری" است که بارها با تعطیلی و بازداشت یا تبعید مدیرش "علی‌آقا شیرازی. لبیب‌الملک" همراه بوده است.

بعد از انقلاب تا میانه دهه ۱۳۷۰ هیچ نشریه‌ای در استان منتشر نمی‌گردید. تا آن جا که به خاطر دارم در زمان استانداری عبدالرحمن ندیمی بوشهری، انتشار هفته نامه "آیینه جنوب" به مدیریت محمد دادفر در سال ۱۳۷۳ کلید خورد. ندیمی بررسی وضعیت دادفر را به من که مشاور او و سرپرست اداره بازرسی استانداری بودم واگذار کرد. دادفر را نمی‌شناختم. پس از تحقیقاتی که از طریق دوستان فرهنگی به عمل آوردم، مورد تأیید استانداری قرار گرفت.

هفته نامه «نسیم جنوب» هم در اواسط همین دهه پا به عرصه مطبوعات گذاشت. این نشریه از همان آغاز توانست نیروهای خوش‌فکر و علاقمند در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی را به سوی خود جلب کند و از همکاری آنان بهره بگیرد. زندگینامه سیاسی-اجتماعی خودم در همین ایام در چند شماره این هفته نامه به چاپ رسید. مقاله‌ای را نیز از یک مهندس کامپیوتر سوری درباره معجزات قرآن از زبان عربی ترجمه کردم که در چندین شماره منتشر شد.

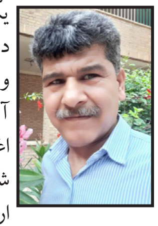
و اما خاطره‌ای که از این هفته نامه به یاد دارم مربوط به وقتی است که عضو هیئت منصفه مطبوعات بودم؛ در زمان ریاست جمال انصاری بر دادگستری استان و مدیریت سید نورالدین ابطحی بر اداره کل ارشاد اسلامی. هیئت منصفه مرکب از ۱۲ نفر از افراد و اصناف مختلف بود. دعوتنامه وقت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی از طرف دبیرخانه هیئت منصفه، پیشتر، برای اعضاء فرستاده می‌شد. روزی در استانداری مشغول به کار بودم که دعوتنامه‌ای به دستم رسید. موضوع آن، وقت رسیدگی به پرونده مدیر مسئول «نسیم جنوب» در شعبه سوم دادگاه عمومی بوشهر بود.

جلسه دادگاه در وقت مقرر تشکیل گردید. یونس قیصی زاده مدیر مسئول هفته نامه، دفاعیه مفصلی انجام داد، جلسه دادگاه بعد از یکی دو ساعت به پایان رسید. در آخرین مرحله، هیئت منصفه پس از شنیدن دفاعیات مدیر مسئول هفته نامه، وارد شور شد و در نهایت به اتفاق آراء، بر بزهکار نبودن متهم یعنی مدیر هفته نامه، رأی داد و به این ترتیب به سهم خود قدمی هر چند کوچک در همراهی با گردش آزاد اطلاعات، و کم کردن فشار از دوش اصحاب مطبوعات برداشت.

رسیدن هفته نامه «نسیم جنوب» به شماره هزار را گرامی می‌دارم و از خداوند متعال برای مدیر نشریه و همکاران وی در ادامه این راه، آرزوی توفیق و سربلندی می‌نمایم.

چراغ روشنی برای آگاهی

حسن احمدی



یکی از مهم ترین ارکان دموکراسی و مردم سالاری وجود رسانه‌های مستقل و آزاد می‌باشد، رسانه‌های چاپی اغلب با هر انگیزه‌ای که منتشر شوند، حاوی اطلاعات بسیار ارزشمندی در موضوعات مختلف؛ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و... می‌باشند که هم در زمان انتشار و هم در آینده می‌توانند علاوه بر رساندن اخبار و اطلاعات به جامعه، منبع ارزشمندی نیز برای تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلف برای پژوهشگران باشد. نقش رسانه‌ها و به طور اخص نشریات چاپی در بسیاری از وقایع بزرگ تاریخ معاصر، نظیر انقلابها و نهضت‌ها غیر قابل کتمان می‌باشد، چرا که یکی از مهمترین ابزار های آگاهی بخشی به جامعه همین نشریات چاپی مانند روزنامه‌ها هفته نامه‌ها و... بوده است.



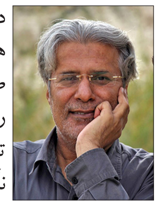
در ایران امروز ما، هرچند نوع حکومت جمهوری اسلامی بوده و داشتن پیشوند جمهوریت می‌تواند این تصور را ایجاد کند که تمامی ارکان دموکراسی و جمهوریت نیز برقرار است، اما بر کسی پوشیده نیست که ملزومات جمهوریت چندان مورد توجه برخی نهادهای تصمیم گیر نبوده است و گاهی حتی در جهت تضعیف ارکان جمهوریت نظام، نیز تلاش شده است. در انتخابات ریاست جمهوری سال هفتاد وشش، وقتی خاتمی با وعده‌های توسعه سیاسی، تقویت جامعه مدنی، مردم سالاری و... مورد اقبال مردم قرار گرفت و ریاست قوه مجریه را در اختیار گرفت تلاش‌هایی در زمینه تقویت ارکان جمهوریت نظام صورت داد، به همین دلیل، رشد و رونق مطبوعات و نشریات نیز، در این دوره، چه در گستره ملی و چه در گستره محلی مورد توجه قرار گرفت و نشریات جدیدی پا به عرصه وجود گذاشتند؛ هرچند در آن سالها بهار مطبوعات با تعطیلی فله‌ای به دستور قاضی مرتضوی معروف، به خزان تبدیل شد، اما تاثیر گذاری آن دوره بر افکار عمومی غیر قابل کتمان است.

در استان ما بوشهر نیز، هفته نامه «نسیم جنوب» به صاحب امتیازی دکتر امیر خلف پور و مدیر مسئولی و سردبیری دکتر یونس قیصی زاده، محصول همان دوره بهار مطبوعات است، که نزدیک به ربع قرن، همچنان با وجود سختی‌های فراوانی که نشریات چاپی و خصوصاً آن دسته که در حلقه خودی‌ها (از نگاه تنگ نظرانه آقایان) قرار نمی گیرند، با آن روبه‌رو هستند، به کارش ادامه می‌دهد؛ شکی نیست که یکی از دلایل ماندگاری این هفته نامه فاخر، توان تخصصی مدیر مسئول و سردبیر آن، دکتر قیصی‌زاده و همکارانش بوده که توانسته‌اند با بهره گیری از فعالین برجسته این حوزه و همچنین پرداختن به موضوعات مهم استان در زمان مناسب، جاذبه آن را برای خوانندگانشان حفظ کنند.

تداوم این نشریه که از افتخارات رسانه‌ای استان می‌باشد، آرزوی هر فعال عرصه فرهنگی و آنانی که دغدغه توسعه استان را دارند بوده، امید که این چراغ روشنی بخش همچنان به درخشش خود ادامه دهد.

نسیمی بر گرمای جنوب

محمد لطفی



درست ربع قرن پیش در هارمونی و ریتم ماشین‌های صنعت چاپ افست چاپخانه، رویدادی ثبت لحظه‌های تاریخ می‌شد. صداها و نگاه‌ها به اولین نسخه «نسیم جنوب»، خلوت خالی سکوت را به شکفتن گل لبخند نشاند و نسیم بر نیلی آب‌های باستانی بوشهر تولد یافت، همین افتخار، اهل قلم را بس که در عبور ثانیه‌ها در ترنم و ترجمان آن روزها دلنوشته بسپارند به خم اندر خم کوچه‌هایی که حالا نسیم در ساقه‌های تاریخ سترگش مثل عطر گل گل ابریشم می‌پیچید، بندری که لهیمرها را رد کرده و پیشخوان یک قرن مطبوعات و افتخار طلایه‌دار و همراهی با مشروطه خواهان را در کارنامه خود داشت، حالا تاریخ، افشره آن همه میراث را با فروتنی به دستان دست اندرکاران ریاضت کشیده نسیم کوچانده بود، تا نسیم این بار گلوگاه سبز شکفتن باشد و قلم‌ها به سماع راهبانه به گستره یک تمدن در «نسیم جنوب» درد بستاند از تن زخمی شهر اولین‌ها، در واکاوی تاریخ خود بر این شبه جزیره دور افتاده و غریب که هرچند از پایتخت دور بوده اما در بخش وسیعی از رویدادها، تاریخ ساز و پیشاهنگ بوده است. حتی قبل تر از مرکز نشینان، نقش و ارزش و جایگاه مطبوعات این جا در بوشهر حرفها برای گفتن دارد که بماند برای مجالی دیگر، از نخستین روزنامه با خط و نسخ و چاپ سنگی تا فراوان مواردی از این دست، که همه این جا رویدن تا برویانند، و آنک ما مسیر سبز روشنایی گذشته را در پدیده نوظهور دوباره از آیینه مردمک چشمهای هم نظاره گر می‌شدیم و نسیم در فضای محقر اما به گستره عشق عشاق از هر ژانر فرهنگی و هنری جاری شد در رگ‌ارگ هر او که اهل دل بود و دستی بر فرهنگ و هنر، عطشان شوق و ذوق به یادگار نهادن اثری مختصر حتی به یادگار حک کند بر کتیبه «نسیم جنوب»، و نسیم هر هفته به برنایی قد می‌افراشت و فراز می‌آمد، به چشم بر هم زدنی محل اتکا شد. رسالت رسانه‌ای خود را در دل اهالی بوشهر نشاند، جوش و خروشی کلید خورد او که مطلبی می‌نوشت و شهروندی که «نسیم جنوب»، باد صبایش شده بود. دقیقاً کارکرد دنیای مجازی امروز را برایش به همراه می‌آورد.

در هفتمین روزها و قراری معین «نسیم جنوب» را با غروری قدسی پنج هزارسال تمدن و تاریخ حالا به دست فرزندان ناخدایان و ملاحان و هر شهروند بومی و غیر بومی دیگر می‌رسید. همه در سمفونی‌ای منظم گرد هم آمدند تا بی منت مزد رویدادهای فرهنگی، هنری، ورزشی بوشهر را پوشش دهند، نسیم حالا همان دنج میکل‌آنژ ها و رافائل‌ها و کافکاها و کاموها و... شد برای هر بوشهری که دستی بر هنر داشت و از دل نشست‌های فراوان و بهره جستن از استادانی که نام بردن از یکی اجحاف در حق دیگریست یک بار دیگر نهنگ خفته فرهنگ و ادبیات بوشهر تکانی خورد تا خود را به دریای هنر برساند، شناور بماند و از مرگ وارهد، بوشهر از دیر باز سرزمین مثال در حوزه ادبیات بوده و هست و «نسیم جنوب» در بازتاب اتفاقات فرهنگی و هنری بوشهر در آن سالها که مثلاً تئاتر ما فعال و در کشور بازتاب عالی داشت در برگزاری فستیوال‌ها او هم ایفاگر نقشی شد، نسیم پیک فرهنگی هنری بود که داشته‌های ادبی، فرهنگی و هنری این دیار را میهمانان و گروه‌های دیگر استانها با خود به ارمغان می‌بردند به شهر و کاشانه خود و چه بسا در معرفی هنرمندان و آثار فرهنگی و هنری و... این خطه با فروتنی به میدان آمد، چنان که هنوز هم این همان گونه است، گاه اندوه قبیله دریا را می‌بارید بر جاری سطور و ستون‌ها، گاه به هر بهانه شانه به شانه هم در نشست‌های ادبی در برهوت این گونه اتفاقات دور از هیا بانگ‌های رایج نوش جان می شد گپ و گفت‌ها و آخرین دلنوشته‌های دوستان، «نسیم جنوب» دیگر در هیبت باران خود را تکانده بود بر تشنگی رویاهایی که حالا در بیداری دنبال می‌کردیم، نسیم قاصد اندیشه هنرمندانی شد که هنر را برای نام و نان نمی‌خواستند که تطهیر می شدند در باورهای معنوی خویش و نسیم رسالت انتقال این مفاهیم را عهده‌دار شد و بوشهر ما اتفاقی تازه را رقم می‌زد، ظهور نسیم منجر به شکست انجمادی شد که سالها دوستان را به انزوا کشانده بود و این گونه بود که در یک آن انگار تن تب دار بوشهر هوای وزیدن نسیم را حس کرده باشد، تمام پنجرها دهان شدند، و نام «نسیم جنوب» یک بار دیگر نگاه همگان را به سوی بوشهر جلب کرد، بوشهر، همان جغرافیایی که فرهنگ و هنر و آیین چنان در هم آمیخته که تفکیک آن ها از هم محال می‌شود، همه چیز بوی رستن می داد. زمان به قرار هر چه ساعت دل بگوید، گویی نوشته‌ها در نسیم نذر شکوه دوباره بوشهر می‌شد، زیرا وقتی نسیم آمد نوزایی عشق طعم عاشقی گرفت، معجزه با هم بودن گل داد و نسیم همه را به شیوه باران تکثیر کرد و رویش، دوباره آغازیدن گرفت. هر که نبضش اینجا در بوشهر می‌زد هرچه در سر سودایی‌اش می‌جوشید به نسیم می‌سپرد و او بی دریغ انتشار می‌داد، «نسیم جنوب» برهه‌ای از ربع قرن روزان و شبانی است که عنصر کلام نخواهد توانست کولاژ آن همه اتفاقات ارزشمند را تفسیر و توصیف کند، روزهایی خوب که می‌مانند در حافظه تاریخی مردمان ما، و ما امروز آن روزگار را به فرخندگی فراياد می‌آوریم، نماد و نشانه‌ای که بر تارک مطبوعات بوشهر فروزان خواهد تابید و آیندگان این باستانی‌ترین بندر سرزمین ایران زمین به گونه‌ای ژرف نگرانه پاس‌اش خواهند داشت، بر من روشن است که «نسیم جنوب» در آواز هر پرنده وطوفان و در عبور هر ابر مهاجری است که می‌رود تا دور دست‌های تاریخ این بوم و بر، به نوبه خود و به حرمت تلاش دست اندرکاران «نسیم جنوب» و هر آن که دستی بر ماندگاری آن از ربع قرن پیش تاکنون داشته به ویژه صاحبان قلم واندیشه. زاد روز «نسیم جنوب» را شاد باش می گویم، بادا گامهای تمام هم اندیشان قرین با پویایی و پایایی در پویه آبادانی بوشهر مانا باد.



هزاره حسرت و عسرت

عبدالخالق ماجدی



قصه انتشار هزارمین شماره هفته نامه «نسیم جنوب» فقط یک شب از داستان هزار و یک شب کمتر دارد و پرداختن به بهانه یک هزارمین شماره آن آسان نیست. «نسیم جنوب» بعد از طوفان سیاسی، اجتماعی دوم خرداد سال ۱۳۷۶ در اسفندماه همان سال مقارن با پایان زمستان بهاری بوشهر متولد و تابستان فصل جدید مطبوعات بوشهر شد.

«نسیم جنوب» از طرفی دومین نسیم زندگی سردبیر و مدیر مسئول آن جناب دکتر یونس قیصی زاده از یادگاران و جانبازان دفاع مقدس و فرزند شهید والامقام ابراهیم قیصی زاده و نوه مرحوم حاج محمدحسین ملقب به حاج محسین؛ خیّر بزرگ فرهنگی کوی سنگی بود و با چاپ اولین نسخه تا به امروز که هزارمین شماره آن چاپ می‌شود همواره دو نسیم در زندگی سردبیرش وجود داشته اند!

این هفته نامه تقریبا یک قرن پس از اولین روزنامه بوشهر بنام "طلوع" به سردبیری عبدالحمیدخان ثقفی ملقب به "متین‌السلطنه"، در همان حال و هوای شبیه یک قرن پیش با همان دغدغه اصلی کشور و استان بوشهر یعنی توسعه، "طلوع دوباره" کرد.

غنای فرهنگی و علمی بندر بوشهر به شدت مدیون نادرشاه افشار و میرزا حسن رشدیه می‌باشد. پارادایم تجارت و بازرگانی دریامحور و تامین امنیت از طریق ناوگان دریایی توسط نادرشاه، بوشهر را از یک روستای صیادی به یک بندر موثر و استراتژیک تجاری بازرگانی در شمال غربی دریای خلیج فارس مبدل کرد و بالتبع ورود اولین دستگاههای چاپ در بندر بوشهر توسط خاندان علوی و چاپخانه مظفری و انتشار روزنامه‌های "طلوع" و "مظفری" و افتتاح "مدرسه سعادت" برپایه آموزش مدرن، نقاط عطف تاریخی بندر بوشهر می‌باشند.

میرزا حسن رشدیه، نشر و توسعه فرهنگ را باعث "بیداری" و "آگاهی" مردم می‌دانست و بدون شک با ترویج آموزش نوین و احداث مدارس نوین در ایران، مهم‌ترین تحولات فرهنگی را در کشور به وجود آورد. دستگاه های چاپ، انتشار روزنامه‌ها و مدارس نوین توانستند بوشهر را از لحاظ نرم افزاری و منابع انسانی ارتقا ببخشند و شاهد رویش چهره‌های ماندگار علمی و فرهنگی مثل دکتر محمود مشفقیان، دکتر ایرج نبی‌پور، مرحوم نبوی، منوچهر آتشی، صادق چوبک، علی باباچاهی، محمدرضا نعمتی‌زاده، نجف دریابندری و ایرج شمسی زاده و بزرگان دیگری باشیم.

ولی از لحاظ سخت افزاری و زیر ساختی، شوربختانه به علت شروع عصر دولت- ملت و تمرکزگرایی و چرخش ۱۸۰ درجه‌ای نگاه ها از توسعه اقتصادی دریا محور به اقتصاد نفتی و همچنین هجوم فنس‌های پایگاه های نظامی و تصرف اراضی مرغوب کشاورزی در یک صد سال اخیر، بندر بوشهر در همان دوران قاجار محبوس و متوقف مانده است. سالیان سال است که در هفته نامه‌ها و جراید استان بوشهر موضوع «ته لنجی» به عنوان لطف و محبت دولتهای مرکزی به حاشیه نشینان و ساحل نشینان مطرح می‌باشد و مرزبانان دیروز/ساحل نشینان امروز؛ که رزق و روزی‌شان را خود با تلاش و کوشش بدست می‌آوردند حالا می‌بایست منتظر مصوبات کریمانه دولتها باشند و در این حین هم چراغ دفاتر جراید و هفته نامه‌ها به میمنت چاپ هر از چندگاهی آگهی مناقصات و مزایده‌های سازمانها و ادارات اقتصاد نفت محور، به ظاهر نیم سوز روشن مانده ولی در واقع در حال احتضار است.

هزاره «نسیم جنوب»، هزاره حسرت و عسرت بوده است و درآوردن هر شماره از این هزاره خود حدیث دردمندیسیت و اینجا چیزی که گفتنش الزامیست قدردانی و ذکر این پایمردی و استواریست.

هزاره «نسیم جنوب» را باید ستود چون که از دل هزار سختی و دشواری و فراز و فرودهای هزارگونه، کماکان در حال وزیدن است. دستمریزاد!

نسیم جنوب؛ ماندگار در تاریخ

ناصر علیخواه



انتشار ربع قرن هفته نامه «نسیم جنوب» از مهمترین اتفاقات فرهنگی، هنری، اجتماعی، ادبی و سیاسی استان بوشهر در طی چند دهۀ اخیر است.
هفته نامه‌ای که توانست جمع زیادی از روشنفکران، نویسندگان، خبرنگاران و افراد دلسوز برای توسعه استان بوشهر را به دور خود جمع کند و نقش تأثیر گذار در توسعه استان بوشهر از خود داشته باشد. جا دارد به طور خلاصه به چند ویژگی مهم این نشریه اشاره گردد:

۱- «شجاعت» این نشریه از بدو انتشار تا کنون یکی از خصیصه‌های مهم این نشریه است به طوری که در سال های اول انتشار به طور مرتب بر خط قرمزهای کاذبی که درباره افراد، مناسبت‌ها و موضوعات مختلف ادبی، هنری، فرهنگی و سیاسی ایجاد شده بود، خط بطلان کشید و در هر شماره تابو شکنی را انجام می‌داد به طوری که بسیاری از افتخاراتی که به سبب همین خط قرمزهای کاذب پنهان مانده بودند، آشکار گردیدند و مردم با صفحات جدید از افتخارات جنوب کشور آشنا شدند. این خط شکنی‌ها بی هزینه نبود، اما باعث نشد تا نسیم جنوب در راهی که انتخاب کرده، عقب نشینی کند.

۲ –از اولین شماره «نسیم جنوب» تا هزارمین آن در تمام صفحات آن «صداقت روزنامه‌نگاری» را شاهد هستیم و با افتخار می‌توانیم آن را نمونه‌ای از روزنامه نگاری صادقانه قلمداد کنیم. در سال‌هایی که بسیاری از روزنامه‌ها، سایت‌ها و رسانه‌های مکتوب و مجازی جایگاهی برای دشمنی و نابود کردن دیگران شده است، نسیم جنوب صادقانه فعالیت کرد به طوری که حتی مخالفانش نیز توانستند در آن قلم بزنند.

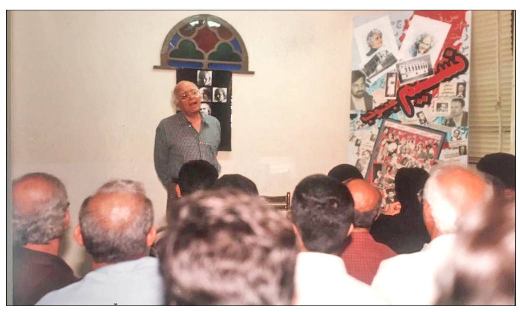
۳- نسیم جنوب در طی این ربع قرن، درهایش را بر روی هیچ کسی نبست و همه افراد راحت دیدگاه و نظر و اندیشه‌شان را توانستند در چارچوب قانون در این هفته نامه بیان کنند. «سعه صدر و گشودگی» نسیم جنوب بر روی همه افکار و افراد باعث شد که تنوعی از افکار و دیدگاه ها را در آن مشاهده کنیم.

۴- رعایت «اخلاق روزنامه نگاری» از مهمترین ویژگی‌های نسیم جنوب است. خوشبختانه طیف وسیعی از روزنامه نگاران و نویسندگانی که در نسیم جنوب قلم زدند مفتخرند که اخلاق روزنامه نگاری را تحت هیچ شرایطی زیر پا نگذاشتند و توانستند در روزگاری که بی اخلاقی‌های زیادی در فضای رسانه‌ای شاهد بودیم با سلامتی از این فضا عبور کنند.

۵- نسیم جنوب همان طور که «دکتر فرقانی» استاد روزنامه نگاری کشور در یکی از کارگاه های روزنامه نگاری خود در بوشهر گفت نمونه موفق یک نشریه محلی توسعه گراست. در طی ربع قرن که نسیم جنوب منتشر می شود. همیشه دغدغه توسعه و پیشرفت استان و رفاه مردم را داشته است. در این سالها اشتغال جوانان استان در پارس جنوبی و شرکتهای نفتی و گازی مورد توجه نسیم جنوب بوده است.
وضعیت اقتصادی مرزنشینان از جمله ته لنجی و بازارچه مرزی و... در نسیم جنوب یکی از موضوعات نشریه بوده است.
محیط زیست و آلودگی‌های نفتی و گازی در پارس جنوبی و خارگ و ... در این سالها در نسیم جنوب مطرح بوده‌اند.
توجه به میراث فرهنگی و حفظ اماکن تاریخی از جمله بافت قدیم بوشهر و رفع مشکلات آن یکی از موضوعات همیشگی نسیم جنوب بوده است.
ضرورت توسعه بندری استان بوشهر و رونق تجارت در آن همیشه در نسیم جنوب به چشم می‌خورد.
اهمیت ایجاد و تکمیل راه آهن بوشهر – شیراز و بزرگراههای این استان از شماره‌های اول نسیم جنوب تا کنون مورد توجه بوده است... .

همه این موضوعات و دیگر موضوعاتی که در طی ربع قرن، نسیم به طور مداوم و مکرر به آن پرداخته است نشان می دهد که نسیم جنوب یک نشریه موفق در توسعه محلی است.

۶- توجه به تربیت نیروی انسانی و معرفی نیروهای موفق استان بوشهر برای الگو قرار دادن توسط جوانان، یکی از نکات مهمی است که در طی این ربع قرن شاهد آن هستیم. گویا نسیم جنوب در چند بخش مختلف به الگوسازی نیروی انسانی پرداخته است:
نخست در «بعد مدیریتی» با برجسته کردن خدمات مهندس «تبادار» استاندار وقت بوشهر و سپس توجه به فعالیتهای عمرانی و اقتصادی «افراشته» و «سالاری» استانداران بومی وقت بوشهر، و دیگر مدیران بومی نشان داد که استان بوشهر در سطح مدیریت نیز حرفی برای گفتن دارد و این ذهنیت قدیمی که استان بوشهر فاقد مدیران قوی بومی هست، را زیر سوال برد.
دوم در «بعد آموزشی، دانشگاهی و تخصصی» نیز شاهد الگوسازی نسیم جنوب در طی این ربع قرن بودیم که با برجسته کردن زندگی علمی و پژوهشی دانشمندانی همانند «پرفسور مشفقیان» و «پرفسور نبی‌پور» شروع و با مصاحبه و معرفی دیگر دانشمندان و اساتید علمی و پژوهشی ادامه یافت و به جوانان نشان داد علیرغم کمبود امکانات نیز می توان در استان بوشهر موفق و به سطوح بالای علمی و پژوهشی دست یافت.
سوم در بعد «شعر و ادب» با معرفی الگوهایی همانند «منوچهر آتشی»، «صادق چوبک»، «دکتر جعفر حمیدی» «علی باباچاهی»، «ایرج شمسی زاده»، «فرج کمالی»، «محمد بیابانی»، »منیرو روانی پور»، «احمد آرام» و... و در زمینه هنری و فرهنگی با برجسته کردن فعالیت های اساتیدی همچون «نجف دریابندری»، «ایرج صغیری»، «عبدالحسین شریفیان»، «عبدالحسین احمدی ریشهری»، «حسن زنگنه»، «قاسم یاحسینی»، «محسن شریف»، «همایون خرم»، «محسن شریفیان»، «احسان عبدی پور» و... مخاطبان را با برگ های زرین دیگری از فرهنگ و هنر استان بوشهر آشنا نمود.



سخنرانی نجف دریابندری در نسیم جنوب

چهارم در «بعد ورزشی» نسیم جنوب با معرفی ورزشکاران موفق و قدیمی همانند «محمود ابراهیم زاده» و در ادامه دنبال کردن موفقیت‌های ورزشکارانی مثل «حسین ماهینی» و «مهدی طارمی» و... که علیرغم کمبود امکانات ورزشی و بی مهری‌های زیاد توانستند تا بالاترین سطوح ورزش گام بردارند، به جوانان نشان داد که ناامید نباشند و با تلاش و کوشش می‌توانند در زمینه ورزش نیز موفق شوند.

۷- نسیم جنوب در طی این ربع قرن به طور ویژه قدردان اهل فرهنگ، هنر و جامعه ادبی بوده است. حضور استاد «منوچهر آتشی» از بدو انتشار این هفته نامه نشان داد که باید حسابی ویژه در زمینه ادب هنر روی این نشریه باز کرد و این چنین بود که بعد از گذشت چندین دهه که شاعران و علاقمندان از حضور مستقیم استاد «منوچهر آتشی» در بوشهر محروم بودند، این فرصت طلایی برای آنان به دست آمد تا در نشست «دوشنبه‌های ادبی نسیم جنوب» حضور پیدا کنند و از دانش و تجربه گرانقدر استاد بهره ببرند. در ادامه نیز استاد «محمدحسن آرش‌نیا» این راه را ادامه داد که نتیجه آن پرورش شاعران جوانی است که اکنون هر کدام شاعر و ادیبی گرانقدر شده‌اند.

۸- توجه نسیم جنوب به اقشار مختلف از جمله معلمان در ربع قرن گذشته، دیگر ویژگی مهم این نشریه هست. معرفی و مصاحبه با معلمان و پیشکسوت آموزش و پرورش که توسط خلیل موحد در نسیم جنوب شروع شد، توسط خبرنگاران نسیم جنوب ادامه یافت بطوری که با ده ها معلم و پیشکسوت آموزش و پرورش در این مدت مصاحبه شده و مردم با خدمات این معلمان و مشکلات آنها آشنا شدند.

البته ویژگی های دیگری هم باعث ماندگاری نسیم جنوب گردید که برای طولانی نشدن مطلب، امیدوارم در نوشته های دیگر ذکر گردد. در پایان از افرادی که با همفکری خود باعث تکمیل این نوشته شدند، تشکر می کنم.

به یاد سرو کاشمر
منوچهر آتشی
تقدیم به یاران نسیم جنوب – دی ماه ۱۳۸۲



ای درختِ درختِ در درخت
مانده دور از نگاه ها
آن طرف / چهار هزار طلوع
و آن کبوتر سفید
کز طلوع آخرین پرید
ابتدای بارش خدنگ بود
و نشانه‌ی زوال سبز
انتهای سایه بود
انتهای بره‌های بی‌خیال
و شبانِ چوبدستش اوفتاده بر کنا ر
و نِی‌اش معلق از نخ ستاره‌ای
می‌نواخت در فضا ترانه‌ای
آبیار خواب خسته‌ی شبان
آبیارِ رنگ‌های هفت رنگ
و پرنده‌های در میان سنگ نهان
*
آن کبوتر سفید دیده بود
- فکر می‌کنم –
«در گُبَی»
غلتِ تپه‌های ماسه‌ی روان
و وقوع محشر زمان
و زمان که پیش ماسه‌ها دوان دوان
خاک می‌فشاند
بر سر و دو چشم آخرِ زمان
و درخت «سرو ما»
و درختِ درختِ در درخت «کاشمر»
بی نیا، یکی یکی را
زیر پای اسب‌های شِن –نما
(در گمانم این: که دیده بود
غول‌های درشکسته شیشه و تنوره باز کرده در فضا)
که پرید – مرغ بود – و سنگ شد
بر سر هزاره سیاه
سرو کاشمر – و کاشمر – خراب شد
بره‌ها – یکی یکی
گشنه‌های سوسمار خوار را
کباب شد
(هیمه داده بود پیشتر
آن که آفتابش از جنوب غرب مژده بخش «باغ و آب» شد)
کو درختِ در درخت؟
جز یکی نمانده بود
- سایه‌بان بره و شبان –
آن هم آتش جهنم دعای مستجاب شد،
و نیای ما کنار بره‌ها، کباب ...
ها؟ همین ترانه مانده است!
از نِیِ شبان سوخته
و چِکاوکی که زادگاه نغمه‌های «فا یز»
پری زده
و سرود فتح قصرهای شکل باد شد
و همین، که سین هفت سین ما از او
مسخ گشت و «صاد» شد
و همین، مورخ دروج‌های بد نهاد
و شروع این هزاره‌ی سیاه
در غیاب سرو پیر ما
گور پَند «کورش» هخامنش
گور نغمه‌های «باربد»
و «ماد» شد
*
ما
در مغاره‌های قرن‌های پیش
سنگواره مانده‌ایم/ هیچ نغمه‌ای
نخواند، ناشنیده‌ایم
ای کبوتر سفید
بار دیگر از فراز سرو ناز پَر بزن
سُرمه‌ای بکش به چشم‌های ما
ما که کورِ ظلمت مغاره‌های «دا ر و ین»
کِرمواره مانده‌ایم
*
ای پرنده‌ی قدیم
فاخته، کپینجله!
«ایندورا»!
بی برادر یتیمی!
مرغ «یا کریم»!
*گپینجله: کپک انجیر



رویکردی مستقل و قابل اعتماد

محمد محبوبی



افتخار آشنایی و خاطره انگیز و خشنود ساز من با «نسیم جنوب»، به سالهای پسین دوره نویسندگی بنده مرتبط است. از جهتی بیشترین مقالات در حوزه های مختلف نقد و بررسی کتب، امور سیاسی، فرهنگی ورزشی و غیره را دراین هفته نامه رقم زده ام.

بوشهر در مطبوعات سابقه اش را صد ساله می خوانند. از معروفترین و نام آشنا ترین و متأخرترین نویسندگان این نشریه، استادِ مرحوم منوچهر آتشی از شاعران فقید و بزرگ استان را می توان نام برد. مشارالیه؛ دبیر بخش ادبی هفته نامه مزبور را با موفقیت تا سال ۱۳۸۴ خورشیدی عهده دار بودند. از بدو انتشار تا به امروز ، «نسیم جنوب» با سر دبیری و مدیر مسؤلی بزرگ مرد خوش مرام و حاذق در امر رسانه های نوشتاری، یونس قیصی زاده راهبری و انتشار می یابد. شَم و دیدگاه سیاسی این نشریه، اصلاح طلبی است.

بر اساس و مبنای سوابق و شناخت و فعالیت نوشتاری بنده در «نسیم جنوب»، می توانم آن را تریبونی آزاد و شفاف در اشاعه تفکر سیاسی اصلاح طلب قلمداد کنم. رجاء واثق دارم که؛ قلم هایی توانا، با راز و رمز خلاقیت در شأن هفته نامه «نسیم جنوب» در راستای آگاهی رسانیدن به مردمی غور در عین دانش و تمدن و خردورزی و صلاحیت های متواتر، بر صفحات این نشریه می چرخند و نقش آفرینند.

هفته نامه «نسیم جنوب» با انعکاس دیدگاه صاحب نظران و قلم فرسایان متبحر، در میان نشریات استان جایگاه و منزلت ویژه ای را برای خود احراز نموده تأثیر گذاری با افقی روشن بر جوامع گوناگون بوشهر را به منصه ظهور رسانیده است. از طرفی؛ چون هفته نامه «نسیم جنوب»، با رعایت مَشیِ قانون و اعتدال در انتشار عموم مطالب، روشی کاملاً منصفانه و بی طرف را برگزیده است، مورد وثوق و اطمینان خوانندگان خود قرار گرفته است. تضمین ذهن و عقلانیت من این است که؛ هفته نامه «نسیم جنوب» را هنری است در خور تحسین و ستایش، بدین منظور که با تخصصی قابل اتکاء در ارائه توأمان خبر و مقالات تحلیلی به موفقیتی تأمل برانگیز رسیده است.

شایان ذکر و تأکید است که «نسیم جنوب» در مدت ربع قرن در حوزه فعالیت مطبوعاتی خویش، رویکردی مستقل و قابل اعتماد و اتکال را در بین مخاطبان خود کسب کرده، امتیاز پرتداوم ترین نشریه استان را در کارنامه برجسته خود به ثبت رسانده است. ناگفته نماند که جذابیت نسیم جنوب، فقط در تداوم بالای انتشار خلاصه نمی شود، بلکه با جاذبه ای که دارد، توانسته است نویسندگانی ماهر و صاحب قلم در حوزه های مختلف، با دانش های به روز از گروههای علمی، ادبی، اجتماعی و هنری و ورزشی حتی اجرایی استان را مورد هدف قرار داده کسب موفقیت ماندگاری کند.


خودکشی پسرک ۱۱ ساله به خاطر یک موبایل در میانه ی دعوای اتاق و میدان
واقعیت‌هایی تلخ از مرگ دانش آموز دیری
نسیم جنوب
خداحافظی کودکان ایرانی با قلک آرزوها
دکتر سجادبهزادی
در سوگ آن زلال بیکران


در سوگ نویسنده و پژوهشگر عرصه فرهنگ، ادبیات و تاریخ جنوب
ناصر کرمی
نسیم جنوب
خیّر گناوه‌ای ۲۵۰ میلیون تومان به بیمارستان کمک کرد
روزهای سخت معلمی در بوشهر
سلامی و کلامی... یونس قیصی زاده
گره از کار معلمان بگشایید

هفته نامه «نسیم جنوب»، در بخش و بازه ای از زمان، مورد بی مهری مسؤلین ذیربط مطبوعاتی هم قرارگرفته چالش ها را با شناخت و درایت و دور اندیشی و تحمل بار سختی ها، مأیوس نگردیده از رسالت انتشاراتی خویش فاصله نگرفت، لکن، با عزمی جزم تر، سیاست چاپ و نشر را با جدیت دنبال کرد و متوقف نگردید. فلذا؛ به همین نظر و منظور، امروز بسیاری از مردم، بخشی از برنامه های روزانه خود را خواندن هفته نامه مذکور بر گزیده اند. نگارنده که سالهاست افتخار قلم زدن بر صفحات وزین «نسیم جنوب» را دارم، این نشریه را در ابعاد گوناگون بسیار ساعی و ثابت قدم با اطلاعات و محتوایی متقن یافتم.

یکی دیگر از مهم ترین شاخصه های بارز هفته نامه «نسیم جنوب» که او را به وزانت قابل توجهی مبدل ساخته است، دوری از افراط و تفریط در حوزه انتشارات است. البته گرچه روزنامه ها و بطور کلی نشریات نوشتاری استان بوشهر، به دلائل عدیده ای، از فناوری نوین تولید محتوا تا حدودی بدور افتاده اند و به جایگاه حرفه ای در این زمینه صعود نکرده اند، ولی چنان چه با یک نگاه نیمه حرفه ای به عرصه مطبوعات محلی، در تولید محتوا به هفته نامه «نسیم جنوب» بنگریم، بدان جا خواهیم رسید که؛ اگر دنیای مخرب و مفید فضای مجازی با تمام جذابیت های فریبنده اش به عنوان آفت رسانه، در مخاطبان به شدت تغییر ذائقه مطالعاتی داده است و از سرانه مطالعاتی مردم به میزان و در صد خطرناکی کاسته است، مع هذا ؛ همچنان زیبا آرایی گیشه های روزنامه نگاری با نام ونشان و حضور سیمای «نسیم جنوب» بر خود می بالند.

پس نتیجه این که هفته نامه «نسیم جنوب»، قدرت عبور بدون آسیب پذیری از فضای مجازی را در خود زنده دار است. بنابراین؛ با اعمال قدرت علمی و محتوایی، وفاق رسانه ای، با مدیریتی جامع الشرایط، نه تنها در حفظ حوزه مخاطبین خویش هوشمندانه موفق بوده است، که در افزایش تعداد آنها نیز به کامیابی های قابل باوری رسیده است.

ربع قرن سابقه درخشان

حسین شادکامی



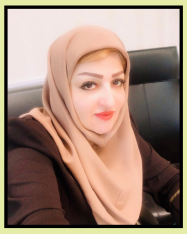
درود و سپاس بر قلم ««نسیم جنوب»» که توانست ربع قرن انسان‌ها را به سوی کمال سوق دهد و کسانی که با همت خود سعی و تلاش دارند تا بتوانند این رسالت را با جمعی از فرهیختگان، اندیشمندان، دوستداران و دلسوزان عرصه فرهنگ، هنر، اقتصاد (اشتغال، تولید) سیاسی، ورزشی... و مقوله های زیست بوم منطقه‌ای بخصوص در خلیج فارس و اصول مطالبه‌گری و نقد و بررسی چالش‌های پیش رو در پیشرفت توسعه استانی نقش خود را در فهم و درک جامعه انعکاس نماید، و امید به حفظ و پایداری باورها با شناخت وسیعتری به مخاطبان ارتباط برقرار سازد.

در راستای پیشبرد این اهداف والای نشریه وزین «نسیم جنوب» با بیش از ربع قرن سابقه درخشان توانسته کانونی گرمی از نویسندگان و مطالبه‌گران به صورت یکپارچه از اهل قلم بدور خود گرد آورد تا در رسالت روشنگری به طریق احسن عمل نمایند.

لذا ارج می‌نهیم و سپاسی دیگر از تمامی دست اندکاران و به خصوص مسئول این نشریه که توانسته بیش از حد در ارایه مطالب و نظریات و سایر اهداف روشنگری جامع عمل پوشاند و سبب ارتقای دانش شهروندی گردیده است، و با بهره بردن از اساتید برجسته و آگاه در امور اجتماعی، پیشگام و پیشرو بوده و توانسته پیرامون مشکلات و کاستی‌های استان گام های ماندگاری بردارد و با اتکاء به اسناد مکتوب و تاریخی در کارنامه دفتر روزگارمان نام نیک از خود ثبت و ماندگار نماید.

بستری مناسب برای نویسندگان و اندیشمندان

دکتر زهره عالی‌نسب



همانطور که می‌دانیم مطبوعات و رسانه‌ها، نقش بسیاری در عرصه آگاهی بخشی و بیداری و اعتلای فرهنگی جوامع ایفاء می‌کنند؛ آنها قادرند که تلاش های انحصارطلبانه حکومت را بی اثر نمایند، جامعه مدنی را تقویت و مفاهیم تعاون اجتماعی، تساهل، انتقاد سازنده و آزادی‌های سیاسی را ترویج کنند. به این خاطر است که عصر حاضر را، عصر ارتباطات می نامند و همین طور به دنبال آن بخش مهمی از هویت انسان مدرن توسط رسانه‌ها و مطبوعات شکل می‌گیرد. همچنین رسانه‌ها، می‌توانند نقش نظارت بر عملکرد ساختار قدرت را داشته باشند. آنها با فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت عمومی و نظارت همگانی، نظام اجتماعی را سمت و سوی خاص می‌بخشند.


توفان نسیم جنوب
در جشنواره مطبوعات سراسر کشور
یونس قیصی‌زاده کاندیدای بهترین سرمقاله نشریات محلی سراسر کشور
حسام حق‌پرست کاندیدای بهترین مقاله ادبی و هنری نشریات محلی سراسر کشور
احمد آرام کاندیدای بهترین مقاله رشته نقد نشریات محلی سراسر کشور
خلیل موحد کاندیدای بخش ویژه «وفاق ملی» نشریات محلی سراسر کشور
مجید اجرایی کاندیدای بهترین مقاله اجتماعی نشریات محلی سراسر کشور
محمد کاظمی کاندیدای بهترین مقاله رشته نقد نشریات محلی سراسر کشور
سعید بردستانی کاندیدای بهترین مقاله رشته نقد نشریات محلی سراسر کشور
محمدرضا محمدی کاندیدای بهترین مقاله ورزشی نشریات محلی سراسر کشور
زینب رحمتی کاندیدای بهترین گزارش تحقیقی نشریات محلی سراسر کشور

نقش آنها می‌تواند در ابعاد بین‌المللی، ملی و محلی صورت گیرد. در استان بوشهر که تاریخ نشریات آن به زمان مشروطه می‌رسد این تاثیر بسیار روشن و مسجل است. بعد از انقلاب اسلامی و به ویژه نیمه دوم دهه ۷۰ که بارقه امید به آینده وسرزندگی سیاسی فزونی یافت نام «نسیم جنوب» آذین بخش نشریات زمان خود شد و اکنون که با انتشار هزارمین شماره وارد ربع قرن دوم تاریخ انتشارش می شود، جا دارد که از زحمات دکتر یونس قیصی‌زاده، روزنامه نگار فرهیخته استانی، تشکر گردد که با اخلاق حرفه‌ای خویش؛ باعث شدند تا تمام کسانی


۱۱ روزنامه نگار نسیم جنوب کاندیدای برترین روزنامه نگاران کشور
هفته نامه نسیم جنوب در بین نشریات محلی سراسر کشور بیشترین کاندیداهای روزنامه نگار برتر در دوازدهمین جشنواره مطبوعات (بخش محلی) را دارد

که در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی، ادبی، و فرهنگی استان مشتاقانه فعالیت می‌کردند دست به قلم شوند و مسائل و موضوعات جامعه محلی و ملی خویش را توصیف و تحلیل نمایند. ایشان با ایجاد بستری مناسب برای نویسندگان مطرح استان، خدمت شایانی به جامعه روزنامه نگاری و نویسندگان استان نمود؛ شاعران بزرگی چون آتشی و صاحبنظران و اساتید دانشگاه و روزنامه نگاران و همه کسانی که علاقمند بودند حول چراغ فروزان این نشریه وزین گرد آمدند تا روشنابخش اهل جنوب گردند. به یاد می‌آورم که با چه شوقی، نوشته‌های خود را که بیشتر در زمینه های اجتماعی و سیاسی بود می نوشتم تا به دفتر نسیم جنوب برسانم و ایشان با راهنمایی‌ها و تشویق‌های خود، انگیزه نگارنده را برای فعالیت‌های رسانه‌ای و فرهنگی تقویت می‌کرد.


موفقیت «نسیم جنوب» در جشنواره مطبوعات


موفقیت چشمگیر هفته نامه نسیم جنوب در جشنواره سراسری مطبوعات!

در پایان امیدوارم این نشریه، چون گذشته، در سپهر رسانه‌ای استان بوشهر با همکاری اصحاب قلم استان، بسان ستاره‌ای تابناک، بدرخشد.

انسجام توانمندی توانگران استان بوشهر

دکتر یداله عبدالهی



«نسیم جنوب» بیل‌برد بزرگی است در بزرگ راه استان بوشهر که در اختیار هر توانگر بومی اعم از فکری، هنری، اقتصادی و غیره قرارمی گیرد تا مطرح و تشویق شود و بتواند به راه خود ادامه بدهد.

سال ۱۳۷۶ که دوره کارشناسی خود را تمام کرده بودم و در شهر بوشهر مشغول بکار (امریه سربازی) شده بودم، با «نسیم جنوب» آشنا شدم. نسیم در بین نشریات زیاد و توانمندی که آن زمان انتشار می‌یافت، حقیقتاً حرفی در حد حوزه فعالیت خود و حتی بیشتر داشت و از همه مهم‌تر ایستگاهی بود که توانایی‌های ذاتی استان را برجسته می‌ساخت.

حقیقتا انتظار چنین چیزی را در بوشهر نداشتم و بدون هیچ معرف خاصی به دفتر نسیم رفتم و مورد استقبال مدیر مسئول و دست اندرکاران آن قرار گرفتم و در آن جا چنین فهمیدم که زمینه فراهم است و اگر مطلبی برای عرضه دارید قابل ارایه و طرح است. اگر دانشمندی هستی که در عرصه بین الملل فعالیت می‌کنید، می‌توانید برای هم استانی‌های خود شناخته شوید، هنرمندی هستی که نیاز به مطرح شدن آثارت را دارید، این امکان وجود دارد. توانگری هستی که به هر دلیل مهاجرت کرده‌اید و دوست دارید پیوندت را با زادگاهت حفظ کنید، این توفیق برایت فراهم شده است، فوتبالیستی هستی که حتی در دورترین نقاط دنیا به نسبت بوشهر، توپ می‌زنید، مورد حمایت خواهی بود و بیل‌برد در اختیارت قرار می‌گیرد، مظلومی هستی که همه روزگار دست به دست هم داده‌اند که توانمندی‌ات را نادیده بگیرند، نسیم خط حمایتی برایت رسم می‌کند. نویسنده توانمندی هستی که از بد روزگار در یک روستای دور افتاده زندگی می کنید، نسیم ستون اختصاصی بهت می‌دهد که مطالبت را به خوانندگانت برسانید. اگر محبوبیت مردمی دارید، نسیم نقش روابط عمومیت بازی می‌کند تا هم به شما و هم به دوستدارانت زمینه داده باشد. توانایی نمایندگی مجلس، شورای شهر را دارید، اقبال به شما رو کرده و مورد حمایت نسیم خواهی بود.

نسیم تاریخ بوشهر را زنده‌تر کرد. در همان ابتدای راه، ذربین خود را برداشت و کوچه به کوچه، به میراث فرهنگی پرداخت و بزرگ‌ترین‌ها را و حتی کوچکترین‌ها را مطرح کرد و نور را به هر تاریکی تابانید تا دیده شود.

نسیم ادبیات بوشهر را حفظ کرد، شاید همان کاری که فردوسی با زبان فارسی کرد.

نسیم پروژه‌های مطرح بوشهر را نقد کرد که به بهبود آنها کمک کند.

نسیم به تصمیم سازان کمک کرد که تصمیم‌های تاریخی بگیرند و به خود و پیرامون خود خدمت کنند.

نسیم نقش یک مصلح اجتماعی بازی کرد، به زندانیان کمک کرد که کارها را با مصالح حل کنند و یاد داد که با تاوان دادن و تاوان گرفتن کسی به جای نمی‌رسد.

نسیم تحمل و تعامل اجتماعی را تبلیغ کرد که آسوده در کنار هم به شکوفای زادگاه خود بیند یشیم .

نسیم در رویه جدید خود به برجسته سازی مسایل مهم اجتماعی مانند «سپاسگزاری» که اندکی کم رنگ شده‌اند پرداخته تا به آنها جان تازه ای بدهد.

نسیم یاد مادران و همچنین پدران را گرامی می دارد.

«نسیم انسجام را به استان باز گردانید تا دیو تشتت و پریشانی را تضعیف و فراری بدهد.»

حکایت «سفرنامه خودرو قباکلکیانی» در ابوشهر

مهدی جهانبخشان



سالهایی که دزدانه به دفتر هفته نامه آیینه جنوب نزد محمد دادفر می رفتم، جوان ریزه میزه‌ای هم می آمد. جوان مذکور کمی حالت عبوسی داشت، انگار تمایلی در او وجود نداشت که با کسی سلام و علیك گرم بکند. آن سالها من طنز «پیرزن منگ منگو »را می نوشتم اما کسی نمی دانست و به طور حدسی نویسنده طنز را فلانی و بهمانی معرفی می کردند.

این ماجرا گذشت تا بعد از دوم خرداد که فضای سیاسی کشور به طور شگفت انگیزی باز شد. ولی یکه تاز مطبوعات بوشهر هنوز همان آیینه جنوب بود که در تاریخ مطبوعاتی بوشهر بعد از چهل سال نام محمد دادفر را ماندگار کرد.

آن جوان باریك اندام برای خودش استقلالی یافت و هفته نامه‌ای را در تاریخ مطبوعاتی بوشهر بنام ««نسیم جنوب»» به ثبت رساند. استقبال از هفته نامه «نسیم جنوب» بی سابقه بود.خِیل هنرمندان و نویسندگان و ادیبان به سوی آن رو آوردند. از جمله کار ماندگاری که در هفته نامه نسیم صورت گرفت دعوت از زنده یاد منوچهر آتشی بود که دوشنبه های ادبی «نسیم جنوب» را بچرخاند و بعدها نیز پس از درگذشت آتشی زنده یاد حسن آرش نیا، این حرکت مهم ادبی را به عهده گرفت. دوشنبه‌های «نسیم جنوب» چه در زمان آتشی و چه در زمان آرش نیا اثر بسیار خوبی روی فرهنگ و ادب استان بوشهر گذاشت و شاعران و نویسندگان قابلی را به جامعه افزود.

من نیز با طنزی آرکائیک به نام «سفرنامه خودرو قباکلکیانی» به نویسندگان هفته نامه پیوستم. نام این طنز بر اساس سفرنامه «ناصر خسرو قبادیانی» بود و به مسائل اجتماعی و سیاسی می پرداخت و سبك نگارش آن شبیه گلستان سعدی و تذکرهٔ الاولیا شیخ عطار بود که با اسم مستعار «مهدی بازیار» هر هفته در «نسیم جنوب» نگاشته می‌شد. خوشبختانه درِ هفته نامه، بروی همه با هر عقیده و مرامی باز بود و استقبال بسیار زیادی از هفته نامه می‌شد. البته بجز طنز، نوشته‌های دیگری از من در هفته نامه چاپ می شد.

در پایان باید از یونس قیصی زاده و همسر محترمشان نسیم فقیه هم بگویم که سالهاست با سرسختی تمام چراغ هفته نامه را روشن نگاه داشته‌اند.

برای چاپ هزارمین شماره «نسیم جنوب»، تبریکی خطاب به این زوج مطبوعاتی و همچنین برادران قیصی زاده از جمله محسن و میثم که زحمات زیادی در «نسیم جنوب» کشیدند، تقدیم می کنم. امیدوارم همچنان هفته نامه «نسیم جنوب» بر چهره فرهنگی استان بوشهر بدمد.

هزارشماره، هزارچالش، هزارمشکل

مهری کرمی



نشریه نسیم جنوب یکی از دیرپاترین وپربارترین هفته نامه‌های خارج از پایتخت کشور، هزارمین نسخه خودرا به زیرچاپ برد، شاید دریک بستر نرمال و به هنجار این کارچندان بزرگی به نظر نرسد، ولی به دریا رفته می داند مصیبت‌های طوفان را.

هزار شماره بدون وقفه باوجود جدال نابرابر فضای مجازی و نشریات مکتوب درسالهای اخیر کار آسانی نیست، خیلی از رسانه‌های مکتوب استان و کشور مجبور به تعطیل و توقف انتشار شدند به دلیل این که در فضای فعلی چاپ نشریه توجیه اقتصادی ندارد و فقط عشق وتعهد موجب پایداری و استقامت می شود.



یکی از بیاد ماندنی‌ترین کارهای نسیم جنوب برپایی جلسات «دوشنبه های ادبی نسیم جنوب» با حضور زنده یادان استادان منوچهر آتشی و محمدحسن آرش‌نیا به مدت بیش از شانزده سال بود که تاثیر مثبت بسیار زیادی بر جامعه ادبی استان بوشهر داشت و خروجی این نشست‌ها، شاعران بسیار فرهیخته ای است که از دل همین انجمن ها با راهنمایی و ارشاد این روان شادان و زحمات یونس قیصی زاده به جامعه ادبی تقدیم شدند.

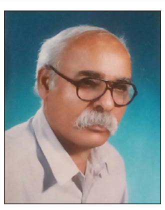
بزرگترین چالش پیش روی رسانه‌های مکتوب و ایضا نسیم جنوب گسترش فضای مجازی، بمباران لحظه‌ای اطلاعات و خبر است، گرچه جذابیت‌های خاص خود را دارد ولی به نظر من هیچ چیز جای بوی کاغذ و لذت ورق زدن روزنامه را نمی گیرد. که البته قیصی‌زاده و همسرشان نسیم فقیه و دیگر کارکنان نشریه با تلاشی مضاعف هم از عهده چاپ مستمر هفته نامه برآمده‌اند و هم در فضای مجازی با انتشار نسخه‌های الکترونیکی «نسیم جنوب» بسیار موفق عمل نموده‌اند.





ربع قرن انتشار موفقیت آمیز «نسیم جنوب»

مرتضی زندپور



دوران اصلاحات در استان بوشهر دوران مبارکی بود. نشریات یکی پس از دیگری ظاهر می‌شدند که تاثیر فراوانی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی گذاشتند. هدف اصلی آن‌ها، تنویر افکار عمومی، شفاف سازی و اهداف متعالی دیگر بود.

محقق شدن این اهداف مدیرانی پرتلاش و نویسندگان و قلم به دستانی متعهد را طلب می‌کرد. از نشریات آن زمان دوازده نشریه اصلاح طلب بودند و تنها یکی دو نشریه راه دیگری را می‌پیمودند.

هر چند تمام نشریات اصلاح طلب فعال و تاثیر گذار بودند، ولی دو هفته نامه «نصیر بوشهر» به مدیریت حسن لاوری و ««نسیم جنوب»» به مدیریت یونس قیصی‌زاده به باور من صدر نشین بودند.

هفته نامه «نسیم جنوب» فعالیت چشم گیری داشت. نویسندگان آن بی‌وقفه در زمینه‌های مختلف تلاش می‌کردند. کادر آن منسجم و یک پارچه بود. چون فعالیت من در زمینه های فرهنگی و ادبی است می‌توانم بگویم وجود منوچهر آتشی شتاب دم افزونی به پویایی جلسات ادبی آن زمان داده بود. در نشست‌های ادبی چه آن هایی که اوائل در دفتر نشریه واقع در پاساژ مصلحیان و چه آن‌هایی که در دفتر «نسیم جنوب» در ساختمان فوقانی چاپخانه زارع (در نزدیکی های چهار راه ولیعصر) برگزار می شد حضور آتشی نقش اساسی داشت.

بعد از آتشی هم حسن آرش نیا در دفتر «نسیم جنوب»، جلسات ادبی را ادامه داد. بانو درعلی و بانو رضایی طرحانی و...از پایه های اصلی این نشست‌ها بودند.

برای تشکیل خانه مطبوعات محلی استان بوشهر قیصی‌زاده و نویسندگان زیادی تلاش کردند. یادم هست که در دوره اول جناب قیصی زاده، سیروس بنه‌گزی، حشمتی، مهرزاد رییسی و... به عنوان هیئت مدیره انتخاب شد ند.

در زمان تشکیل خانه مطبوعات برنامه‌های متنوع و پر باری توسط دست اندرکاران تدارک دیده می‌شد به خصوص دعوت از اساتید برجسته کشور برای برنامه آموزش خبرنگاران و اعضای خانه مطبوعات، بازدیدها و سفرهای جمعی هم که به طور مستمر تداوم داشت.

ذکر یک خاطره: زمانی که من دبیر صفحه ادبی نصیر بوشهر بودم مقاله‌ای در نصیر بوشهر چاپ شد که مربوط به یکی از نویسندگان دیری بود به نام... دفتر «نسیم جنوب» هم در پاساژ مصلحیان بود، در رابطه با این مقاله سوتفاهمی بین منوچهر آتشی و اسکندر احمدنیا پیش آمد. همراه با جناب احمدنیا برای توضیح مورد مربوطه به دیدار استاد آتشی رفتیم که پس از روشن شدن موضوع جناب آتشی خرسند شد و ما را در آغوش کشید. یاد و خاطره اش گرامی باد.

لازم به ذکر است که قیصی‌زاده حامی تعداد زیادی از هنر مندان و نویسندگان بوده است... «نسیم جنوب» در زمانی که طفلی نوپا بود با قدرت و متانت حرکت کرد و در راستای اهداف خود کوشید و اکنون نیز که نوجوانی رشید و بیست و پنج ساله شده، با صلابت به راه خود ادامه می‌دهد.

انتشار هزار شماره «نسیم جنوب» را به یونس قیصی‌زاده، جامعه مطبوعاتی و نویسندگان آن تبریک می گویم و برای شأن موفقیت آرزومندم.

«نسیم جنوب» رنسانسی در عرصه فعالیت‌مطبوعاتی

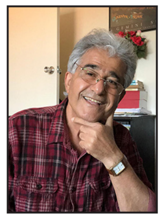
اسکندراحمدنیا



دهه هفتاد برای بوشهر کهن شهر، اوقاتی را ثبت تاریخ روزنامه نگاری نمود که در آینده‌ای که پیش روی این دیاراست را جاودانه معرفی خواهد نمود، دراین دهه علاوه بر این جریده مانا و فعال، جراید دیگری هم بوده و هستند که در رقابتی جانانه و نفسگیر و مبارک، چرخه فرهیختگی مردم نخبه این سمت از کرانه همیشه برجای خلیج فارس را به همایش و تماشای سرزمین‌های فرامرز ایران زمین نهاده اند و همچنان، دکتر یونس قیصی‌زاده سردبیر و اکملترش مدیر پر کفایت و حرفه‌ای این جریده خوشنام، از نمونه آدم‌هایی در عرصه روزنامه نگاری است که فعالیت مجدانه‌ای در این وادی از خود برای ثبت در تاریخ پیشروی جهان نهاده است که مهر حرفه‌ای بودن را زیبنده نام و شهره گی خودش، به حق بجا نموده است، بحث نگارنده درمورد «نسیم جنوب» است وگرنه جراید دیگری هم یا موازی و یا متفاوت با هم در این دیار بوده و هستند که فعال و پویا همچنان جلوه نمای این عرصه‌اند. قیصی‌زاده از نان شب واجب‌تر نگاه ودغدغه‌اش «نسیم جنوب» بوده است و باز هم همچنان، شکرخدا رسانه‌های مکتوب خوب و مملو ازکیفیت داشته و داریم؛ نسیم، نصیر، پیغام و پیام عسلویه و بهارستان و اتحادجنوب و... نسیم انتشاری به موقع و دقیق داشته است که این تعهد هنوز هم پا برجاست، نخواستم به سمت و سوی گلایه از نهادهای مرتبط به مطبوعات این سامان بروم ولی گلایه هم جزیی از گفتنی‌های بر حق این حوزه است. دعا کنیم که مدیریت ارشاد استان نگاهی ویژه به ارتقاء فعالیت‌های چشمگیر و مستمر و مانا فرهنگی داشته باشند، که هنر بوشهریان پرسابقه در گذشته ایران زمین تا همین اکنون، پرشتاب و معیار و به روز ادامه داشته و دارد. نسیم دارای یک ویژه گی خاص است، این مهم در سماجت و دقت مدیر فعال آن است: انتشار این نشریه فعال به وقت بخصوص، رعایت و توجه به مناسبت‌های متداول و رایج درجامعه. باز هم دعا کنیم تا این رسانه‌های فعال و متعهدمان همچنان و فعال و حاضر درعرصه، پویا و مانا بمانند!

ربع قرن انتشار؛ علیرغم کارشکنی ها و سنگ اندازیها

دکتر محمود دهقانی



از سال های نخست پیدایش هفته نامه «نسیم جنوب» تا به امروز افتخار خواندن آن را داشته و از رویدادهای فرهنگی، ادبی، ورزشی و سیاسی استان بوشهر در شاخاب پارس آگاه شده ام این هفته نامه که به سردبیری دکتر یونس قیصی زاده و صاحب امتیازی دکتر امیر خلف پور از روز نخست پیدایش تا به امروز ادامه دارد همچون نورافکن به فرهنگ دیرپای این بندر پیر و کهنسال نور بخشیده است. چه در آن روزگار که منوچهر آتشی شاعر نامدار ایران دوشنبه های ادبی «نسیم جنوب» را در دفتر این هفته نامه در بوشهر بنیاد نهاد و چه سال هایی که محمدحسن آرش نیا با تلاش و پیگیری دلسوزانه جوانان شاعر و نویسنده را در زیر سقف دفتر نسیم گرد می آورد، این هفته نامه به گونه ساحلِ امیدِ قایق های توفان زده ی جوانان بیله ادب وَ فرهنگ این استان بوده است.

در سفرهایی که به ایران داشته ام و همچنین در چنبره ی الکترونیک از سنگلاخی که پیش پای این هفته نامه و دست اندرکاران آن ریخته می شود می خوانم و آگاهی دارم. دشمنی، سم پاشی های سیاسی و گاه قطع سهمیه کاغذ هیچ کدام نتوانسته از عزم راسخ سردبیر هفته نامه «نسیم جنوب» بکاهد. فشارهای زندگی از جمله اقتصادی، سیاسی و کرونایی تاثیر ویرانگری بر جوانان و به ویژه کسانی که با قلم و احساس سر و کار دارند گذاشته است. اگر روزنه ی نسیم بر جوانان استان بوشهر بسته شود، به گونه ی آن است که ماهی را از آب جدا کنند.

با عینک نیک اندیشی به آسانی می توان تلاش دلسوزانه را در لابلای صفحه های این رسانه بومی دید. «نسیم جنوب» نه تنها فضای ورزشی، ادبی و هنری را نیرومند کرده بلکه شاعران و نویسندگان بسیار خوبی را نیز در سطح استان و کشور پرورش داده که این خود آلام اجتماعی را کم می کند.

همه این ها حاصل تحمل رنج دست اندرکاران این هفته نامه و پا پس نکشیدن در برابر سختی هائی بوده است. در سرتاسر شهرهای استان میتوان جرقه های هنری از جمله نقاشی، موسیقی، ورزشی، نویسندگی، شعر و فیلم دید که بی گمان همه در اردوگاه نسیم دل انگیز رفاقت و صمیمیت این رسانه پا گرفته است.

هزارمین شماره هفته نامه «نسیم جنوب» که با فصل فروزنده ی نوروز باستانی همزمان بود را می بایست به فرهنگ دوستان استان بوشهر و کشور فرخنده باد گفت. سردبیر این هفته نامه که خود به دلیل آگاهی از ژرفای اندوه جوانان در سطح استان با مصطفی سالاری استاندار پیشین بوشهر رایزنی می کرد برای بهره برداری از ظرفیت و توانمندی در زمینه های گوناگون، خواهان فرهنگ سرای ویژه جوانان در شهرهای استان بود. در پی تلاش «نسیم جنوب» و سردبیر آن جایگاه جوانان بوشهر با مشاوره ارزشمند به استاندار پیشین، آموزش و پرورش استان را به جایگاه بهتری رساند. استان بوشهر بیشترین شمار جوانان بیکار را در سراسر کشور دارد و از دیدگاه روانشناختی نباید از آن غافل شد.

از همین روی هفته نامه «نسیم جنوب» نخستین هفته نامه پر طرفدار استان بوشهر جوانان این سرمایه های استان را پشتیبانی می کند. سردبیر «نسیم جنوب» به دنبال یورش ارتش عراق روزگار صدام به ایران به سوی جبهه شتافت. ایشان گل عمر نوجوانی خود را در جنگ به جوانی رساند. پس از جنگ نیز در جبهه ی فرهنگ، جوانان و شهروندان استان را یاری داد و برای دوری جوانان از دود و اعتیاد با رایزنی اندیشمندانه به استاندار پیشین، صمیمانه در تلاش بود.

بیست و پنجمین سال هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ورزشی «نسیم جنوب» بر دست اندرکاران، هنرمندان موسیقی، نقاشی، فیلمسازی، شاعر، نویسنده و همه شهروندان استان بوشهر فرخنده باد.

از «طلوع» تا «نسیم جنوب»

ابراهیم بشکانی



بوشهر حدود ۱۲۰سال سابقه داشتن مطبوعات دارد، به همین خاطر نشر و چاپ روزنامه و هفته نامه از دوران مشروطیت در بوشهر رواج داشته است.

اولین روزنامه مستقل محلی نشریه «طلوع» به وسیله عبدالحمید خان ثقفی (متین السلطنه) سال۱۳۱۸قمری و سپس نشریه «مظفری»، در دوره قاجار منتشرگردید تا سال ۱۳۰۴ که «ندای حق»، «خلیج ایران» و «نور افشان» زمان پهلوی اول، و نشریه «دیلی نیوز» و ۵ نشریه دیگر، که آخرین آن نشریه «عرشه» بود از سال ۱۳۳۱ شمسی زمان پهلوی دوم، تا قبل از کودتای سال ۱۳۳۲ انتشار یافت، آن گاه پس از توقفی چندین ساله تا بعد از انقلاب اسلامی، اولین هفته نامه رسمی تحت عنوان «آئینه جنوب» در سال ۱۳۷۳ توسط محمد دادفر در بوشهر منتشر گردید و مورد استقبال فرهیختگان و اهل مطالعه قرار گرفت و توانست تاریخ و فرهنگ جنوب و بوشهر را معرفی نماید که اواخر به یک روزنامه سراسری تبدیل شد، که پس از نشر چند نسخه روزنامه در تاریخ ۱۳ مرداد سال ۱۳۸۱ به دست قاضی مرتضوی تعطیل گردید.

ولی دومین نشریه در بوشهرهفته نامه «نسیم جنوب» بود که در اسفند ماه سال ۱۳۷۶ به مدیریت و سردبیری دکتر یونس قیصی‌زاده چاپ و نشر و توزیع گردید که محتوایی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی داشت. این هفته نامه باعث شد که بسیاری از نویسندگان و شعرای قدیمی استان و جوانان علاقه‌مند به فرهنگ و ادب، همکاری خود را با این هفته نامه آغاز نمایند که این خود نقش کارآیی در آگاهی توده روشنفکران بوشهری داشت و همچنین باعث ارتقای جایگاه این نشریه گردید، و روز به روز با کسب تجربه کیفیت بهتری پیدا نمود.

ازهمان اوائل افرادی چون منوچهر آتشی شاعر معروف بوشهری همکاری لازم با این هفته‌نامه آغاز نمودند و تا زمان فوتشان در سال ۱۳۸۴ این همکاری ادامه داشت. هم اکنون استادانی چون دکتر جعفرحمیدی، قاسم یاحسینی، خلیل موحد، سجاد بهزادی، دکتر محمود دهقانی و... با این نشریه همکاری دارند.

امروزه با وجود چاپ ۲۳ نشریه یا حتی ۶۳ رسانه چاپی مجوز دار در استان بوشهر، ولی هفته نامه ««نسیم جنوب»» با ۲۵سال تجربه و چاپ و نشر هزارمین نسخه بخاطر همکاری تعداد بیشماری از فرهیختگان و قلم به دستان، جایگاه خاصی در بین نشریات جنوب کشور باز کرده و خوانندگان بیشماری دارد به خصوص با انتشار نسخه الکترونیکی این هفته نامه مخاطبان زیادی خارج از کشور پیدا کرده که علاوه بر استفاده از مقالات ادبی، سیاسی و اجتماعی از اخبار و رویدادهای روز بوشهر نیز با خبر می گردند.

هزار بار وزیدی نسیم به سمت جنوب رویایی

امید غضنفر



در تاریخ پرشکوه مطبوعات این جغرافیای فخرآفرین، وزین نامه‌ی ««نسیم جنوب»» به راه بری و ره نشانی فرزانه‌ی گرانمایه دکتر یونس قیصی‌زاده، دیرپاترین نشریه به شمار می‌آید که در بیش از دو دهه انتشار، آرشیوی ارزشمند و مثال زدنی از نوشتارهای مانای اهل قلم این دیار سبزابی را به یادگار برای فردابیان بر جای نهاده است.

آرشیو «نسیم جنوب»، ارمغانی ست به یاد ماندنی که تصویر هم‌نشینی رویایی صدها شاعر، نویسنده، منتقد، هنرمند، پژوهش‌گر، روزنامه نگار و ورزشکار از نسل‌های مختلف و از جای جای این مرز پرگهر را تا همیشه‌ی جاری قاب کرده است.

در آستانه‌ی انتشار هزارمین شماره‌ی «نسیم جنوب» و به خجسته باد این مناسبت، خاطره‌یی را از نشست‌های ادبی پربار که به همت دکتر قیصی زاده و راه‌بری استاد آتشی شکل گرفت، می‌نگارم.

نشست‌های ادبی «نسیم جنوب» به مدیریت جاودان یاد آتشی در دفتر قبلی هفته نامه در نزدیکی چهارراه ولی عصر بر پا شد که استقبال خیل عظیمی از اهل قلم این دیار را در پی داشت. در این نشست‌ها پس از شعرخوانی شاعران و نقد و بررسی، بعضی پرسش‌هایی را مطرح می کردند و استاد پاسخ می‌داد. برخی مواقع نیز نویسندگان نام آشنا از نقاط مختلف کشور به ویژه از تهران و شیراز، مهمان این نشست‌ها بودند و نشست‌هایی نیز به عنوان «یادمان» برای نویسندگان فقید برجسته چون «صادق چوبک» برگزار می‌شد.

روزی در یکی از نشست‌های ادبی، با هم فکری و هم راهی دو دوست فرهیخته‌ی گرانقدر و هنرمندم حماسه حق پرست و حسام حق پرست - پژوهش‌گر و نوازنده‌ی مطرح و ستودنی سنتور و تار - ایده‌یی را که مدت‌ها به آن می‌اندیشیدیم با ترکیب موسیقی و شعر خوانی و با عنوان «بزم بزرگان» اجرا کردیم که با استقبال حضار مواجه شد و ادامه یافت. در یکی از این اجراها با حضور استاد آتشی گرانقدرمان، چند شعر ماندگار ایشان را با سماع مضراب دو عزیز یگانه حماسه و حسام ارجمند بر سینه‌ی «سنتور» و «تار» دکلمه کردم که تصویری از این هم راهی به یادگار مانده است.

شایسته و بایاست یاد کنم از دیگر فرزانه‌ی گرانقدرمان مانایاد استاد محمد حسن آرش نیا که پس از بدرود آتشی بزرگ، مدیریت نشست‌های ادبی را عهده دار شد و خاطراتی به یادماندنی از حضوری تاثیر گذار و ستایش انگیز را در ذهن اهل قلم بر جای نهاد.

-انتشار هزارمین شماره‌ی وزین نامه‌ی غرور انگیز و ماندگار «نسیم جنوب» را به دکتر یونس قیصی‌زاده گرانقدر و خانواده‌ی ارجمندشان و جامعه بزرگ ادبی و مطبوعاتی «سرزمین آفتاب درخشان» تبریک می گویم و امیدوارم به همت مدیر مسوول فرزانه و هم راهی اهل قلم گرانمایه، «نسیم» بی تکرار همچنان بر گستره‌ی «جنوب» رویایی، آمیزه‌ی امید و نوید و نیز تصویری از فردای روشن را با ساکنان بزرگ دیار مهربانی قسمت کند. چنین باد.

ربع قرن ندای صلح و آزادی

دکتر حسین اسکندری

مدامم مست می دارد نسیم باد آگاهی
جنوب و هر جهت بر در دانایی
بود شمع شب افروزی که آرد
به ربع قرنی ندای صلح و آزادی



قدرت نفوذ رسانه ها و نشریات محلی در آینده رو به توسعه از نظر کارکردهای ویژه خود در حوزه مسایل محلی عمده ترین نقش را در شکل گیری رفتارهای اجتماعی در سطوح پایه ای دارد و از این جهت در عکس العمل شهروندان در سطوح مختلف ملی و حتی بین المللی نیز نقش آفرینی می کنند.

نشریه وزین و به روز «نسیم جنوب» به عنوان دیرپاترین نشریه محلی استان بوشهر به خوبی از این ظرفیت با بهره گیری از متخصصان و صاحبنظران و به عبارتی منابع انسان محور و رصد کردن مسایل و مشکلات استانی و ملی و نقد و بررسی و ارایه طریق با استفاده از اطلاعات پیرامونی و تجزیه و تحلیل و نقد مسایل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در شکل گیری افکار عمومی و زمینه سازی زیر ساخت های توسعه ای ایفای نقش نموده است و البته در این راه ربع قرن با فراز و نشیب های زیادی روبرو بوده، اما هیچگاه تسلیم مشکلات و موانع نگردید.

خوشبختانه در این عصر دم افزا و ارتباطات که تغییرات و پیشرفت های علوم و فناوری با سرعت زیاد در حال انجام است و با توجه به گستردگی و انبوه اطلاعات برای تجزیه و تحلیل؛ نشریه «نسیم جنوب» تا حدود زیادی توانسته و می تواند با استفاده از این ظرفیت بالا نسبت به نقد و بررسی و استخراج اطلاعات متناسب با خواسته ها و نیازهای محلی انطباق و بومی سازی نموده و در فرهنگ سازی و ارتقاء فرهنگ عمومی نقش بارز و منحصر بفردی ایفا نماید.

در این میان تلاش و کوشش شبانه روزی هیات تحریریه و بویژه مدیر مسئول آگاه و سردبیر نشریه و انگیزه سترگ و وافر برای به روز نمودن و ارتقاء شاخص های نشریه، قابل تقدیر و تشکر فراوان است. برای همه عزیزان و دست اندرکاران پایداری و سلامت و موفقیت روزافزون مسئلت دارم.

از توانائی نسل جوان و نوجوان بیشتر بهره ببرید

سحر زنده بودی



انتظار می‌رود که هفته نامه نسیم جنوب به عنوان دیرپاترین نشریه تاریخ استان بوشهر، از نسل جوان و نوجوان و توانایی و ظرفیت آن ها بهره بیشتری ببرد و جوانان و نوجوانان توانمند استان در امور مختلف این هفته نامه محبوب مشارکت داشته باشند. و همچنین این نشریه همچون قبل موضوعات فرهنگ غنی و پر افتخار استان بوشهر و شهرستان ها را بازتاب دهد، با این کار علاوه بر این که معلومات مردمان این دیار از هویت و فرهنگ خویش افزایش می یابد، موجب می‌شود تا افراد در سایر استان ها نیز با فرهنگ و آداب و رسوم کهن استان ما آشنا شوند. همچنین بخشی از این هفته نامه به معرفی افراد موفق در سرتاسر استان بوشهر تعلق بگیرد و با مصاحبه و گفت و گو، اینگونه افرادی را که در زمینه فعالیت خود بسیار موفق اما ناشناخته هستند را به عموم مردم معرفی کنند.

حرکت «نسیم جنوب» بر شیوه مردمداری

ابراهیم دانش



قطعا هیچ کس نمی‌تواند منکر نقش مطبوعات در پویایی و توسعه فرهنگی و هنری جامعه بشود. جامعه‌ای که با شتاب تمام رو به زندگی ماشینی و تکنولوژی روز حرکت می کند؛ نیاز به یک استراتژی فرهنگی دارد که می‌طلبد مطبوعات این خلا را پر نمایند.

استان بوشهر که خود دارای سابقه طولانی در مطبوعات کشوری و استانی است، متاسفانه بعد از انقلاب اسلامی؛ تا سالها دچار یک سردرگمی استراتژی و اطلاع رسانی مدون بود که در دهه هفتاد با ورود چندین هفته نامه تا اندازه‌ای توانست افکار عمومی را اقناع نماید ولی باز هم متاسفانه برخوردهای سلیقه‌ای و بداخلاقی‌های سیاسی و نگاه انحصاری به موضوعیت نشریات و هفته نامه‌ها باعث شد که در ذوق خیلی ازمتولیان و قلم بدستان زده شود و در ادامه راه عطای نشریه داری را به لقایش بخشیدند و غزل خداحافظی را خواندند و رفتند.

ولی از جمله محدود هفته نامه‌هایی که تحت هیچ شرایطی و با توجه به هزینه‌های هنگفت از مستاجری تا چاپ و هزینه‌های جانبی و با موارد مختلف بد اخلاقی‌ها و برخوردهای سلیقه‌ای و مزاحمتهای افراد کوته بین؛ دوام آورد و پرچمش همواره در اهتزاز ماند و تا به امروز به طور مرتب زیر چاپ بوده و ماندگار مانده ««نسیم جنوب»» استان بوشهر است.

اینجانب که از اوایل شروع به فعالیت و چاپ این هفته نامه افتخار همکاری با این هفته نامه وزین داشته بدون تعارف و قطع یقین و منصفانه می گویم نقش «نسیم جنوب» در این مدت در معرفی پتانسیل های استان و دفاع از فرهنگ هنر و داشته ها و مطالبه‌گری نداشته‌ها بسیار بسیار پر رنگ و مخاطب پسند بوده چرا که استراتژی و مبنای «نسیم جنوب» بر مردمداری بوده و این خود یک رازی است که اگر مردمدار بودی و هدفت خدمت به مردم بود هم ماندگار می شوی و هم جاودانه.

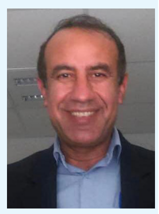


تضییع حقوق جوانان بوشهری در آزمون استخدامی گاز

و چه خاطرات تلخ و شیرینی دارم از روزهایی که با «نسیم جنوب» بودیم و به خوبی می دانم متولیان این هفته نامه چه مرارتها در این مسیر کشیده‌اند تا با خوشنامی به اینجا رسیده اند. محض اطلاع «نسیم جنوب» با داشتن قابلیت های فراوان از جمله قلم بدستان شاخص استانی و کشوری؛ نقش بسزایی در روشنگری سیاسی در برهه‌هایی از دوران ربع قرن انتشار داشته است.

نسیم امید در جنوب

مصطفی کشاورز



حتی اگر اهل آمار و ارقام نباشیم یا عامدانه آمار و ارقام را دستکاری کنیم، حتی اگر راست افراطی باشیم، حتی اگر چشم و گوش بسته به براندازی معتقد باشیم و چپ و راست و اصلاح طلب و انحصار طلب برایمان تفاوتی نداشته باشد، حتی اگر از طیف پیرمردهای فوق افراطی اصول گرایی باشیم، حتی اگر ... و تحت تاثیر این حتی‌ها کارنامه مثبت دولت اصلاحات در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، صنعت و تولید و ... را انکار کنیم اما داشتن تنها ذره‌ای واقع بینی و انصاف کافی است تا یک چیز را نتوانیم انکار کنیم و آن امید درخشانی بود که درست یا نادرست در دوره اصلاحات ضمیر و درون بخش بزرگی از مردم ایران را روشن کرده بود و موتور محرکه‌ای بود که برای ایجاد یک حرکت نوید بخش به سمت هدف هایی که می‌توانست برای ایران تعالی و پیشرفت را به ارمغان بیاورد.

در چنین فضای بی‌غباری و چنین اتمسفر آکنده از حرکت، نشاط و امید چند نشریه نو و امید آفرین در صحنه جامعه و سیاست استان بوشهر متولد شدند که یکی از آنها هفته نامه خوش ساختار «نسیم جنوب» بود (و البته نامش برای اهل قلم یادآور نسیم شمال معروف سید اشرف الدین قزوینی بود.)

«نسیم جنوب» در همه آن سال‌ها و این سال‌ها، به گواه خط سیرش و مدار حرکتش در میان نشریات استان ویژگی‌هایی تا حدودی اختصاصی داشته داشته است:

۱- هم در محتوی و هم در کادر نویسندگان و فعالین سعی داشته فضا و روحیه‌ای روشنفکری داشته باشد. به بیان دیگر تلاش کرده است از نشریات عامیانه و پوپولیستی فاصله قابل قبول و معنا داری داشته باشد. این فضای روشنفکری هم در محتوی مطالب و هم در ادبیات تیترها و نوشته‌های قابل رصد و مشاهده است. البته به طور طبیعی این فاصله در دوره‌های مختلف و تحت تاثیر کلیت فضای جامعه دچار کم و زیاد شده است، کما این که در دوره دولت اصلاحات تحقق این رویه رنگ و بوی چشمگیرتری داشته است.

۲- در دوره شروع «نسیم جنوب»، نام منوچهر آتشی در حوزه شعر نو فارسی آن چنان بزرگ و شکوهمند بود که وجود او در کادر نویسندگان نسیم برای این نشریه یک ویژگی منحصر بفرد ایجاد کرده بود. به بیان دیگر نام منوچهر آتشی در نسیم یک محوریت مثبت و یک بالندگی زودتر ایجاد کرد.

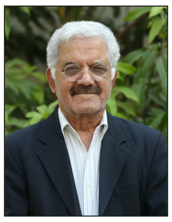
۳- ویژگی دیگر نسیم پرهیز هوشمندانه و خودخواسته از ورود به نزاع‌های تند سیاسی است. در جامعه سیاست محور ایران پرهیز از حضور دائم در نزاع‌های جناح‌های سیاسی برای یک نشریه کار دشواری است اما به باور من «نسیم جنوب» در حفظ یک فاصله تعریف شده و دلپذیر از تنش‌ها و افراط و تفریط‌های سیاسی و تحقق وجود یک نشریه اجتماعی، روشنفکری و ادبی با سطح مناسب عملکردی موفق داشته است. در چنین شرایطی پایگاه اجتماعی نسیم بیشتر گروه‌های روشنفکری مرجع در جامعه بوده است. و در طی این زمان نسبتا طولانی رابطه میان این نشریه با این گروه‌های مرجع تا حدود زیادی تثبیت و مستحکم شده است.

البته چنان که گفتم این رابطه در دولت‌های مختلف اصلاحات و پس از اصلاحات با فراز و فرودهایی همراه بوده است. با این همه به باور من نشریه «نسیم جنوب» توانسته است به عنوان یکی از نشریات رکن در میان اقشار اهل اندیشه و اجتماع در استان بوشهر یک پایگاه، سبک، هویت و اثر وجودی منحصر بفرد برای خود ایجاد نماید.

خاطره شخصی؛ در آن سال های تولد «نسیم جنوب» بنده در پتروشیمی اراک شاغل بودم و در فضای دلپذیر و آزادی که در کشور احساس می‌شد بعنوان علاقه فردی نوشتن برای نشریات بوشهر را شروع کردم و مطلبی کوتاه تحت عنوان «یاد یک قیام در پاسداشت قیام سی تیر ۱۳۳۱» نوشتم و برای «نسیم جنوب» ارسال کردم که چاپ شد و چاپ این مطلب به نوعی سرآغاز حضور و فعالیت گسترده‌تر و پررنگ‌تر من در نشریات بوشهر در سال‌های بعد شد. البته به واسطه علاقه من به تحلیل گری سیاسی، دوره اصلی فعالیت من در هفته نامه سیاسی‌تر نصیر بوشهر شکل گرفت.

نسیم جنوب خدمتگزار فرهنگ و هنر بوشهر

حسین نوری فیروزی



ابتدا بابت استمرار بدون وقفه فعالیت‌های مستمر نشریه وزین «نسیم جنوب» خدمت یونس قیصی زاده سردبیر و اعضاء هئیت تحریریه خستگی ناپذیر آن و همه مخاطبین و نگارندگان این نشریه تبریک می گویم.

یادم است این نشریه در بدو انتشار همانند سایر نشریات دیگر صفحاتش را به مطالب گوناگونی اختصاص داده بود. این قائده برای همه نشریات یکسان است.

لیک در حین فعالیت و کسب تجربه و بدست آوردن نیاز جامعه و توقعات مردم مطالب را اولویت بندی و موضوعات را به فراخور حال مخاطبین خود اصلاح و یا تغییر می دهند.

خوشبختانه «نسیم جنوب» چند موضوع را در ارجحیت محتوای خود قرار داد که در هرکدام از موضوعات هدف‌هایی را برای ارتقاع آگاهی مردم دنبال می کرد که عبارت بودند از:

۱ – معرفی میراث فرهنگی و آداب و سنن گذشتگان در جغرافیای استان بوشهر.

۲- تشویق اساتید اهل قلم به مشارکت فرهنگی در بیان عقاید و نظرات انتقادی و یا راهبردی مستند، و بررسی مسیرهای حرکت به سوی تعالی.

۳- واکاوی خبرها و بررسی و تحلیل موضوع‌های خبری پس از اخذ خبر از منابع مطلع و موثق.

۴- یادم هست در یکی از موضوعات خبری که مربوط به یک رویداد هنری بود بقول خودمون «سنگی به لیله عسل زد و همه به جیل آورد» طوری که در چهار شماره نشریه «نسیم جنوب» بحث داغ بود تا این که همه چیز روشن شد و بخیر گذشت.

۵- یادداشتهای انتقادی سردبیر همراه با بازگویی مسائل و نیازهای به حق مردم، تشکیل مراسم و کارگاه های آموزش و نقد شعر، داستان و مقاله در روزهای دوشنبه تحت عنوان دوشنبه‌های ادبی «نسیم جنوب» که چاپ آثار ادبی آکادمیک خروجی از این کارگاه در صفحات اختصاصی ادبی «نسیم جنوب» به چاپ می‌رسید و موجب پیشرفت قشر جوان و ادب دوست بوشهر شده بود. جا دارد یادی کنم از شادروان منوچهر آتشی و شادروان محمد حسن آرش نیا که استاد راهنمای این کارگاه بودند. روحشان شاد.

لذا با تمام زحماتی که یونس قیصی‌زاده و همکارانشان برای بهبود کیفیت و بهره‌وری از تمام امکانات و داشته‌های خود در جهت اطلاع رسانی به مردم شریف استان متحمل شدند و الحق تاثیرات زیادی در بخش فرهنگی و خبری جامعه داشتند، جا دارد به عنوان یک شهروند علاقمند به این کهن دیار، نهایت تشکر و سپاسگزاری را از این بزرگ مرد نیک اندیش و همکاران و همراهان «نسیم جنوب» داشته باشم و برای خودش و همه همکارانش آرزوی سلامتی و موفقیت داشته باشم.

«نسیم جنوب» در پایتخت

دکتر عابدین عابدی زاده



اهل جنوب که باشی یا به هر کس که بگویی اهل جنوبی؛ گرمی هوا و خونگرمی مردمانش در ذهن برجسته می شود؛ ما جنوبی ها به وقت گرما از نسیم بسیار سخن می گوییم. این نسیم می تواند نسیم صبگاهی دریا باشد و یا کوه و دشت.
ما جنوبی ها با شنیدن نام نسیم، به یادِ بادِ خُنک در چله گرم تابستان می افتیم که با شروع نسیم، یک آخیش عمیق و طولانی از ته دل می گوییم؛ زندگی اجتماعی نیز همین طور است؛ گاه گره های ذهنت در مسائل زندگی آن قدر کور و تاریک می شود که به یک نسیم فرهنگی نیاز داری تا یک آخیش طولانی دیگری بگویی و کمی روشن و بینا شوی؛ درست مثل ۱۰۰۰ شماره از نوشته های هفته نامه «نسیم جنوب»! ۱۰۰۰ شماره در ۲۵ سال تمرین و تجربه فعالیت فرهنگی مداوم یعنی آغاز نسیمی خوش در فضای فرهنگی- اجتماعی جنوب.
و اما خاطره ی من و نسیم، درست ۱۷ سال قبل و در سال۱۳۸۴هجری خورشیدی، چندماه بعد از تولد بلاگفا، فعالیت اجتماعی خود را با وبلاگ نویسی با موضوعات فرهنگی اجتماعی آغاز کردم، قبل از آن در قالب گفتگو و حضور در حوزه عمومی به ویژه دانش آموزی و دانشجویی تمرین مشارکت اجتماعی می کردم، «نسیم جنوب» را از دهه هفتاد می شناختم اما آشنایی بیشتر با نسیم به شروع فعالیت وبلاگ نویسی ام برمی گردد، یعنی دهه ۲۰ زندگی ام! زمانی که برخی از نوشته های وبلاگی ام در هفته نامه «نسیم جنوب» بازنشر می شد؛ در آن زمان بسیاری از جوانان از سراسر استان بوشهر دست به قلم شده بودند و دغدغه های ذهنی خود را با نگاه دگراندیشانه و انتقادی در بستر دیجیتال و محیط وبلاگ منتشر می کردند؛ اکنون بسیاری از آن جوانان؛ نقش و حضور جدی در حوزه های علمی و فرهنگی کشور دارند.
به یاد دارم در دهه ۸۰ کارشناسی ارشد جامعه شناسی در یکی از دانشگاه های تهران می خواندم و موضوع پایانه نامه ارشدم مسائل اجتماعی حوزه صنعت نفت و گاز در استان بوشهر بود که با دکتر سعید معدنی از جامعه شناسان پرتلاش کشور در آن واحد دانشگاهی آشنا شدم. درس جامعه شناسی علم را پای کلاس ایشان آموختم و وقتی ایشان متوجه بوشهری بودنم شد بی درنگ گفت: «نسیم جنوب» را می شناسی؟ یونس قیصی زاده را چی؟!
گفتم هر دو را می شناسم و هر از گاه کوتاه نوشته با مهر یونس در نسیم می نویسم!
استاد گفت: من نیز در آن جا می نویسم و این شد که متوجه شدم پای نسیم به دانشگاههای تهران و جامعه شناسان پایتخت رسیده است.
صدای نسیم در تهران یعنی صدای مردمان و فرهنگ جنوب در پایتخت!
بر کسی پوشیده نیست که رسانه‌ها یکی از عوامل اثر گذار در فرهنگ‌سازی و تعالی فرهنگ هر جامعه ای می باشند به عبارتی فرهنگ ایرانی لایه‌های متعدد دارد و از تنوع قومی و زیستی جذابی برخوردار است که از یک سو به فرهنگ ملی و مذهبی و از سوی دیگر به فرهنگ‌های بومی و اقوام گوناگون بخش بندی شده است؛ جامعه قومی بوشهر نیز از این موضوع جدا نیست؛ «نسیم جنوب» به عنوان یک رسانه فراگیر استانی، همواره تلاش کرده تا در عین احترام به ارزشهای قومی، بومی و محلی به همبستگی و حفظ فرهنگ ملی نیز کمک کرده باشد.
تشکر از «نسیم جنوب» بابت ربع قرن فعالیت و تبریک بابت انتشار شماره ۱۰۰۰.

حامی جدی موسیقی محلی بوشهر



محسن شریفیان: به جز دو مقاله در «آیینه جنوب» که در سال ۱۳۷۴ نوشتم، بقیه فعالیت های نوشتاری من و انعکاس و ثبت اخبار موسیقی را در «نسیم جنوب» پی گرفتم... مجموعه مصاحبه های در حوزه ی موسیقی مذهبی و زنانه و همین گونه چاپ گفتگوهای با هنرمندانی همچون زنده یاد محمود جهان و بعضاً تحلیل هایی که برای اولین بار در حوزه موسیقی بوشهر رخ می داد از جمله فعالیت های من با «نسیم جنوب» به عنوان یکی از مهم ترین رسانه های استان بود...
در کنار آن ارتباطاتی که در حاشیه «نسیم جنوب» با مفاخر شهرم همچون استاد منوچهر آتشی، استاد حسن زنگنه و غیره داشتم برایم لذت بخش بود...
خاطره جالب دیگر هم مصاحبه با وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی دکتر مهاجرانی بود که به جنجال کشیده شد! هم من نوجوان بودم و مثل همیشه صراحت لهجه داشتم! وزیر دولت هم که شعارش گفتگو بود کم طاقت شد! نوار این گفتگو را هنوز به یادگار دارم!



نکته آخری که برایم خاطره شد به وجود آوردن صفحه آگاهی های «نسیم جنوب» و مشقت متقاعد کردن مغازه دارها و اصناف برای دادن تبلیغات بود. در این سالها نسیم جنوب همیشه حامی جدی موسیقی محلی بوشهر بوده است.

فصل اصلاح طلبی به روایت «نسیم جنوب»

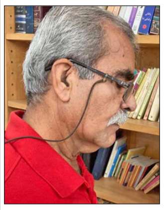
دکتر محمدجعفرایزدپناه



اواخر سال ۱۳۷۶ بود، دوم خردادی واژه جدیدی بود که به فرهنگ واژگان سیاسی مردم اضافه شده بود. جو جامعه پر از هیجان و امیدواری بود. فضای باز سیاسی زیر پوست جامعه نشاط تزریق کرده بود. پس از ده‌ها فضای یک دست و بسته در ایران حالا آدمهای جدید به میدان آمده بودند و حرفهای جدیدی می زدند. پس از مدتها دکه‌های روزنامه فروشی رونق گرفته بود. مردم برای خرید روزنامه و مجله صف می‌بستند، گاهی در طول روز یک روزنامه چاپ مجدد داشت، هر نفر حداقل ۲روزنامه می خرید، آن قدر خواندنی بودند که آدم حیفش می آمد آنها را دور بیاندازد. تصور می کردیم تغییراتی در راه هست، البته بعدها متوجه شدیم اشتباه کرده‌ایم و توهم تغییرات سرابی بیش نبود.
هم زمان با پایتخت، شهرستان‌ها هم به جنب و جوش افتادند. هفته نامه‌ها و مجلات دوم خردادی مجوز گرفتند. در همین فضا بود که با «نسیم جنوب» آشنا شدم. با اسامی نویسندگانی جدید آشنا شدیم که حالا تریبونی پیدا کرده بودند و مقالات و تحلیل‌های زیبایی ارائه می دادند، نوشته‌هایی که با استاندارد سیاسی نویسان روزنامه‌های سراسری پهلو می زد.
آن موقع هنوز ماهواره و فضای مجازی وجود نداشت و تنها از طریق همین نشریات استانی می توانستیم نوشته‌های هم فکرانمان را بخوانیم. اولین بار از طریق «نسیم جنوب» بود که دکتر حمیدی را شناختم، از مطالب خواندنی خورشید فقیه لذت بردم، با دغدغه‌های هنری حمید موذنی آشنا شدم، با نوشته‌های خلیل موحد از وضعیت سیاسی و ملی و مذهبی ها مطلع شدم، نقدهای ابراهیم فروزانی متفاوت با بقیه بود...
در آن فضای سیاسی با نوشتن و نظر دادن احساس می کردیم در سرنوشت کشورمان تاثیر گذار هستیم. حالا دیگر منتظر نبودیم تا مصاحبه چهره‌های سرشناس را در رسانه‌های سراسری بخوانیم. همین که چهره سرشناسی به استان میامد هفته نامه‌ای داشتیم که سر وقتش می رفت و سوالات چالشی را مطرح می کرد. برای اولین بار «نسیم جنوب» توانست موجی ایجاد کند و در انتخاب نماینده و استاندار بومی اصلاح طلب تاثیر گذار باشد، هنوز هم رونقی در استان اگر مانده باشد از برکت حضور همان مدیران است. حالا دیگر بوشهری هایی که تا پیش از این به عنوان مردمی نجیب و قانع معرفی شده بودند اعتماد بنفس پیدا کرده و مطالبه گر شده بودند. آنها می خواستند در انتخاب مدیران استانی نقش داشته باشند و به بازی گرفته شوند. نمی خواستند از بالا برایشان تصمیم گرفته شود.
در دفتر هفته نامه که زیر نظر منوچهر آتشی جلسات ادبی برگزار می شد، جوانانی حضور داشتند که ذوقی در شعر و ادبیات داشتند و اشعارشان را برای هم می خواندند. دفتر هفته نامه همیشه به روی علاقمندان باز بود، هر وقت که می رفتم تا نوشته‌ای را تحویل دهم (چه لذتی داشت وقتی حضوری به دفتر سر می زدم و تا زمان چاپ مطلبم هیجان زده بودم که اسمم را در «نسیم جنوب» ببینم) همیشه چند نفر نشسته بودند و در حال بحث بودند.
قبلاً اگر هنرمندان پیشکسوت خانه نشین شده بودند و جامعه آنها را از یاد می برد، حالا خبرنگار صفحه هنری به سراغشان می رفت، احوالشان را می پرسید و بیادمان می آورد که قدر آنها را بیشتر بدانیم. از داریوش غریب‌زاده گرفته تا ایرج صغیری و احسان عبدی پور و محسن شریفیان. اگر رسانه‌های رسمی و تک صدای کشور تعمداً این هنرمندان را فراموش می کردند، ولی «نسیم جنوب» خط قرمزهای موهوم را رد می کرد و با آنها مصاحبه می کرد. یونس قیصی زاده با دعوت از اساتید روزنامه نگاری کشور و تشکیل جلسات آموزشی، نشان داد تصمیم دارد نسل جدید و حرفه‌ای از روزنامه نگاران را پرورش دهد و جا پای جای اساتیدی چون شمس الواعظین بگذارد. نتیجه‌اش را هم دید! بجای قدردانی هر روز پرونده بدست از این شعبه به آن شعبه دادگاه در حال پاسخگویی در مقابل شاکیان حرفه ای بود. سهمیه کاغذ و تبلیغات هفته نامه‌اش را قطع کردند، ولی خدا را شکر بر خلاف خواست بدخواهان همچنان پابرجاست...
حالا ربع قرن و ۱۰۰۰شماره از آن روزها گذشته است. عده‌ای از آن جمع نویسندگان در این دنیا نیستند، عده‌ای جلای وطن کرده‌اند، عده‌ای گرفتار معاش روزانه شده‌اند و کار روزنامه نگاری را کنار گذاشته‌اند، ولی همه آنها با همت یونس قیصی‌زاده و هفته نامه وزینش دور هم جمع شدند. حالا دیگر همه چیز دیجیتال شده، کسی جلو دکه ها صف نمی گیرد. ولی «نسیم جنوب» همچنان با جان سختی به صورت فیزیکی و شیمیایی (مجازی) حضور دارد. هنوز وقتی فایل پی دی اف رایگانش گیرم می آید با لذت مطالعه‌اش می کنم و برای دوستانم فوروارد می کنم. نمی دانم شاید وقتی سرشان را از اینستاگرام بیرون آوردند نگاهی به نشریه استانشان هم بکنند. «نسیم جنوب» حکایت عاشقانه روزنامه نگاریست که دل باخته و امیدوار به آینده بهتر سرزمینش است. امیدوارم جشن دومین هزاره هفته نامه را بگیریم.

«نسیم جنوب»، نسیمی بهاری بر فرهنگ جنوب

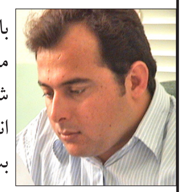
شهرام شریف‌پور



سال ۷۶، یکی از دانش آموزانم یا بهتر بگویم دوستم که خیلی هم دوستش دارم و همواره از این که از انسان‌های خدمتگذار به مردم در عرصه پزشکی فرهنگی است به او افتخار می کنم، به دیدنم آمد. بعد از حالی و احوالی مطرح کرد که نشریه‌ای داریم بنام «نسیم جنوب»، خوشحال شدم از این که یک گروه جوان که همه‌اشان را می شناختم و انسانهای بسیار سالمی بودند، دست به کاری بزرگ زده‌اند، با هم صحبت کردیم و توصیه کردم که رمز موفقیت ماندگاری شما وقتی است که مخاطب و خوانندگان شما مردم عادی باشند، تنها به قشر روشنفکر اکتفا نکنید و سعی کنید مطالبی را چاپ کنید که غذای مردم کوچه و بازار باشد و در دل مردم بنشیند و بیان مشکلی از مشکلات آنان باشد، آنها دنبالش بگردند و آن را در نشریه شما پیدا کنند و به شکلی در ارتباط با زندگی روزمره آنان باشد، اینجاست که شما می‌توانید یکی از تاثیر گذارترین بخش فرهنگی جامعه باشید، و این میسر نیست مگر این که شما بیشتر نیروی خود را به اطلاع رسانی خبرها و مطالبی قرار دهید که از تریبون‌های دیگر بیان نمی‌شود، و در حقیقت صدای نهفته مردم باشید، خبرهایی که از مشکلات و درد مردم برمی خیزد، و آن زمان هست که مردم لحظه شماری خواهند کرد و منتظر انتشار «نسیم جنوب» خواهند شد واین رمز موفقیت نشریه خواهد شد.
«نسیم جنوب» خوب شروع کرد و از آن جایی که مجموعه تحریریه و مسولان آن، جوان‌هایی خوش فکر بودند و به مسایل روز جامعه آگاه و کادری از نویسندگان، شاعران، اهل قلم مجرب با این جوانان همکاری داشتند، ما شاهد شکوفایی و رشد روز افزون این نشریه بودیم و در آن مقطع واقعاً اگر نه همه توده مردم، بلکه قشر بسیار وسیعی از مردم هر هفته منتظر نشر این نشریه بودند و می رفت که به یک روزنامه تبدیل شود، ولی متاسفانه با نشر این اندیشه که دوستان فرهنگی و روشنفکر پنداشتند که می‌توانند هر دو، سه نفری یک نشریه داشته باشند، روند رشد نشریات جدید از کمی شروع شد، این مقوله می‌توانست اگر نیروی کافی وجود داشت حرکتی روبه پیش باشد ولی از آن جایی که چنین نبود و با وجود مشکلات جدید شاهد افول کیفیت در نشریات شدیم. ای کاش دوستان اهل قلم ما همان روند همگرایی را پیش می‌بردند و ما امروز چند نشریه غنی داشتیم.
خوشبختانه «نسیم جنوب» توانست با همه مشکلات خود را حفظ کند، ادامه دهد و هنوز هم نشان دهد که چیزی برای گفتن دارد. به دوستان هیات تحریریه و مسولان «نسیم جنوب» خسته نباشید می گویم که توانسته‌اند با همه مشکلات کلان، همچنان خود را در سطحی قابل قبول حفظ کنند و امیدوارم روزی شاهد صدمین سال نشر این نشریه باشیم و همواره موفق و سرفراز برتارک فرهنگ این شهر بتابید، مطمئن باشید نام شما در کنار نیکان خواهد ماند.

«نسیم جنوب»؛ نماد رسانه پویا و مردمی

ابوالحسن گنخکی



با نفوذ عمیق فضای مجازی و دامنه گسترده شبکه‌های اجتماعی، شاید انتشار نشریه مکتوب کاری بس طاقت فرسا باشد. رقابت پیشتازانه رسانه‌های مجازی با رسانه‌های مکتوب عملا باعث شده تا خیلی رسانه‌های مکتوب ناگزیر به اتخاذ رویکرد دیگری شوند و در این کارزار، فقط آن دسته رسانه‌های مکتوب توانسته‌اند دوام بیاورند که خود را با دنیای جدید تطبیق دهند.

در دوره‌ای که اینترنت در جامعه گسترش یافت، «نسیم جنوب» از آن نشریاتی بود که پیشتاز تعامل با فضای مجازی شد و با راه اندازی پایگاه خبری توانست همان طور که از پیشگامان رسانه‌های مکتوب است، در فضای مجازی نیز جزو نشریات ممتاز استان باشد. اکنون که شبکه‌های اجتماعی به نوعی در عرصه عمومی جایگزین رسانه‌های مکتوب شده اند، «نسیم جنوب» بار دیگر پیشتاز شده است؛ به عبارتی «نسیم جنوب» همگام با تحولات شگرف رسانه‌ای، خود را بروز نموده و همین امتیاز باعث دیرپایی آن شده است.

تلاش «نسیم جنوب» برای قطع وابستگی مالی خود به نهاد حاکمیت و دولت هر چند باعث شد استقلال رسانه‌ای آن روز به روز عملیاتی شود اما فشار مالی وارده به مجموعه قابل کتمان نیست و مدیریت این رسانه کوشید خود را از اوامر ملوکانه نهادهای حاکمیتی به دور بدارد و همین استقلال مالی‌اش علیرغم بروز چالش‌های مالی، توانست باعث افزایش مخاطب و تاثیر گذاری‌اش به عنوان رسانه مستقل در سطح استان شود؛ به عبارت دیگر امروز افکار عمومی «نسیم جنوب» را شخصیت حقوقی واقعا مستقل و دارای هویت شفاف می‌شناسد و همین افتخار، دستاورد بزرگی برای مجموعه عوامل «نسیم جنوب» به شمار می‌رود.

تلاش «نسیم جنوب» برای دوری از رویه مرسوم برخی نشریات مکتوب مبنی بر انتشار مجدد اخبار و گزارش‌های منتشره در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و اتخاذ رویکرد تولید مطالب جدید باعث شده تا مرجعیت خبری این رسانه در سطح افکار عمومی به صورتی کاملا محسوس و متفاوت ارتقاء یابد به نحوی که امروز در نگاه آنهایی که تحولات استان را دنبال می کنند، «نسیم جنوب» نشریه‌ای مرجع، پویا و پیشتاز شناخته می شود.

یکی از خاطرات دوره همکاری با «نسیم جنوب»، توزیع هفتگی نشریه «نسیم جنوب» در خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه خلیج فارس در اوایل دهه هشتاد با کمک دوستان عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه و انجمن احیاگران توسعه جنوب بود که مورد استقبال گسترده دانشجویان واقع می‌شد به طوری که اغلب دانشجویان پیگیر دریافت شماره‌های «نسیم جنوب» بودند.

ضمن تبریک این افتخار بزرگ و انتشار ربع قرن «نسیم جنوب» به مجموعه همکاران این نشریه وزین خصوصا خانم نسیم فقیه که مسئولیت اجرایی نشریه بر عهده ایشان است، آرزو داریم با تداوم وزیدن «نسیم جنوب» در پهنه استان بوشهر شاهد افزایش سطح آگاهی و دغدغه مندی عمومی باشیم؛ چرا که باور داریم مسیر توسعه از آگاهی می گذرد.

نسیم‌جنوب؛ خنکایی وزان بر خسته دلان یک دیار جنوبی

حسین شاکری



هزار الله اکبر! چه رعنا شده‌ای! هزار ماشاالله چه قدی کشیده‌ای؛ فرزند «خلف» اصلاحات! ای روزگار! گویی همین دیروز بود که نطفه‌ات در پی پیوند ملت با عالیجناب «تغییر» در یوم مبارکه دویّم خرداد سنه‌ی ۱۳۷۶خورشیدی بسته شد و شتابزده و شش ماهه در یک روز اسپندی و در آستانه وزش یک نسیم بهاری درهمان سال پا به جهان دهکده جهانی انسان و رسانه گذاشتی!

آمدی تا عصای دست مردم زخم خورده استان عقب نگه داشته شده‌ی «بوشهر» این غنی‌ترین فقرای تاریخ ایران باشی!

آمدی تا شریک خوشی و ناخوشی‌های مرزدارانی بی مزد و مواجب بر تارک خلیج پارس میهن باشی.

آمدی تا جهانی بیاندیشی و محلی عمل کنی.

آمدی تا چو خوشبو درختان گل ابریشم و تنومند اشجار بابُل سایه سار و سر زحمتکشان صحنه زنان و مردان دشت و دریای جنوب زادگان باشی.

بزنم به تخته با ذکر نون والقلم زیمن دانش جویی رشید و عقیل درخت‌ات بر گرفته و میوه‌هایی محرر بار داده‌ای.

داری نم نم و کم کم پا بر بیست و شش سالگی می گذاری.

یادت هست اولین ونگ ونگ‌هایت نه در یک دفتر که در اتاقکی در خانه شنیده شد؟

اتاقکی که در همان جا با کاغذ و قلم و چسب و عکس و متن و صفحه بندی قنداغ‌ات می کردند و «فقیه»ای پرستاری‌ات می کرد و اشعاری از جنس لالایی بیداری برایت می‌خواند و تو چو «نسیم» برچهره تابیده لبخند می‌زدی و با حرکت چهار دست و پا خود را به گهواره پیشخوان عالم رسانه می رسانیدی؟

«یونس»!

درست است که مولود تو در یک اتاقک محقر به دنیا آمد. اما تو دانا و «فقیه» اساس تبیین تغییر یک جامعه را به شکلی تکوینی از بنیان جامعه که خانواده هست، شروع کردی. درست همراه با مادر و نسیم و محسن و میثم و...

و خوش آن چاهی که آب از خود برآرد!

و با آب این چاه نهری ساختی و سپس با تشکیل و مشارکت دوستانی به رنگ قلم هسته‌ای با اسم مستعار اصحاب تحریریه ساختی تا رودت نسیم متولد جنوب شهر بزرگ‌ترشده و به رود بپیوندد و در ادامه در گذر زمان آن گاه که این مولود تاتی کردن را یاد گرفت، رود رودت را سرازیر دریایی به نام جامعه کردی!

***

آری! رفته رفته قد کشیدی. اما از همان دوران نوباوه‌گی پرتاب سنگ‌ها به سویت شروع شد. و طبیعی است و بدیهی است که به قطار در حال حرکت سنگ می‌زنند. و تو مردم داری و رواداری کردی. و این چنین شد که اهل سگال این سامان با هرگونه سلیقه و اندیشه‌ای و از هر حزب و دسته‌ای کنارت آمدند و برای یک بارهم شده اثر و آفریده‌ایی از خود در جریده تو به ثبت رساندند.

از دل تو ده‌ها نفر نویسنده و پژوهش گر شوق فعالیت حرفه‌ای و چاپ انواع کتب پیدا کرده و به ادیبی حرفه‌ای تبدیل شدند که البته همه از برکت جنبش جدت عالیجناب "اصلاحات" بود.

آهسته و پیوسته می‌وزیدی و حرکت می کردی. و به هنگام نسیم‌ات به توفان جنوب تبدیل می شد. درست مثل زمانی که از پول‌های هنگفت نامزدان پر آز و قدرت برای تبلیغ شان در انتخابات نمایشی گذشتی! چه که در مرام انسانی کسی رستگار گشته و از پل می گذرد که از پول بگذرد.

در گردنه‌های سخت تاریخی مختلفی قرار گرفتی. از دوران توقیف‌ها و خرد کردن‌های فله‌ای مطبوعات گرفته تا حمله اصحاب چماق به دفاتر و نشریات و تعطیل سازی خانه‌های مطبوعات و دسیسه‌هایی که از اتاق های نامریی صادر می‌شد تا به نشریات آگهی ندهند تا به جای توقیف‌های هزینه‌زا مطبوعات برای کانون های قدرت کاری کنند تا خود این مطبعه‌ها (که آگاهی ساز جامعه بودند و آنان زین آگاهی و دانستن های عموم هراس داشتند) به طور خودکار و اجتناب ناپذیر ناچار به تعطیلی دفاتر مطبوعاتی خود کنند!



نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی ورزشی
پیش شماره اول - چهارشنبه ۶ اسفند ماه ۱۳۷۶

آی آدم ها که بر ساحل نشسته ...

از صادق چوبک تا منیرو روانی پور
قصه داستان نویسی در بوشهر

دیدارها مردی که مجلس عوام انگلیس را بهم ریخت

ادغام فرهنگ با سیاست
استاندار بوشهر و انتشار نشریه

از مزایای نی انبان
رقص ژاپنی در بوشهر

به نظر ایرج صغیری
اصلا بوشهر تئاتر ندارد

زندگی یک مصلاد بوشهری
ورزشکاری که دود شد

مدافعان جامعه مدنی در بوشهر

چرا نیروهای خط امامی در بوشهر متشکل نیستند؟

مجمع خط امامی ها در بوشهر

و متاسفانه این حربه کارگر افتاد و صدها نشریه مستقل و غیر وابسته در سراسر کشور به محاق تخته کردن ناخواسته نشریات خود شدند!

اما محدود نشریاتی چو «نسیم جنوب»، افتان و خیزان و زخم خورده به یمن داشتن پایگاه مردمی باز هم ماندند تا استخوان در گلوی اصحاب تثلیث معروف باشند!

نسیم چو زیرک مرغی می‌ماند که به وقت توفان، مرغ توفان می‌شد و به هنگام بلعیدن ماهی‌های شوریده جنوبی دریای دریادلان بوشهری توسط نهنگ قدرت، «یونس» وار دشنه درایت را بر جوارح درون این هیولای اقیانوس مردم می‌زد و به طرفه العینی از این تله و مبحس بیرون می‌زد تا شناکنان به ساحل آرامشی شیرین ناشی از هماوردی با خدای استبداد برسد!

**

هفته نامه «نسیم جنوب» در عین جوانی تاکنون کارهای بزرگ و خطیری انجام داده است. از تشکیل کارگاه‌های مختلف شعر و داستان و آموزش حرفه‌ای علاقه مندان به حرفه روزنامه نگاری که از بطن آن ده‌ها چهره پخته بیرون آمده‌اند بگیرید تا راه اندازی گلریزان‌های مختلف و انجمن امور خیریه و نیکوکاری که حمایت از زلزله وسیل زدگان و تامین مایحتاج دانش آموزان بی بضاعت و... بوده است. مضاف بر این به وقت گرفتاری و حبس اصحاب رسانه و یا به هنگام مشکلات متعدد اجتماعی با اهرم‌های فشاری چو بیانیه‌های صریح و سرگشاده با جمع آوری امضاء صدها چهره فرهیخته جامعه صدا و فریاد مردم شده است.

با این وجود و با توجه به فشارهای روزافزون و البته پیدا شدن حریفی ناخواسته به نام فضای گسترده مجازی که در آنی تولید اخبار و محتوا می‌کند، نه تنها «نسیم جنوب» که تمامی نشریات آزاده باید به خصوص در این هزاره پرتلاطم پیش رو طرحی نوین درافکنند تا حیات‌شان کماکان ادامه داشته باشد.

یادمان باشد که در این کوران داغ زندگی وزش «نسیم»ها به روح و قلب مان آرامش می‌دهد.

فاعتبرو یااولی الابصار.

فرصت چاپ مطلب در نسیم جنوب

جمیل رزمی



صدای گوشی تلفنم مرا متوجه یک پیام کرد که در آن نوشته شده بود که عصر امروز مراسم تجلیل از دکتر سید جعفر حمیدی در دانشگاه خلیج فارس برگزارمی شود.

عصر با یک تاکسی خودم را به دانشگاه رساندم. در بدو ورودم چیزی که توجه مرا به خودش جلب کرد این بود که بر روی تمامی صندلی‌های سالن ویژه نامه «نسیم جنوب» در نکوداشت دکتر حمیدی قرار داشت که به زیبایی تمام روی آن کار شده بود، آن قدر این کار برایم جالب بود که در برگشت به خانه با پیدا کردن شماره تلفن مدیر مسئول هفته نامه «نسیم جنوب» با او تماس گرفتم واز ایشان بابت کار ارزشمند هفته نامه تشکر



شولایی از جنس بلور برای
دکتر حمیدی
شاه بیت غزل
فرهنگ و
ادب بوشهر
صفحه ۵

کردم و بی اختیار گفتم یادداشت و گزارش آن مراسم را تهیه کرده‌ام. ایشان از من خواستند تا در صورت امکان و بدون معذوریت چنان چه مایل باشم آن را برای چاپ به هفته نامه نسیم بدهم. چه قدر ذوق زده شده بودم، باید انتخاب می کردم و این خیلی برای من هیجان انگیز بود چرا که هفته نامه معتبری مثل «نسیم جنوب» از من خواسته بود تا گزارشم را چاپ کند آن هم هفته نامه ای که جزو مطبوعات مستقل و پیشرو محسوب می شد و خوانندگان آن را باید در طیف گسترده‌ای از افراد اهل کتاب و مطالعه محسوب کرد. با خود اندیشیدم که این فرصت ممکن است دیگر حالا، حالا به من داده نشود گرچه من فرصت چاپ آن را در جای دیگر داشتم، اما چاپ در هفته نامه‌ای درجه یک مثل «نسیم جنوب» نصیبم نشده بود و من باید انتخاب می کردم.

وقتی که شروع کردم به نوشتن گزارش آن قدر از حس و حواسم برای آن گزارش وقت و مایه گذاشتم که تا مدت‌ها کلمات را با تمام وجودم در خود احساس می کردم و بی صبرانه چشم انتظار ماندم تا هفته نامه چاپ شود. با خودم می گفتم نمی‌دانم این هفته چاپ می‌شود و یا هفته ای دیگر و یا این که درصفحه چندم هفته نامه چاپ خواهدشد. این انتظار کمی برایم سخت شده بود، وقتی که برای گرفتن هفته نامه به دکه روزنامه فروشی مراجع کردم و تیتر نوشته‌ام را در صفحه اول هفته نامه دیدم یکه خوردم؛ تیتر گزارش من با این عبارت بر روی صفحه اول خود نمایی می کرد : «شولایی از جنس بلور برای دکتر سید جعفرحمیدی شاه ماهی فرهنگ و ادب بوشهر».

این اولین نوشته من بود که به عنوان تیتر بر روی صفحه اول یک هفته نامه درجه یک چاپ شده بود آن هم در تجلیل از یک شخصیت فاخر، برجسته و موثر بر فرهنگ و ادب این شهر و استان، این ابتدای راه من بود و مقدمه‌ای شد بر همکاری من با نشریه‌ای که افراد و چهره های صاحب سبک در تفکر و اندیشه ورزی با قلم خود خالق آثار بسیار ارزشمندی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، ادبی، هنری، سیاسی و اجتماعی شد که تاثیر گذاری آن بر همگان هویداست.

محبوبیت مردمی

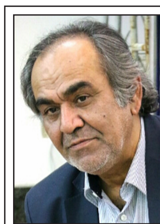


هلنا سعادتمند

از دیر باز نسیم خوش الحانی بر مردم استان بوشهر وزیدن گرفته، زبان گویای مردم استان شده و رسانه‌ای است که همواره دردهای مردم را فریاد کرده است. حقوق زنان را گرامی می‌شمرده و به جوانان بها می دهد. یکی از دلایل محبوبیت «نسیم جنوب» که حتی در دوران کرونا نیز مخاطبین خاص خود را داشته، جذب صاحبان قلم می باشد. انتشار صفحات خاص گفتگو با مردم و نظرسنجی‌ها از دیگر دلایل محبوبیت این نشریه می باشد. صداقت داشتن، و نیز راحت بودن با مردم از دیگر دلایل محبوبیت نسیم جنوب است. در تولید محتوا، انتخاب مطلب و تیتر کاملا حرفه ای و جذاب عمل نموده و سرمقاله‌های روشنگرانه دارد.

همه اینها بدون داشتن مدیرمسئولی پرتلاش و ساعی، امکان پذیر نمی‌باشد. من به نوبه خود بیست و پنجمین سالگرد تولد نسیم جنوب را به دکتر قیصی‌زاده و مردم استان تبریک می گویم.

هزار بارمردن و هزار بار زنده شدن



اسماعیل بهبهانی

همزمان با پیروزی انقلاب درب همین ماه ۱۳۵۷ اهالی بوشهر و به خصوص جوانترها که نشریات را در شرایط خاص آن زمان بهترین وسیله برای ارتباط با دیگران و بیان خواست ها و مطالبات خود می دیدند با انتشار نشریاتی گوناگون و در قالب هایی اغلب غیرحرفه ای اولین گام های ابتدایی و آماتوری روزنامه نگاری نسل خود را برداشتند به نحوی که به جز احزاب- گروه ها و دسته جات سیاسی که هرکدام نشریه ای را منتشر می کردند در مدارس و محلات مختلف نشریاتی که اغلب به صورت چندبرگ کاغذ پلی کپی شده بود هم انتشار می یافت.

اولین نشریه ای که در شکلی آبرومند و ظاهری حرفه ای توسط ابوالقاسم ایرانی و به صورت هفته نامه در همان زمان منتشر شد «صدای بوشهر» بود که مورد استقبال هم قرار گرفت. برادران ایرانی که تلاش داشتند تا نشریه را به صورت منظم چاپ کنند صدای بوشهر را حدود هشت یا نه شماره هم منتشر کردند اما در ادامه راه بدلایل مختلف که مهمترین آن نداشتن مجوز رسمی بود این نشریه از انتشار بازایستاد.

اما بعد از «صدای بوشهر» برای بوشهری‌های فرهنگ دوست که شهرشان از دوران انقلاب مشروطه و تقریبا همزمان با تهران و تبریز از معدود شهرهای دارای نشریه بود و نشریاتی چون : طلوع – مظفری –اصلاح –پست خلیج –ندای حق– سنگلاخ و... را در قالب روزنامه و مجله در ادوار مختلف و حتی تا قبل از کودتای مرداد ماه سال ۳۲ تجربه کرده بودند پانزده سالی زمان لازم بود تا با تلاش محمد دادفر و تعدادی از دوستان نزدیک او اولین نشریه دارای مجوز رسمی با نام «آئینه جنوب» در مردادماه سال ۱۳۷۳ منتشر شود. آئینه جنوب پس از چندسال انتشار به تهران منتقل شد تا به صورت روزنامه منتشر شود اما کمتر از ده شماره دوام آورد و در فعل و انفعالات سیاسی آن سالها تعطیل شد.

اما در زمان انتشار آئینه جنوب در بوشهر نشریات دیگری هم موفق به دریافت مجوز انتشار شدند که از مهمترین آنها می توان به: نصیر- پیغام- پیام- سفیر- چشم انداز- دریای جنوب- اتحاد جنوب و... البته «نسیم جنوب» اشاره کرد.

نسیم جنوب که با صاحب امتیازی دکتر خلف‌پور و مدیریت یونس قیصی‌زاده درسال ۱۳۷۶ شروع به فعالیت کرد در حال حاضر قدیمی‌ترین نشریه در حال انتشار بوشهر است.

نسیم جنوب از هفته‌های اول انتشار به جایگاهی برای جوانان و علاقه مندان به روزنامه نگاری و دوستداران فرهنگ و ادبیات تبدیل شد تا جوانترها در کنار بزرگانی مثل: منوچهر آتشی- ایرج صغیری- خورشید فقیه- محمد آرش نیا- مهدی جهانبخشان -اسکندراحمدنیا - ناصر علیخواه و... کسب تجربه کنند و در سالهای بعد به نویسندگانی مجرب تبدیل شوند.

در حوزه ورزش هم با حضور محمد سیدزاده و سپس مهدی صالحی‌زاده به عنوان دبیرسرویس وحضور نویسندگان مجرب صفحات ورزشی نسیم جنوب به یکی از معتبرترین بخش‌های ورزشی درسطح استان تبدیل شد.



نشریات محلی چه آن زمان که در کنار رادیو وتلویزیون تنها رسانه قابل دسترسی بودند و چه در حال حاضر که با وجود و غوغای انواع رسانه‌های تصویری و خبری مجازی و حقیقی باز هم به انتشار خود ادامه می دهند همیشه در حال گرفتاری و مضیقه بوده‌اند. تهیه کاغذ – هزینه‌های چاپ و تامین دیگر امکانات مانند تهیه دفتر نشریه برای مدیران نشریات مستقل که حتی از دریافت آگهی هم بهره چندانی نداشته و ندارند از کمترین سختی‌ها و مشقات آنهاست و از این موارد سخت‌تر و صعب‌تر و گاه هولناک‌تر شکایت گاه و بیگاه مدیران و افرادی است که تحمل کمترین نقدی به حوزه عملکرد خود نداشته و ندارند و هرازچندی پای مدیران مسئول بی پناه نشریات را به دادگاه هم کشانده‌اند.

با این همه مشقت که برای انتشار هرشماره مدیر نشریه را تا حدمرگ می آزارد چه چیزی جز «عشق» می‌تواند نشریه‌ای را به «شماره هزار» برساند؟ عشقی که جز اهل دل برای دیگران قابل درک نیست. وقتی جدیدترین شماره نشریه منتشر و توزیع می شود برای روزنامه نگار همانند «زندگی دوباره» هست و این همان عشق است. این چنین است که مدیر نشریه مستقل هربار برای آماده کردن شماره جدید می میرد و با چاپ و انتشار آن زنده می شود. برای دکتریونس قیصی‌زاده و همسر او نسیم فقیه که در این سالها در کنار هم و به بهای از دست دادن فرصت‌های فراوان کار و تفریح و کسب مال و... عاشقانه «نسیم جنوب» را منتشر کرده‌اند آرزوی سلامتی و موفقیت دارم و آرزو می کنم که همه هفته نامه‌های در حال انتشار استان به شماره هزار و بیشتر از آن برسند.

نسیم جنوب ، کشف و پرورش نویسندگان نوپای بوشهر

ناصر بوهندی



هفته‌نامه نسیم جنوب یکی از نشریات هفتگی استان بوشهر است که از اسفندماه ۱۳۷۶ تا به حال با محتوای «سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ورزشی» در شهر بوشهر منتشر می‌گردد.

نسیم جنوب از اولین نشریاتی بود که یادداشت‌ها و دغدغه‌های من را چاپ کرد، در آن از نیاز عسلویه به بیمارستان نوشتم، از بی آبی‌ها و عطش مردم در تابستان، محیط زیست و مشعل‌های آلاینده، زیبایی‌های نایبند و تلاش برخی‌ها برای خدشه‌دار کردن چهره این پارک ملی و دیگر یادداشت‌هایی که مجال ذکر آن در این کوتاه نوشته نیست.

نسیم جنوب سعی کرد با پذیرفتن نویسنده‌های جوان از جای جای استان بوشهر، قلم آنها را تقویت و به پرورش فکری آنها کمک کند، اکنون که شمارگان ۱۰۰۰ خود را منتشر می کند اکثر نویسندگان آن در رسانه‌های ملی و جهانی تحلیل، خبر و یادداشت می‌نویسند.

در آن زمان که عسلویه تازه میزبان پارس جنوبی و در حال گذار به صنعتی شدن بود، رسانه‌های کشوری و اندک رسانه‌های استانی سعی می کردند اخبار و مشکلات محلی را درج نکنند و تنها به اخبار افتتاح پروژه و فاز و تشویق و تمجید مدیران شرکت‌ها می‌پرداختند اما نسیم جنوب سعی کرد زبان مردم عسلویه باشد و خبرنگار ویژه برای این شهرستان بفرستد، گزارش جلسات شوراها و دغدغه‌های مردم این منطقه که آن زمان بخش بود و به شهرستان ارتقاء نیافته بود را منعکس کند.

امیدواریم این هفته نامه همچنان به روال سابق نویسندگان نوپا و دغدغه‌مند را کشف کند تشویق و یادداشت‌ها و مقالات آنها را منعکس کند، در عرصه شبکه‌های مجازی فعال‌تر حضور یابد و با حمایت خوانندگان و اهل فرهنگ هم گام با تحولات سریع تکنولوژی خبر رسانی همچنان نقش قوی خود در توسعه و پیشرفت اجتماعی،


شکست برنامه های درامدزائی شهردار
بحران مالی در شهرداری بوشهر
صفحه ۸
نسیم جنوب
سال یازدهم - شماره ۵۴۶ - یکشنبه ۱۰ آذر ۱۳۸۷ - ۸ صفحه - ۱۵۰ تومان
گفتگو با حمید کللی فرد سرمربی تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی بوشهر:
مشکل اصلی شاهین بی پولی است
صفحه ۷
ماجرای کتابخانه بنده
صفحه ۳
آقای محیط زیست !!! چرا چشمانتان را بسته اید؟
صفحه ۳
آقای میراث، اول معذرت خواهی، بعد...
صفحه ۸
نارضایتی گسترده از عدم بکارگیری نیروهای بومی در اشتغال نفت و گاز

فرهنگی، اقتصادی و فکری جنوب کشور را حفظ نماید.

حس امید و شادی را منتقل کنید

کی ناز کوهی



با ورود به قرن جدید و بیست پنجمین سالگرد نسیم جنوب بایستی که همه چیز را از گذشته ها آموخت، از نو یاد گرفت و آینده را به بهترین نحو ممکن رقم زد. نسیم جنوب که کهن ترین نشریه در تاریخ بوشهر است، فقط یک نسیم در حال وزیدن در دیار بوشهر نیست بلکه نسیمی ماندگار در ذهن و قلب ما هست که می توانیم آن را سطر سطر بخوانیم و در کنج ذهن خود آن را خوب توصیف کنیم.

با این حال مخاطب هر روزنامه ای انتظاراتی را از بند بند نوشته ها دارد که یکی از مهمترین آنها عدم انتشار اخبار کذب و شفاف سازی مطالب و موضوعات است که این نکته اصلی ترین قانون یک نشریه می تواند باشد.

دوم آن که هر روزنامه نگاری باید در وهله نخست امانت دار باشد تا یک جمع کننده واژه ها و جمله ها؛ و یکی از وظایف آنها این است که آبروی مردم را نزد خود یک امانت بدانند و آن را حفظ کنند.

انتظار دیگری که مخاطب از روزنامه دارد این است که علاوه بر جنبه اطلاعاتی، از فرهنگ و آداب و رسوم حاضر در شهر خود نیز با خبر شود و یا مکان های تاریخی و سنت باستانی گم شده شهر خویش را مورد بررسی قرار دهد. همچنین می توان با آوردن جملات انگیزشی از نویسنده های مختلف و یا به کار بردن شعرهای زیبای شاعران بندر بوشهر، هفته ای با انرژی مثبت بیشتر را برای خواننده رقم زد و حس امید و شادی را به مخاطب انتقال داد. باشد که در لحظه های زیستن «نسیم جنوب» حس خوب «وجود داشتن» را به خانواده جنوبی تزریق کند.

داستان من و نسیم جنوب

حسن رضوی



همه چیز از آن بعدازظهر تابستان و گرم بیابانهای تفتیده اهواز خرمشهر آغاز شد. درست روی خط لوله‌ای که قرار بود چند ماه بعد نفت منطقه دارخوین را به پالایشگاه آبادان برساند. خط لوله نفتی چون ماری سیاه میان تلماسه‌های تفتیده می‌پیچید و می‌رفت تا انتهای دشت و در سراب افق گم و ناپیدا می‌شد. چند روز پیشتر محلی‌ها تیر انداخته بودند به خط لوله که لابد اعتراض کنند به عبور خط لوله و یا گرفتن حق عبور خط، هر چند که تیر کمانه کرده و آسیبی به خط نزده بود اما حالا این خط لوله منشاء اختلافی شده بود میان محلی‌ها که تا دیروز همسایه و برادر بودند.

گاهی همین خطها می‌شوند مرزهای زندگی که در گذر از مرزشان زندگی دو پاره می‌شود. آن سوی خط دنیای دیگری است، جهان تازه‌ای است. گمانم روی همان خط لوله نفتی بود که آن اتفاق افتاد، بعد از آنکه تلفنم زنگ خورد و کسی از آن سوی خط گفت: «یونسم، قیصی‌زاده». صدایش طعم جنوب داشت. یادم آمد که چند روز قبلش مطلبی درباره بوشهر نوشته بودم و با اضطراب برای هفته نامه «نسیم جنوب» فرستاده بودم. منتظر بودم تا آب پاکی روی دستم بریزد. اما گفت مطلبم در «نسیم جنوب» چاپ می‌شود. بعدش انگار داشتم روی ابرها راه می‌رفتم. برای من آن تابستان پانزده سال پیش و آن بیابان برهوت و آن خط لوله سیاه نفتی شد مرز زندگی و حالا سالهاست که این سوی خطم؛ سوی مرز زندگی. میان خانواده «نسیم جنوب» و در کنار مرد مدام و بی‌ادعای مطبوعات بوشهر؛ دکتر یونس قیصی‌زاده.

حکایت اولین دادگاه مطبوعات بوشهر

زیبا هوشیار – وکیل

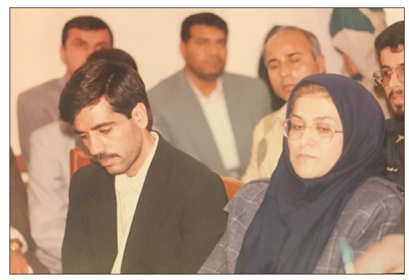


شاکی: ناحیه انتظامی بوشهر.
متشاکی: مدیر مسئول هفته نامه نسیم جنوب.
اتهام: تشویش اذهان عمومی، درج مطالب غیر واقع اهانت آمیز) نسبت به یگان، ترسیم چهره ی غیرواقع و خاص از این یگان در جامعه.

در شهریور ماه سال ۱۳۷۷، در دفتر کارم مشغول بررسی پرونده‌هایم بودم که برادرم پرویز با من تماس گرفت و موضوع شکایت نیروی انتظامی بوشهر علیه هفته نامه نسیم جنوب را مطرح کرد(ایشان از نویسندگان هفته نامه بود)

از خوانندگان این هفته نامه بودم و آن را می‌شناختم، هفته نامه‌ای وزین، پر محتوا، و مطالب خواندنی، با نویسندگان و روزنامه نگاران و شعرای متعهد به اصول اخلاقی و روزنامه نگاری، دلسوز به مسائل جوانان و خصوصا همشهریها، دوستدار رفع مشکلات شهر با عنوان نمودن آنها، و قابل توجه که این هفته نامه با همت سردبیر گرامی و همسر گرانقدرشان، با وجود مشکلات زیاد، همچنان استوار و پا بر جاست.

درطول خدمتم، اولین موردی بود که مسئولیت

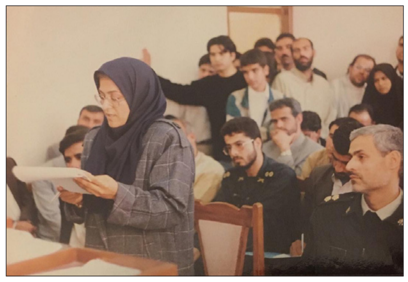


دفاع از یک هفته نامه را به عهده می گرفتم.
هیجان زده بودم، دعوای ملکی، موارد کیفری و جرم و جنایت،خانواده،و... غیر از دعوای مطبوعاتی، همه را تجربه کرده بودم.
در جلسات دادرسی در پرونده‌های گفته شده، قاضی رسیدگی کننده، طرف یا طرفین و وکیل آنها وخودم حاضر بودم که طبق روال قانونی، هرکدام از طرفین اظهارات و یا دفاعیات خود را در مقابل قاضی و یا قضات، گفته و در فرصت قانونی،

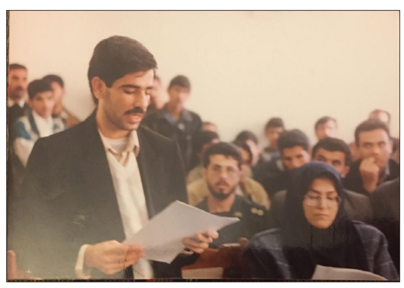


اعضای اولین هیات منصفه دادگاه مطبوعات بوشهر

قاضی رسیدگی کرده واظهار نظر می‌نمود، منتهی این پرونده با موضوعات گفته شده فرق داشت و از نظر من، استثنایی بود.
مدیر مسئول هفته نامه ، زیر سه برگ وکالتنامه در قسمت موکل را امضا، وامضای ایشان را گواهی نمودم و اختیار حضور در جلسه دادرسی را از یونس قیصی‌زاده گرفتم.
مراحل الصاق تمبر انجام شد، خودم را برای نوشتن لایحه دفاعیه آماده و افکار خودرا در تقریر مطالبی در رد ادعای نیروی انتظامی و موجه بودن مطالب مورد ادعای نیروی انتظامی، با استناد به مواد قانونی متمرکز نمودم.
پرونده، پس از انجام مراحل تحقیقاتی به دادگاه عمومی ارجاع شد. در جلسه دادرسی، مدیر مسئول نسیم جنوب، با اعلام ایراد عدم صلاحیت دادگاه



رسیدگی کننده، به شایستگی دادگاه مطبوعاتی، دفاعیات خود را انجام دادند.
ایراد مدیر مسئول نسیم جنوب موثر واقع شد وقرار عدم صلاحیت، به صلاحیت دادگاه مطبوعاتی با حضور هیات منصفه، صادر گردید.
وقت دادرسی برای اواخر دیماه تعیین و ابلاغ شد.
هوا سرد شده بود، در وقت مقرر در جلسه دادگاه، به همراه موکلم قیصی زاده،حاضر شدم.
به لحاظ علنی بودن دادگاه و حضور مردم، بناچار، جلسه رسیدگی را در سالن بزرگی، تشکیل دادند، هیات منصفه حضور داشت.
قاضی در جای خود نشسته بود.
نماینده حقوقی نیروی انتظامی از تهران آمده بود و حاضر بود.
جمعیت زیادی از پیر و جوان، در سالن گرد آمده بودند. دوستداران نسیم جنوب وسایر علاقمندان به مطبوعات آمده بودند.
جا برای نشستن کم بود، عده زیادی ایستاده، منتظر تشکیل جلسه دادرسی بودند.
در سمت راست من ، موکلم ، با تعداد زیادی اوراق



که مستند اظهارات وی بود، نشسته بود.
در سمت چپم، نماینده نیروی انتظامی بود.
سکوتی حکمفرما بود، تا این که قاضی، از شاکی خواست، تا شکایت خودرا بیان کند، ایشان همان مطالب گفته شده در شکایت را تکرار نمود و تقاضای محکومیت هفته نامه به جرم تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب کردند.
پس از اظهارات نماینده حقوقی نیروی انتظامی، قاضی از من خواست که دفاعیات خود را بیان دارم، من هم مستند به مواد قانون مربوطه، موکل را مبری از هرگونه اتهام، و تقاضای رد شکایت شاکی نمودم.
مدیر مسئول نسیم جنوب در ادامه دفاعیات من، درلایحه ای مشروح، از خود دفاع نمودو اعلام داشتند که درج کلیه مطالب مطابق با قانون مطبوعات بوده و جرمی انجام نداده است.
هیات منصفه به دقت، به مطالبی که طرفین عنوان می نمودند، توجه می کردند.
جلسه دادرسی پایان یافت و هیات منصفه، برای شور به اتاق دیگری رفتند.
چشمها همه نگران ، به درب اتاقی که هیات منصفه در حال مشورت بودند، دوخته شده بود.
پس از مدتی هیات منصفه وارد سالن رسیدگی شدند و در جای خود قرار گرفتند.
همه، در جای خود نشستیم، دوستداران نسیم جنوب، منتظر نظر هیات منصفه بودند.
پس از سکوتی که سالن را فرا گرفته بود، قاضی نظر هیات منصفه را اعلام کرد.

«هیات منصفه پس از مشورت، اعلام نمودند که اقدام هفته نامه در درج مطلب مورد ادعای شاکی، جرم نیست.»
لبخند شادی بر لبان همه هواداران نسیم جنوب نقش بست.
جلسه به پایان رسید و از سالن خارج شدیم، همهمه‌ای بود ، همه خوشحال و در حال اظهار نظر بودند، از من و مدیر مسئول تشکر می کردند.
نکته مهم و اساسی برای من، وجود این چنین پرونده‌ای بود، زیرا در طول تاریخ مطبوعات بوشهر (که قدمتی طولانی دارد و به سال ۱۲۳۶



هجری قمری بر می گردد)اولین دادگاه مطبوعاتی با حضور هیات منصفه بوده ودر تاریخ مطبوعات بوشهر، ثبت خواهد شد.
در مورد تاریخ مطبوعات بوشهر ، نوشته‌اند، نخبگان و افراد اهل مطالعه، به جهت حضور، هندیها و انگلیسی‌ها در بوشهر و داشتن روزنامه و کتاب، به خواندن علاقمند شدند کما این که کتاب، از جمله سوغات‌هایی بود که از پاریس و لندن به خطه جنوب، آورده می شد.
گفته شده که میرزا صالح شیرازی که پدر مطبوعات و روزنامه نگاری در ایران هست اهل کازرون فارس بوده و به جهت مراودات تجاری بین بوشهر و کازرون، در سفری به بوشهر ، علاقمند به مطالعه شده است .
خوانده‌ام که مردم بوشهر از هواداران پروپا قرص مخالفان حکومت قاجار بودند و از طرفداران مطبوعات اپوزیسیون در مصر و هند و انگلستان بودند
نوشته‌اند که اولین روزنامه بوشهر(طلوع) نام داشت که با خط نسخ و چاپ سنگی، در دسترس مردم قرار می گرفته است. سردبیر آن عبدالحمید خان ثقفی ملقب به متین السطنه بوده است که کاریکاتورهای ضد استبدادی در آن چاپ می‌شده است، به دلیل مشکلات چاپ و غیرو ، به میزان کم



نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ،اقتصادی ورزشی
۱۲ صفحه ۵۰ تومان
شماره بیست و هشتم - یکشنبه ۴ بهمن ماه ۱۳۷۷

در رسیدگی به شکایت نیروی انتظامی و در اولین دادگاه مطبوعات در حضور هیئت منصفه
مدیر مسئول نسیم جنوب تبرئه شد
صفحه ۶

چاپ می‌شده و بعد از چند نسخه، تعطیل می‌شود.
خاطره ی شیرینی که در هنگام وکالت در بوشهر داشتم این بود که در حد خود تلاش کردم از توقیف یک نشریه مردمی جلوگیری کنم.

مانایی، در گرو حق‌محوری

عالی بازدار



چه بخواهیم و چه نخواهیم، «رسانه» کاغذی یا الکترونیک، افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به خاطر جذابیت‌هایش، حکمرانی می کند. استفاده از قدرت برای مقابله با «رسانه» (به عنوان یک فرهنگ) نمی‌تواند پایدار و موفق باشد و چنان چه آزادی و حق انتخاب منتقد و مخاطب در نظر گرفته نشود، عیوب رسانه نیز پنهان می‌ماند و می‌تواند جامعه را به کج‌راهه ببرد؛ با این پیش‌فرض که هر آن چه از رسانه بیرون می‌آید، الزاماً عین حقیقت نیست و باید آن را نقد کرد. زیرا رسانه یکی از ارکان دموکراسی است و مانند سایر ارکان، مدام باید پایش شود. این پایش در محیطی آزاد محقق می‌شود، نه محیطی که می‌خواهد بر اساس زور جلوی ناخالصی‌های رسانه را بگیرد.
یکی از ارکان دموکراسی را مطبوعات آزاد نامیده‌اند. مطبوعات آزاد بازگوکننده وقایع و مسائل جاری و آیینه اجتماع نیز می‌باشند. اکنون که رسانه‌های مجازی گوی سبقت را از رسانه‌های کاغذی ربوده اند، نگهداری و دوام یک نشریه ـ آن هم از نوع مستقل ـ کار آسانی نیست.
حجم اطلاعات و اخبار و تحلیل‌ها در فضای مجازی چنان فراگیر است که می‌تواند به نوعی حیات یک هفته‌نامه یا روزنامه را دچار تهدید کند و نداند که چگونه به نیازهای جامعه و افکار عمومی پاسخ دهد. اگر تسلیم شرایط حاکم بر فضای مجازی شود، به موانع جدی برخورد می کند و برایش ممد حیات نخواهد بود. اگر از جریان اطلاع‌رسانی الکترونیکی فاصله بگیرد، مخاطبان خود را از دست می‌دهد. ضمن این که بحران کاغذ، رسانه‌های کاغذی و مطبوعات و کتاب را با مشکلات جدی مواجه کرده است.
تحول و تغییر در نوع نگاه به جامعه و مخاطبان و تحول در عرضه محتوا شاید یکی از راه‌های نجات باشد. بدیهی است تا هفته‌نامه زیر چاپ برود، مردم در فضای مجازی به اخبار روز رسیده‌اند.
در جامعه ما و تا قبل از ظهور رسانه‌های مجازی، اقبال عمومی نسبت به سمت مطبوعات و کتاب قابل توجه نبود، اما پس از آن که توسعه سیاسی در برنامه‌های دولت اصلاحات مورد توجه قرار گرفت، شاهد تقویت رکن چهارم دموکراسی نیز بودیم. در عصر انفجار اطلاعات که دنیا به دهکده جهانی بدل شده و صدا و سیما و بخشی از رسانه‌ها از قافله عقب مانده‌اند، رویکرد جدید می‌تواند مطبوعات ـ به ویژه نوع محلی آن را ـ برای تأثیرگذاری بر جامعه و افزایش مخاطبان موفق بدارد.
اندیشمندی می‌گفت: هر اثری که معطوف به «حقیقت»، «انسان» و «زیبایی» باشد، ماندگاری خواهد داشت؛ زیرا این سه جاودانی‌اند و تغییری در ماهیت رازآلود آن‌ها ایجاد نخواهد شد.
آن چه که «نسیم جنوب» را به هزارمین شماره و بیست و پنجمین سال حضور در جامعه رسانیده، می‌تواند به نوع نگاه دست‌اندرکاران نویسندگان و... آن به این سه موضوع باشد.
در پایان ضمن آرزوی موفقیت برای دست‌اندرکاران هفته‌نامه «نسیم جنوب»، لازم می‌دانم از توجه ویژه به مقوله فرهنگ وآموزش و پرورش با سلسله مصاحبه‌هایی که با پیشکسوتان امر تعلیم و تربیت داشته‌اید و... همچنین پرداختن به مطالبات قانونی و بیان دردها و مشکلات این بخش از جامعه، تقدیر و تشکر نمایم.

رسانه ای برای معرفی غنای ادبی و فرهنگی بوشهر

آکا صفوی



سابقه ی همکاری من با هفته نامه ی «نسیم جنوب» به آخر دهه هفتاد شمسی می رسد. از آن زمان مقالات خود را به همت این نشریه ی وزین به چاپ رسانده ام و هنوز هم این همکاری ادامه دارد.

نشریه «نسیم جنوب» به عنوان یکی از باسابقه ترین نشریه های جنوب کشور نقش بسیار مهمی را در حساس ترین اتفاقات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در طول فعالیت خود ایفا کرده است. اخبارها، تحلیل ها و مقالات را بر اساس یک الگوی ارزشی که دارای پیام و معنی مشخص و معینی بوده منتشر کرده است که در زمان خود بسیار مفید و تاثیر گذار بوده است. هوشمندانه تیتر و عنوانِ مرتبط با موضوعات روز اجتماع انتخاب کرده و به طور مستقل به چاپ رسانده است. به عنوان یکی از خوانندگان و نویسندگان مقالات ادبی و فرهنگی این نشریه یکی از خصوصیات این هفته نامه را انتخاب تیتر جذاب و مناسب، عنوان، ستون بندی و صفحه آرایی دیدم؛ تا خواننده بتواند به مطالب همسو سریع تر دست پیدا کند. در این



هفته نامه با وسواس به تجزیه و تحلیل پدیده ها، رخدادها یا معظل های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی یا یکی از مسائل روز اجتماع پرداخته شده است که مورد توجه همگان قرار گرفته است.

به همین خاطر نسبت به این هفته نامه از طرف جناح های مختلف همیشه حساسیت وجود داشته است.

از چاپ رویدادهای مهم تاریخی، سرگذشت ها و خاطرات آموزنده و جالب از شخصیت های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی استانی، ملی و جهانی که دارای پیام مهمی هم بوده اند، در این نشریه نباید غافل شد.

از همه ی این مسائل که بگذریم یکی از خدمات برجسته این هفته نامه برگزاری مراسمات و جلسات مهم ادبی و فرهنگی در حاشیه رسالت اصلی خود بوده است. جلساتی که از درون آن افرادی به جامعه ادبی و فرهنگی معرفی شدند که امروزه اعتبار ادبیات و فرهنگ این سامانند. از مهم ترین این جلسات برگزاری دوشنبه های ادبی «نسیم جنوب» بود که به سرپرستی چهره ماندگار ادبیات ایران استاد منوچهر آتشی و بعدها زنده یاد استاد محمدحسن آرش نیا برگزار می گردید.

در پایان از دکتر یونس قیصی زاده و همسر شان نسیم فقیه در راس این نشریه، به سهم خود به پاس سال ها تلاش و مجاهدت قدردانی می کنم. امید که قدردان همه ی تلاشگران شریف و صادق و خالص حوزه روزنامه نگاری باشیم.

«نسیم جنوب»، یادآور سال‌های بیم و امید

اسماعیل منصورنژاد



از اواخر دهه ۶۰ و اواسط دهه ۷۰ که شور و هیجان جنگ به خاموشی گرایید، حفره‌ها و شکاف‌ها بین دولت و ملت یکی‌یکی پدید آمدند و آشکار شد اگر روند اوضاع به سمت «تغییر رویه‌ها» در حکمرانی و «اصلاح» پیش نرود، به روزی می‌رسیم که اکنون در آن قرار داریم؛ همین امروز که صدها مشکل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دامن مُلک و ملت را گرفته است.

شور و شوقی که برای «تغییر» و «اصلاح» در سال ۷۵ آغاز شد و زمینه‌اش نیز در سال‌های پس از جنگ فراهم شده بود، نتیجه‌اش دوم خرداد ۱۳۷۶ بود که محمد خاتمی به عنوان نماینده یک ملت اصلاح‌جو و در قالب رییس‌جمهوری ظهور و بروز کرد و از آن پس فرصت‌ها و امیدهای زیادی برای اصلاح امور در پیش‌رو قرار گرفت. یکی از این فرصت‌ها، نشریات جدید با دیدگاه‌های جدید و بی‌سابقه بودند که ناگهان، بدون امکانات و تقریباً با دست خالی یا امکانات بسیار اندک و ابتدایی (به ویژه هفته‌نامه‌های استانی) در سطح کشور بر روی پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها قرار گرفتند. پس از دوم خرداد ۷۶، شور و شوق روزنامه‌نگاری چنان بالا گرفت که هر استان در دو سال اول جنبش ملی اصلاحات، صاحب چند و چندین هفته‌نامه شد.

هفته‌نامه «(نسیم جنوب)» اولین هفته‌نامهٔ استانی (در بوشهر) پس از دوم خرداد است که در آخرین روزهای سال ۱۳۷۶ (اسفندماه) به عنوان نشریه‌ای با رویکرد «روشنفکری»، «اصلاح‌طلبی» و ترغیب جدی جامعه برای پیگیری مطالبات و حقوق مدنی خود در محدودهٔ استان بوشهر منتشر شد.

هر چند فضای کار روزنامه‌نگاری در سال ۷۶ بسیار باز بود و با هیچ دوره‌ای قابل مقایسه نیست، اما کار کردن در یک جغرافیای فرهنگی مانند بوشهر که موانع، قید و بندها و معذرویت‌های خاصی داشت، چندان آسان نبود؛ به ویژه اینکه از بامداد دوم خردادماه ۱۳۷۶ برخی (با هر هدف و انگیزه‌ای) برای از بین بردن فضای جدید، شب و روز تلاش می‌کردند و به همین دلیل محدودیت‌ها رفته‌رفته بیشتر شد. از این نظر، هفته‌نامه «نسیم جنوب» «خط شکن» در فضایی بود که کسی نمی‌دانست پشت خاکریز بعدی چه کسانی و با چه امکاناتی کمین کرده‌اند و ورود به آن چه خطراتی به دنبال دارد. وقتی «(نسیم جنوب)»، اولین هفته‌نامهٔ استان بوشهر



پس از دوم خرداد با آدم‌های استخوان‌دار و روشنفکر و با رویکرد اصلاح و نقد رویه‌های گذشته و نمایان ساختن افق‌های جدید با تحلیل‌های متین و منطقی کارش را آغاز کرد، انتظار می‌رفت که با موانع «ایذایی» روبرو شود تا بر اساس برنامه‌ریزی‌های اذیت‌کنندگان، فرسوده و خسته شود؛ ولی هر طور بود، دوام آورد و پا پس نکشید. این ماندگاری مدیون پافشاری‌ها و ایستادگی‌های یونس قیصی‌زاده (مدیر مسئول)، همراهی دکتر عبدالامیر خلف‌پور (صاحب‌امتیاز) و نویسندگانی است که برخلاف تهدیدهای پیدا و پنهان، این هفته‌نامه را تنها نگذاشتند.

«نسیم جنوب» اولین هفته‌نامه‌ای است که پس از دوم خرداد ۱۳۷۶، فضای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی استان بوشهر را با ادبیات جدیدی روبه‌رو کرد و پیشتاز جریان جدید روزنامه‌نگاری پس از دوم خرداد در این استان به حساب می‌آید. مقالات، گفت‌وگوها و نقدهای سیاسی، دینی، فلسفی، فرهنگی و اجتماعی متنوع و جدی، مصاحبه با آدم‌های مشهور و استخوان‌دار ملی و محلی و گاه دعوت از شخصیت‌های ملی برای حضور در بوشهر و... انعکاس دیدگاه‌های مخالف و موافق و دامن زدن



به فضای نقادی و رواداری و تحمل مخالف، رواج نقدهای ادبی و هنری جسورانه و نو، باز گذاشتن دست نویسندگان جوان برای نشان دادن استعدادهای خود، معرفی هنرمندان و ادیبان استان به مردم و... بیرون آوردن افراد استخوان‌دار در سطح استان بوشهر از کنج عزلت و معرفی آن‌ها به جامعه، از کارهای ماندگار هفته‌نامه «نسیم جنوب» است که بر پیشانی تاریخ استان بوشهر خواهد ماند. ضمن اینکه «نسیم جنوب» باعث به حرکت درآمدن دیگران هم شد تا یکی‌یکی از سال ۷۷ به بعد، به فکر تأسیس تریبون و نشریهٔ خاص خود در استان بوشهر باشند.

شور و شوق روزنامه‌نگاری در فضای جدید و پر از


شکایت صدا و سیمای جمهوری اسلامی از مدیر مسئول هفته نامه نسیم جنوب

بدنبال شکایت سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، یونس قیصی‌زاده" مدیر مسئول هفته‌نامه‌ی «نسیم جنوب» به دادگاه مطبوعات بوشهر احضار شد.

در پی شکایت سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، پرونده‌ای در دادگاه مطبوعات دادگستری بوشهر تشکیل و قاضی "گشتاسبی" رئیس این دادگاه، "یونس قیصی‌زاده" مدیر مسئول هفته‌نامه‌ی «نسیم جنوب» را با قید عدم حضور ظرف مهلت مقرر موجب جلب است، به دادگاه جهت ادای پاره‌ای از توضیحات و پاسخ به اتهامات مطروحه در شکواییه‌ی صدا و سیما احضار نمود.

لازم به ذکر است که این چندمین شکایت علیه «نسیم جنوب» در چند ماه اخیر است.

هفته‌نامه‌ی «نسیم جنوب» پرخواننده‌ترین نشریه‌ی محلی منطقه‌ای در بوشهر است که در جشنواره‌ی سراسری مطبوعات کشوری در بخش مطبوعات محلی با ۹ کاندیدا و دریافت ۵ جایزه به عنوان یکی از بهترین مطبوعات محلی کشور شناخته شد.

بیم و امید، هزینه کردن از جیب خالی برای اصلاح امور و پرهیز دادن مسئولین کشوری و استانی از ادامهٔ راه‌های رفته و پرهزینه و بیهوده، یکی از استراتژی‌های هفته‌نامه «نسیم جنوب» بود که نتایج بسیار خوبی در آگاه ساختن جامعه برای پیگیری مطالبات خود به همراه داشت. فضای استان بوشهر نیز از این رویکرد بسیار پشتیبانی می کرد؛ تا جایی که یادم می‌آید گاهی اوقات هفته‌نامه «نسیم جنوب» به محض این که بر روی دکّه قرار می‌گرفت، به فروش می‌رسید و برخی دست خالی و بدون «نسیم جنوب» به خانه بازمی گشتند.

امروز و پس از ۲۵ سال (ربع قرن)، «نسیم جنوب» با همان رویکرد حضور دارد و هنوز پیر نشده است. تراکم نشریات غیر کاغذی و رواج شبکه‌های اجتماعی و رویکرد متفاوت اکثر قریب به اتفاق کاربران آن‌ها نشان می‌دهد موجی را که امثال «نسیم جنوب» در سال ۷۶ آغاز کردند، قدرتمندتر و با مطالبات بیشتری ادامه دارد؛ همان موج توانمندی که در اواسط دهۀ ۷۰ و دهۀ ۸۰ می‌خواستند جلوی آن را بگیرند و نتوانستند و امروز نیز می‌خواهند با طرح «صیانت از فضای مجازی» جلوی فرزند آن را بگیرند که صد البته نخواهند توانست.

برای هزارمین بار ....

علی اسماعیلی



مدتی است که در انتظار چاپ هزارمین شمارگان هفته نامه وزین نسیم جنوب نشسته بودم و گاه نیز که نسخه الکترونیکی و یا تصویر نسیم جنوب در فضای مجازی پخش می‌شد ناخودآگاه در ابتدا شمارگان آن را وارانداز می کردم و به شوخی و جدی می‌نوشتم نبود فلان شماره دیگر تا هزار ؟

نسیم جنوب را می‌توان کوی مثال زد که وسعتش به پهنا و درازای استان بوشهر، که در دل خود اهالی دارد که گاه برای او می‌نویسند، گاه می‌خوانندش و... در سیر تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و ورزشی استان بوشهر نسیم جنوب همیشه همراهی و همقدمی در کنار مردم را برگزید و به عنوان یک هفته نامه اصلاح طلب همیشه تریبون آزادی خواهان، اصلاح طلبان واقعی و مردم مظلوم این استان شد! همراهی که هزینه‌های تا حضور در محکمه‌های قضایی نیز به همراه داشت! اما هرگز موانع باعث ایجاد تغییر در آرمان ها و اهداف آن نشد. خرسند و شادمان از چاپ هزارمین شمارگان این هفته نامه که ربع قرن به کمک روشنگری و افزودن بر آگاهی جامعه پیرامونی خود آمد و دکتر یونس قیصی‌زاده با تمام قد و همراهی همه خانواده در این راه از هیچ تلاشی دریغ نکرد.

امروز به میمنت این شمارگان هزاران خاطره از سالهای همراهی با نسیم جنوب در خاطرم نقش بست! از اعتراض به حق کارگران بومی در پارس جنوبی،



تا جدایی پارس جنوبی و الحاق آن به استان فارس، خردادهای پر از حادثه و صعود شاهین برای اولین بار به لیگ برتر و تا ... که در این مجال نمی گنجند. بدون شک قسمت‌های عمده‌ای از هر شماره نسیم جنوب درد نامه‌های بود از درد مردمی که بر بستر خدادادترین ثروت‌های این سرزمین خفته بودند و رنج‌های نداری را می کشیدند! از اشتغال گرفته تا درمان و ... این همراهی بود که ۲۵ سال پایگاه مردمی نسیم جنوب را در دل جامعه حفظ کرد و زنده نگه داشت. خدا قوت و خسته نباشید به یونس قیصی‌زاده و به ویژه به بانو نسیم فقیه که در همراهی با اهالی نسیم جنوب همیشه همراه و همگام همسرشان بودند و میزبانی همیشه شایسته و مهربان بر اهالی هفته نامه وزین نسیم جنوب.



فرا رسیدن هزارمین شماره را که برای هزارمین بار هم از درد گفت و هم تابنده نور امید و روشنگری بر دل جامعه بود را به فال نیک گرفته و بر یاران و دوستداران بزرگترین محفل مدنی و اجتماعی استان بوشهر تبریک و شادباش می گوییم.

دردسرهای خبرنگاری نسیم جنوب

فرزان اسدی



اوائل دهه ۸۰ به واسطه شرایط کاری در اهواز زندگی می کردم اما به بوشهر رفت و آمد داشتم.

هفته نامه نسیم جنوب به همراه سایر نشریات استان، از طریق خانه مطبوعات آن زمان که دکتر یونس قیصی‌زاده رئیس آن بود و به جرأت می‌توان گفت دوره طلایی مطبوعات بوشهر بود، به دستم می‌رسید. ولی از عشق و علاقه خاصی که به نسیم جنوب داشتم و آشنایی نزدیک با اعضای هیئت تحریریه و نویسندگان این نشریه، یک حس و علاقه خاصی به خواندن و قلم زدن در این هفته نامه داشتم.

با توجه به ترددی که به صورت هفتگی یا یک هفته در میان به بوشهر داشتم از اوضاع و احوال بوشهر مطلع بودم و مطالبی هم در نسیم جنوب می‌نوشتم.

یکی از ویژگی‌های بارز نسیم جنوب این بود که نویسندگانش در اقصی نقاط کشور حضور داشتند و مطالبشان را برای نسیم جنوب می‌فرستادند و این موضوع، نشریه را تبدیل کرده بود به یک هفته‌نامه پربار با اخبار و اطلاعات به روز چیزی که بیشتر تولید محتوا بود. نسیم جنوب مطالبی تولیدی داشت، این مهم بود چون که بعضی از نشریه‌ها به سمت کپی پیست از اینترنت رفته بودند و مطالب غیر تولیدی داشتند، اما نسیم جنوب کماکان با تولید محتوا یا مطالب تولیدی نویسنده‌ها مطالبش را جمع می کرد و این یکی از رازهای ماندگاری هفته نامه وزین نسیم جنوب است.

یکی از روزهایی که قرار بود مثل سایر چهارشنبه به بوشهر برویم، آماده رفتن بودم اما به دلیل همون حس ژورنالیستی، زمانی که از کنار ساختمان «بانک سامان» در شهر اهواز که چند روز قبل توسط جدائی طلبان بمب گذاری شده بود رد شدم، تامل کرده و دوربینم را آماده کردم و چند تا عکس گرفتم تا در شماره بعدی نسیم جنوب مطلبی بنویسم و از این تصاویر هم استفاده کنم. انفجار این بانک را از طریق رادیو شنیده بودم چون، زمانی که این اتفاق افتاده بود ماموریت خارج از خوزستان بودم.

از همه جا بی خبر چند تا عکس خوب گرفتم و کارم که تمام شد آمدم که سوار ماشین بشوم، به یک باره یک آقایی به من نزدیک شد و خیلی عادی گفت که لطفا همین جا بمونید نگاهش کردم، یک نفر دیگر هم از پشت سر آمد و گفت که موبایل و دوربین را به من بدهید.

اینها را از من گرفتند و علاوه بر آن سوئیچ ماشین را هم گرفتند. به همراه آن ها سوار ماشین شان شدم و بدون این که صحبتی در مورد این که چه اتفاقی افتاده و چه می‌خواهد بشود راهی شدیم.

به محلی در شهر رسیدیم و گفتند که پیاده شو و داخل یک اتاق انتظار منتظر بمان.

چند دقیقه‌ای نشستم تا این که ایستادم تا اینکه یک نفر آمد پایین و من را با خودش به طبقه بالا برد و وارد یک اتاق کردند، روی صندلی نشستم، اتاقی که به جز یک صندلی در وسط آن، فقط تعدادی صندلی دیگر روبروی آن قرار داشتند و پشت صندلی هم یک میز بود.

روی صندلی نشستم و به من گفتند که به هیچ عنوان سرت را به عقب برنمی‌گردانی، هیچ صحبتی هم نباشد.

هنوز برای من ابهام داشت که دلیل این حرکت و این که من آمدم اینجا چه است؟

از طرفی خانواده‌ام هم منتظرم بودند که به طرف بوشهر حرکت کنیم.

از همه جا بی خبر نشسته بودم، بیش از یک ساعت هم گذشت. هیچ خبری نبود و جرأت هم نمی کردم سرم را به عقب برگردانم تا این که ناگهان از پشت سر یک نفر شروع به سوال کردن با من کرد که چرا اونجا بودی؟ چرا عکس می گرفتی؟ و چراهای دیگر. توضیحات و جزئیات را گفتم که من خبرنگارم و برای تهیه گزارش در حال عکاسی بودم.

زمان زیادی گذشت و به نوعی مدت بازجویی طولانی شد. چند تا فرم هم پر کردم.

زمان در حال سپری شدن بود و ناگهان صدای زنگ موبایل خودم را شنیدم. از من پرسید که فلان کس کیه؟ گفتم همسرم هستند.

گفت چندین بار تماس گرفته، گفتم که منتظر من هستند که به سفر برویم و الان چندساعتی است که قرارمان گذشته و نگران هستند.

از پشت سر تلفن را به من داد و گفت در حد خیلی کوتاه تلفن صحبت کن هیچ اطلاعی نده و هیچ صحبتی هم نکن. خبر سلامتی را دادم و گفتم منتظر باشند آمدم منزل صحبت می کنیم.

دوباره تلفنم زنگ خورد. از من پرسید فلانی کیه؟

گفتم راننده ماست. حالا من به تلفن پاسخ ندادم او شروع به پیام دادن کرده بود که فلانی من برای ماموریت آماده‌ام و همه چیز را هم مهیا کرده‌ام و از این مسائل.

در این شرایط و وضعیت خاص، پیامک‌های راننده که فامیل کاملا عربی هم داشت باعث شد که شک بیشتر شود که چه ماموریتی قرار است که انجام شود؟

پرسید: چه چیزهایی را می‌خواهید مهیا کنید؟!

گل بود به سبزه نیز آراسته شد، توضیح دادم که این راننده از روستاهای اطراف فلان جاست و هفته آینده که می‌خواهیم به استانی دیگر سفر کنیم در میانه راه صبحانه را در منزل پدری او می‌خواهیم بخوریم و او این هماهنگی را انجام داده است.

برگه‌های بازجویی را از من گرفتند و مجددا سکوت مطلق در اتاق بر قرار شد. یک ربع گذشت که همان صدا از پشت سر دوباره شروع به سوال کردن کرد، از وهابیت چه اطلاعی داری؟!

سریع ذهنم رفت به مقاله ای که چندی قبل در نسیم جنوب منتشر کرده بودم، شنیده بودم که گروههای وهابی در خوزستان طی آن سالها، فعالیت‌های تبلیغی داشتند و این موضوع باعث شده بود که مطلبی را بنویسم که مگر حضرت علی(ع) چه کرده است که بعد از قرنها هنوز هم مورد عناد و کینه ورزی اینها قرار دارد و از مظلومیت حضرت علی نوشته بودم.

متوجه شدم که احتمالا این مقاله را در اینترنت دیده و خوانده باشند. توضیحی دادم که بعد از آن، گفت که سرت را برگردان و روبروی من بنشین.

یک آقای جوان و خوش چهره نشسته بود. شروع کردیم به صحبت کردن، گفت که می دانم که چند ساعتی است که اینجا هستی و از کار زندگی هم افتادی، عذرخواهی می‌کنیم اما جریان از این قرار است که ما به شما شک کردیم چون که مدتی بود بمب گذاری صورت می‌گرفت و بعد از آن فیلم و عکس هم منتشر می‌کردند و این بار شما در کمین بازداشت افتادی و جریان از این قرار بوده است.

خلاصه آن روز به لطف مطلبی که در مظلومیت حضرت علی نوشته بودم آزاد شدم و به منزل برگشتم و قول دادم یک نسخه از مطلبی که در خصوص انفجار بانک سامان در اهواز در نسیم جنوب چاپ هم برایشان ارسال نمایم.

خلاصه آن روز به خیر گذشت و بعدها متوجه شدم که یکی از هم کلاسی‌های دوره دانشگاه به هنگام دریافت حقوق ماهیانه در همین بانک بوده و در زمان انفجار یکی از پاهای خودش را از دست داده که خیلی برایم ناراحت کننده بود.

نسیمی جنوبی

مینا درعلی



وقتی قراراست که برای هزارمین شماره یک نشریه مطلبی بنویسی دست و دلت می لرزد که چه باید نوشت تا در خور این همه تلاش و پشتکار یک نشریه باشد، آن هم نشریه ای که سالهای پر کنشی



جشن شانزدهمین سالگرد
دوشنبه های ادبی نسیم جنوب

در حوزه سیاسی، اجتماعی، ورزشی و بیشر از همه هنری را داشته است!

به زبان ساده است که در این فضای متزلزل بتوان ربع قرن انتشار یک نشریه را در دستورکار خود قرار داد و با دیدگاهی ثابت و روندی رو به رشد خود را همواره حفظ کرد و دستور دل را به عقل کشاند وعشق را در قالب کلمات به عاشقان این شهر و دیار هدیه داد.

«نسیم جنوب» را در این راه موفق می دانم زیرا که



کلیه افراد عاشق بوشهر در نسیمی توفانی قلم های خود را در راه باز کردن راهی برای شناساندن بلند مرتبگی این دیار به کلمات بی روح کوبیده اند و روحی نو بر کاغذ های سپید و صفحات نورانی بی محتوای مجازی دمیده اند و تا هزارمین شماره خود راه آزادگی و آزاد اندیشی را به مردم هدیه داده اند.

این نشریه امسال دارد نیم قرنی خود را جشن می گیرد و در این جشن افراد زیادی سهیم هستند، همه آن عزیزانی که در ارسال مطلب به این نشریه کوتاهی نکردند، دست اندرکاران نشریه از جمله سردبیر و مدیر مسئول، نویسندگان، خبرنگاران و چاپخانه ها و...

«نسیم جنوب» در راه رسیدن این شهر و استان به جایگاهی شایسته و در خورگام های زیادی را برداشته، از جمله تاسیس و راه اندازی نشست های هفتگی یا مناسبتی ادبی، سیاسی، فرهنگی و حتی دوستانه برای شناسایی افراد توانمند مهجور مانده تا ایجاد بسترهای رشد ادبی و فرهنگی، هنری و بعضاً سیاسی استان و همگامی با سایر استان ها و مرکز و حتی ایجاد دوستی ها و همسانی با حلقه های ادبی، سیاسی و فرهنگی جا افتاده و صاحب نام و قدرت در سطح کشور که دستیابی برای اکثر جوان ها سخت و بعضاً دست نیافتنی بود.

این نشریه خاطرات زیادی را برایم رقم زده، از جلسات تخصصی ادبی استاد آتشی گرفته تا جلسات بسیار صمیمانه استاد آرش نیا که در دفتر نشریه و در دل دوستداران ادبی برگزار می شد تا گردهمایی های دوستانه ای که با صاحبان فکر و اندیشه و دوستداران خطوط سیاسی مشترک، ادیبان و فرهنگیان استانی و فرا استانی، قهرمانان ورزشی و موسیقیدانان و سایر رشته های هنری برگزار می شد، تا جمع شدن همه آدم های دغدغه دار به دورهم و به اشتراک گذاشتن تجربیات و نگاه های نو و اندیشه های بکر برای یک گام برتر رفتن ازخود و شنیدن و گفتن خاطرات و خندیدن با خوشی های جمع و هم درد شدن با درد های آن دیگرانی که همه نسیمی از جنوب بودند و در دل این مملکت و مردم می وزیدند.

بارها برای عضو این گروه بزرگ بودن را دست آوردی برای خود می دانم که توانسته توقعات مرا از یک فضای ژورنالیستی حرفه ای برآورده کند و مرا به چالش هایی حرفه ای برای نوشتن مقالات و نقد های ادبی بکشاند.

آن گذشته های خیلی دور وقتی که به ساختار این نشریه نگاه می کردم، راز موفقیتش را در جدیت و پشتکار سر دبیر آن می دانستم، کسی که این حرفه را خوب می شناسد و می داند که دستی بر آتش



داشتن در این وادی چه بایدها و نبایدهایی را دارد و بعضاً تاوان سرپیچی از این قاعده مندی را هم پرداخت کرده است!

بعدها که نزدیک تر به این خانواده ژورنالیستی شدم حضور یک نفر دیگر را در راه موفقیت این نشریه یافتم، کسی که نامش هم سرلوحه این نشریه قرار گرفته و همچون مدیر اجرائی بی صدا، راه های سخت مدیریت داخلی و هماهنگی های نشر و توزیع را عهده دار است.

«نسیم فقیه» زنی مقتدر و بی حاشیه است که در آرامشی در خور یک خانواده فرهنگی، علاوه بر ایفای نقش مادری دلسوز و همسری فداکار، همراه بی نظیری برای نشریه نسیم جنوب است که راه های دشوار این نشریه را در کنار سردبیر آن به انجام می رساند.



«نسیم» خصوصیات یک زن جنوبی را دارد، زنی که سختی های راه هرگز او را از پای در نمی آورد و با خریدن مشکلات این نشریه بر جان خود، همچون نسیمی بر روح خانواده خود می وزد.

باید به این زن صبور و لایق افتخار کرد، زنی که کمتر از او و توانمندی هایش نامی به میان آمده، اما همه خوب می دانیم که اگر بتوان بر این اعتقاد عمومی و عامه صحه گذاشت که «پشت هر مرد موفقی زنی قرار دارد»، من به جرات می گویم که در پشت این نشریه موفق، زنی چون «نسیم فقیه» قرار دارد که با مدیریت عالی خود راه های سخت را برای رسیدن به هدف که همانا چاپ و انتشار نشریه است هموار تر نموده است.

درود بر خانواده «نسیم جنوب» و تبریک بابت چاپ هزارمین شماره آن.



صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور

مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده

نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰، دفتر نسیم جنوب

تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷

تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹

لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

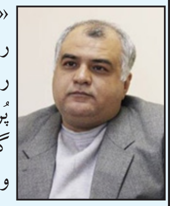
هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰

www.nasimjonoub.com

نسیم جنوب و رویاهایی که نادیده گرفته شد...

سیدقاسم یاحسینی



«دلتنگی های آدمی
را باد ترانه می خواند
رویاهایش را آسمان
پُر ستاره نادیده می
گیرد.
و هر دانه برفی
به اشکی نریخته می
ماند....» (احمد شاملو).

«نسیم جنوب» خانه من بوده و هست. خانهٔ رویاهای بلند برای مردم بوشهر و البته مردم ایران. آرزوها و ایده آل هایی چون جامعه مدنی، تحقق دموکراسی بومی، گفت وگو، تسامح، تساهل، عزت، سربلندی، رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی برای همه، معنویت بدون خشونت و ... .



مصاحبه با دکتر محمد مهدی جعفری برای نسیم جنوب که منجر به چاپ کتاب زندگی نامه ایشان به نام «همگام با آزادی» گردید

رویاهایی که البته باد، آنان را با خود بُرد و ستارگان آسمان بر آن خندیدند! چندین بار دست به تایپ شدم تا مطلبی درباره «هزارمین شماره» انتشار نسیم جنوب بنویسم، اما هجوم خاطرات، یادآوری آرزوها و رویاهای برباد رفته چنان، روح و ذهنم را در چنبر خود فشردند،که بغض گلویم را گرفت و نوشتن/تایپ را رها کردم. اما مگر می شود برای هزارمین شماره نسیم عزیزم چیزی ننویسم! نیم قرن تلاش و تکاپو برای اعتلای فرهنگ و سربلندی، در فراز و فرودهایی که هر کدام درخت تناوری را از پا می اندازد... . نسیم جنوب از همان چند پیش شماره اول، چنان عمل کرد که به زودی جزیی جدایی ناپذیر از خاطره فرهنگی نیمه دوم دهه هفتاد درآمد. نشریه ای شد پُربار، جریان ساز و کادر پرور، با حضور ستارگان آسمان ادب و هنر بوشهر و در رأس همه آنان شادروان منوچهر آتشی. من این افتخار را داشتم که به مناسبت پانصدمین شماره انتشار نسیم، به طور مفصل کارنامه درخشان این نشریه اصلاح طلب و دموکراسی خواه را وارسم. گفتنیها را در آن مقاله گفتم! اما در هزارمین شماره، دیگر نه حالی برایم مانده و نه حوصله ای. فقط امیدوارم جوانان بوشهری اگر توانستند و از دستشان برآمد، کاری کنند و چراغ راهی بیافروزند، چنان که نسیم جنوب در این ربع قرن و هزار شماره کرد! همین!

نشانه تسامح و تساهل در میانه تندروی ها

دکتر آرش دهداری



سالهای آخر دانشگاه بود که از طریق امید پارسایی‌فر و سید قاسم یاحسینی به یونس قیصی زاده معرفی شدم. صحبت از نشر هفته‌نامه‌ای بود در بوشهر و به یک طراح نیاز داشتند. دکتر خلف‌پور را از دانشگاه علوم‌پزشکی می‌شناختم، دکتر منوچهر قیصی‌زاده، برادر یونس هم همینطور.

یکی دو جلسه صحبت کردیم و قرار همکاری گذاشته شد. تا زمان مهاجرت از ایران تقریبا هر هفته با نشریه همکاری داشتم. کار کردن در مجموعه ای که اعضای بزرگی همانند استاد آتشی داشت، موجب افتخار می‌دانم. طی این سالها یونس را انسانی فعال و مثبت اندیش دیدم با عشقی خستگی‌ناپذیر به کار مطبوعاتی. کیست که نداند بدون زحمات و خون دل خوردنهای یونس، «نسیم جنوب» اینگونه بال و پر نمی گرفت. نشریه‌ای که مثل خود یونس نشانه تسامح و تساهل در میانه تندرویهایی بود که بلای جان ایران شده است. به امید تداوم حضور پربار «نسیم جنوب» و استاد یونس قیصی‌زاده در صحنه مطبوعات بوشهر و ایران.



نسیم نسل ما

دکتر طالب موذنی



از یک به هزار هر چیز که می‌رسیم ابتدایش بودن آن چیز بیشتر حس می‌شود، انتهایش نبودن آن. در جنوب نسیمی بوده که تا امروز هزار بار وزیده و کمتر جنوبی هست که آن را لمس نکرده باشد. نسیمی که در میان انواع بادهای موسمی دوام آورده و هر بادی به آن رسیده یا باز نسیم شده و یا بیمی شده و لرزه ای فکنده.

هزار بار این نسیم می‌وزد تا در هوایش اهل ادب و فرهنگ قلم بزنند. برای یک نسل، تبلیغ تکثر، تسامح و تحول تدریجی می کند. ادبیات نویسندگانش زبان غالب زمان می‌شود و خواست خوانندگانش بیان مطالبات زمانه می‌شود. هر صفحه‌اش آینه‌ای برای انعکاس مطالبات عمومی و عینکی برای انبساط مطالعات اجتماعی می‌شود. هر مطلبش، حلقه علاقه نویسنده به دیارش می‌شود و هر متنش حلقه دیگری از اتصال نویسندگان با اجتماع می‌شود.

از تاثیر هزار بار انتشار، یکی همین حلقه شدن‌ها برای آشنایی حرفه‌ای نخبگان فرهنگی، اجتماعی و علمی استان با همدیگر بود. بستری برای هر چه بیشتر فعال شدن فعالان اجتماعی فراهم نمود که همچنان نسیم فعالیت‌ها در میان نسل نواندیش دانشگاهی در حال وزیدن است. در واقع فعالیت «نسیم جنوب» مساوی و موازی شده است با فعالیت بخشی از بدنه امیدوار جامعه که با کنشگری اجتماعی خود و طراحی ایده‌های گره گشا به دنبال تحقق خواسته‌ها و مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

با نیم قرن تجربه در این راه نفس گیر، امید می‌رود که «نسیم جنوب» همچنان راه خود را با ابتکارات و برنامه‌های هدفمند سردبیر و مدیر مسئول مدبر و مقاوم خود با استحکام ادامه دهد.

هفته نامه نسیم جنوب و دانشجویان پوناه هند

دکتر کیوان آقایانی



بدون شک هفته نامه نسیم جنوب قدیمیترین و زنده ترین هفته نامه حال حاضر استان هست که همیشه تلاش دارد صدای مردم بوشهر باشد و بیشترین دغدغه آن توسعه همه جانبه استان بوشهر بوده است. در کنار این امر خطیب هفته نامه تلاش دارد که در زمینه های فرهنگی نیز پرتلاش و پویا بوده ، که بهترین حرکت آن «نشست دوشنبه های ادبی نسیم جنوب» آن است که ابتدا توسط شاعر بزرگ کشور و چهره ماندگار استاد منوچهر آتشی و سپس محمدحسن آرش نیا مدیریت و برگزار می گردید.

در کنار این سالهای نخستین، سالروز تاسیس هفته نامه بزرگداشتی گرفته می شد که در کنار مردم فهیم بوشهر جمعی از خردمندان، متفکرین، فرهیختگان، شاعران و نویسندگان به دور یکدیگر جمع می شدند و این برای من جوان بیست ساله بسیار شگفت انگیز و غرور آفرین بود که استانم تا این اندازه از لحاظ فرهنگی غنی است. باری چو نیک بنگری این حرکت نو، پیام فرهنگی زیبای بود که برای اولین بار در سطح استان ما رقم خورده بود.

سالها بعد که من جهت ادامه تحصیل به هندوستان سفر کردم مدتی بعد به خاطر فعالیت ورزشیم با انجمن دانشجویان شهر پوناه در ارتباط بودم که پس از مدتی با کسب اجازه از رئیس وقت آن توانستم یکشنبه که روز تعطیل دانشگاه بود دانشجویان اهل ادبیات و شعر در انجمن اسلامی به دور همدیگر جمع شویم و ضمن خواندن اشعاری از مولوی و تفسیر آن هر دانشجوی شعر داشت در آن جا می خواند و توسط یکی از دکترای ادبیات فارسی که در بین ما بود مورد نقد و بررسی قرار می گرفت. من همیشه در آن جا به دوستان می گفتم این الگو گرفته شده از هفته نامه نسیم جنوب در استان ماست.

در آن سالها که هنوز به شکل امروزی سایتهای خبری فعال نشده بود، ما دانشجوهای بوشهری همیشه از طریق نسیم جنوب از خبرهای استان مطلع می گردیدیم. من اگر بخواهم بهترین رویدادهای نسیم جنوب در آن سالها بنویسم اول حمایت از ما دانشجویان در اعتراض به جدایی عسلویه عزیز از استان بوشهردر سال هفتاد شش بود. دوم مطرح کردن موضوعاتی که تا آن زمان خط قرمز بودند مثل مصاحبه با محمود ابراهیم زاده، معرفی صادق چوبک، مصاحبه با منیرو روانی پور، ارتباط مستقیم منوچهر آتشی با مردم از طریق نسیم جنوب، معرفی و نقد فیلم تنگسیر و بهروز وثوقی و...، سوم صدای اعتراض مردم در حمایت از مهندس تبادار است.

سلامی و کلامی... یونس قیصی‌زاده

هزار شماره نسیم جنوب و هزاران تشکر



بالاخره نسیم جنوب به شماره هزار رسید، هزار شماره‌ای که از همان شماره اول نمی‌دانستیم شماره بعدی هم داریم و فرصت انتشار بعدی را می‌دهند یا خیر!

هزار شماره‌ای که سعی کردیم مردمی باقی بمانیم و صدای آنها باشیم،

هزار شماره ای که سعی کردیم به اخلاق رسانه‌ای وفادار باشیم و نسیم جنوب را هزینه کینه و انتقام و تسویه حساب‌ها نکنیم،

هزار شماره‌ای که خیلی‌ها برای رسیدن آن تا به اینجا سختی‌ها دیدند و هزینه‌ها دادند و مرارت‌ها کشیدند و شرمنده همه آنها هستیم.

ربع قرنی که بر «نسیم جنوب» گذشت، حیات آن جز با همراهی و زحمات نویسندگان، خبرنگاران و دست اندرکاران این نشریه امکان پذیر نبود، بزرگوارانی که بدون هیچ چشمداشتی و به عشق ایران و بوشهر، برای مردم نوشتند و در همه این سال‌های سخت، «نسیم جنوب» را یاری رساندند و باعث تداوم انتشار آن تاکنون شدند. در این فرخنده هزارمین شماره «نسیم جنوب» اگر نبود همراهی و حمایت و دلگرمی مردم عزیز و آگاه، البته که این کار به سامان نمی‌رسید و ادامه انتشار هفتگی آن میسر نمی‌شد.

اکنون جز سپاس و تشکر از همه بزرگوارانی که گام به گام و شماره به شماره نسیم جنوب را به بیست و پنج سالگی رساندند، چه می توان گفت. قدردان همه الطافی که به «نسیم جنوب» نمودند و یاری رسانش بودند، هستیم.

اکنون و در ربع قرن گذشته که به تک تک هزار شماره نسیم جنوب می‌نگریم، گرچه سختی‌ها، کارشکنی‌ها، دشمنی‌ها و مخالفت‌های بسیاری را می‌بینیم اما همه اینها در مقابل رضایت مردم در همه این سال‌های انتشار «نسیم جنوب»، هیچ اهمیتی ندارد و افتخار می کنیم که به عنوان خدمتگزاری در فضای رسانه‌ای و فرهنگی، توانستیم محل اطمینان و اعتماد مردم باشیم. در ادامه این راه پر فراز و نشیب، ضمن شکرگزاری از آنچه شامل حال‌مان شده، از خداوند می‌طلبیم که سعادت خدمتگزاری رسانه‌ای به مردمان این دیار را همچنان نصیب‌مان گرداند و امیدواریم که همانند گذشته، توفیق همراهی با مردم را داشته باشیم.

در بیست و پنج سالگی «نسیم جنوب» یاد همراهان «نسیم جنوب» که باعث بالندگی آن شدند و اکنون در میان ما نیستند از جمله زنده یادان؛ منوچهر آتشی، نجف دریابندری، عبدالرحیم جعفری، محمد بیابانی، ضیاء جمالی، زرتشت دوانی، محسن شریف، قاسم مهدی‌زاده، محمد حسن آرش‌نیا، بابک کپتان، تیمور ترنج، رمضان امیری، محمدرضا حق‌پرست، ماشا رضازاده، حسن زنگنه، عبدالباقی دشتی‌نژاد، عبدالحسین شریفیان، ایرج شمسی‌زاده، فرج کمالی، علی غلامی، محمد آذری، غلامعلی قاضی‌زاده، فراز بهزادی و... را گرامی می‌داریم، و شماره هزارگان نسیم جنوب را تقدیم به عشق، احساس مسئولیت و دغدغه آنان نسبت به ایران عزیز و مردم می کنیم.